

# نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق

تبلیغ مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

۱۰۴  
۱۳۴۱  
۱۳۴۱

سرمقاله:

## شعارهای وحدت

رنج سالها پراکندگی و نیروهای انقلابی  
حلقی ما را بر آن می دارد که پیوسته با  
احترام و تقدیر در باره " وحدت " سخن  
بگویند و برای رسیدن به آن شعارهای  
شتاب آمیز مطرح کنند . وقتی بسیاری از  
انقلابیون به سادگی شعار " وحدت  
نیروهای ضد امپریالیستی " اردهانشان  
درج می کنند ، گویی که اشتیاق ساده دلانه  
ما برای تحقق هدف هایمان کافی است .  
شعار " وحدت نیروهای ضد امپریالیستی "  
را زمانه می توان مطرح ساخت که نه تنها  
نیروهای مختلف انقلابی در جریان است

انقلاب به ضرورت آن رسیده باشند بلکه  
جای مشخص خویش را نیز در درون جبهه می  
شد امپریالیستی به درستی تشخیص داده  
باشند . نمایندگانی هر طبقه و انقلابی  
آثار خواست های طبقاتی خود را برای  
ندین برنامه و انقلاب کافی خواهد دانست  
و خود را نماینده و رهبر تمام می بیند .  
حساب خواهد آورد ، این رشد انقلاب  
است که نیرو و توان تاریخی هر طبقه را به  
او نشان خواهد داد و او را به ایفای  
نقش مشخص خود در انقلاب و خواهد  
داشت . در شرایط کنونی ، سازمان های

انقلابی مد روز بهیچ وجه نمی توانست  
 تشکیل جبهه ی واحد دهند زیرا این  
 سازمان با خود نه تنها تاکنون به  
 نماینده ی واحد این یا آن طبقه تبدیل  
 نشده اند بلکه هنوز راه های ارگانیک با  
 طبقه ای که نماینده ی ایدئولوژی آن  
 هستند نیز پیدا نکرده اند بنابراین  
 تا آنجا که نماینده ی توان انقلابی و نقیض  
 تاریخی دایته وجود نمیکنند به توانمند  
 بر اساس آن رفتار مشخصی در جبهه ها  
 در واقع می توان گفت که ما تا تشکیلات  
جبهه ی واحد ضد امپریالیستی فاصله ی  
زیادی داریم .

با این حساب باید پرسید کس  
 مارکسیست - لنینیست ما باید چه شعاری  
 درباره ی جبهه بدست . آیا بدون مسئله ی  
 تشکیل جبهه در شرایط کنونی منتفی است  
 نه اگر ما هم باید نفسی کامل آن باشد ؟  
 می گوئیم نه ، برخی همکاری همایشی  
 امکان پذیر است و باید کوشید این  
 همکاری ها را هر چه بیشتر کرد و آنرا

تحت نظام و برنامه ای آورد . در شرایط  
 کنونی ، شعار مارکسیست - لنینیست ها  
 درباره ی مسأله ی جبهه باید چنین باشد :  
 " همکاری هر چه بیشتر نیروهای  
مختلف انقلابی "

این شعار در عین حال که واقع بینانه  
 است و بر هدفی قابل حصول متکی است  
 می تواند نیز هست و پیوسته همکاری ها  
 بیشتری را طلب می کند .

اما آیا مارکسیست - لنینیست ها  
 چگونه و از چه طریق باید وارد همکاری  
 با سایر انقلابیون شوند . آنها با جبهه  
 در یک سازمان غیر مارکسیست - لنینیست  
 عضو شوند ؟ آیا باید با عناصر غیر  
 مارکسیست - لنینیست گروه یا سازمان  
 انقلابی به وجود بیاورند ؟ آیا باید در  
 سازمان انقلابی خود ، عناصر غیر  
 مارکسیست - لنینیست را به عضویت  
 بپذیرند ؟ پاسخ تمام این سئوالات منفی  
 است . لنین آموزگار بزرگ ما  
 می آموزد که کمونیست ها با همه

در نظفه ای ترین شکل تشکیلاتی خود ، سازمان مستقل داشته باشند . هر کس که به این نکته توجه نکند ، به ناسن یک سازشکاری هولناک افتاده است . یک کمونیست فقط در یک سازمان یا حزب کمونیستی مبارز ، نمیتواند کمونیست باشد و به وظیفه کمونیستی خود عمل کنند . در یک سازمان انقلابی یا حزب نفوذ در حد شاید ثلوثی و تنبلیزی آن حل می شود و دیگر مسئله ، تأمین ضرورتی این یا آن طبقه در درون سازمان مطرح نیست . اگر مبارزه ای درونی در یک سازمان انقلابی یا حزب یک طبقه در می گیرد ، باید برای دارد و ریشه کن کردن نفوذ ایدئولوژی دایغات دیگر از آن ، حزب یا سازمان باشد ، نه برای تأمین ضرورتی بر آنها . در دایگه جبهه شدت به چند طبقه ی انقلابی است و مبارزه ی درونی در آن ، برای طرد ایدئولوژی این یا آن طبقه نیست ، بلکه

به منظور یافتن خطوط مشترکی است که بتواند نیروهای تمام طبقات انقلابی را به خود جذب کند و در همین حال ، همزیستی یک طبقه ی مشخص را با اعمال نماید . تسلیح ، خدمت های حزب به جبهه ، جبهه روی و تحمیل خدمت های جبهه به حزب راست روی است و این هر دو انحراف اگر منجر به عواقب هولناک نشوند ، لااقل به کار آیین نیروهای انقلاب آسیب می رسانند . یک کمونیست رابطه ی مشخصی با جامعه دارد که فقط از طریق سازمان سیاسی کمونیستی منتقل قادر به ابداع و حفظ آن است ؛ اگر با توجه های تاریخی این طرز ارگانیک دارد ، که این شرط اساسی کمونیست بودن او است ، از طریق این سازمان است ، اگر جبهه تشکیل می دهد ، به وسیله ی این سازمان است و اگر جبهه را ترک می گوید باز با سازمان خود این کار را می کند نه به عنوان یک فرد . پس ، کمونیست نیرو و توان بالقوه ی عظیمی

دارد. این نیرو در حقانیت تاریخسی .  
 ایدئولوژی اوست. در توانائی بی مانند  
 جهان بینی او برای تفسیر و تخییر جهان  
 است. این نیروی توان بالقوه ی عظیم را  
 فقط در يك سازمان سیاسی مستقل کمونیستی  
 می توان به فعل درآورد، حفظ کرد و رشد  
 داد. در يك سازمان سیاسی غیر  
 کمونیستی يك کمونیست نه تنها قادر به  
 رشد دادن و به فعل درآوردن توان  
 بالقوه ی عظیم ایدئولوژیک خود نیست بلکه  
 حتی قادر به حفظ آن هم نیست، زیرا این  
وجود اجتماعی ما است که تصور ما را  
سی سازد و فعالیت سیاسی عالی ترین  
بخش وجود اجتماعی است. يك کمونیست  
 که داخل يك سازمان غیر کمونیستی  
 می شود، اگر بتواند در آن سازمان به اند  
 و به بهره ای از آن تبدیل شود، در واقع  
 در قالب وجود اجتماعی عمیقش رفته است که  
 ایدئولوژی کمونیستی او را تباہ می سازد  
 کمونیست هائی که داخل سازمان  
 سیاسی غیر کمونیستی می شوند، فقط به

خودشان و به جنبش کمونیستی لطمه  
 نمی زنند، بلکه آن سازمان را از  
 در ارتداد های متعاصر و اخلاقی  
 بی نظمی، سردرگمی، بدنوسان افسار  
 گسیخته به راست و از دست دادن  
مواضع اجتماعی و وجدانشان  
 از توده ها و طبقه ی خود و حتی  
تجزیه و تلاشی می سازند. ممکن  
است خود این سازمان بنا به اعلت  
نداشتن جهان بینی علمی تصور کنند که  
قوانین علمی، حاکم بر جامعه ما می توان  
با "تند بصر" درگون کرد و بدین  
جهت با پذیرفتن مارکسیست - لنینیست ما  
 که عضویت سازمان خود، مشکلات  
 غیر قابل حل برای خود به وجوه  
 بیاورند. در اینجا کمونیست ها  
 نباید آگاهانسه عمل کنند. زیرا  
 کمونیست ها باید به حفظ این  
 این سازمان ها بعنوان بخشی از نیروهای  
انقلابی علاقمند باشند و به جای عضو شدن  
در این سازمان بنا با آنها فقط در عمل

صفحه ۵ ————— نبرد خلق ————— شماره ششم

مشخص همکاری کند .

اما در مورد سازمان های سیاسی  
کمونیستی : این سازمان ها اولاً باید

مواضع آبد تولوزیک خود را صریحاً اعلام

کنند ، ما هیچ چیز ندانیم که از توده ها

پنهان کنیم ، مخفی کاری آبد تولوزیک

چیزی بجز عوام‌پرستی نیست . دو سالین

سازمان ها باید عناصر غیر مارکسیست -

لنینیست را به عضویت خود نپذیرند ، مگر

کارگران و زحمتکشانی که زمینهی مارکسیست -

لنینیست شدن در آن ها وجود دارد و خود

حاضرند تحت تربیت آبد تولوزیک قرار

گیرند . سازمان های کجای فدائی خلق به

ضوان یک سازمان مارکسیست - لنینیستی

در این مورد خط مشی روشن و مشخص

دارد . ما تاکنون هرگز افراد گروه‌هایی

را که مارکسیست - لنینیست نباشند به

عضویت نپذیرفته ایم و در آینده نیز این کار

را نخواهیم کرد . البته در آینده در

مرحله ای از رشد و تحکیم جنبش و با

انفراد و گروه‌های انقلابی

فیر مارکسیست - لنینیست در بسک

ساخت تشکیلاتی جبهه ای متشکل خواهیم

شد ، ولی در شرایط کمونی اگر انفراد ،

گروه‌ها و سازمان های انقلابی فیر کمونیستی

با ما برخورد کنند ، فقط قادریم پاراهای

شمکاری هائی را با آنها بنمائیم .

اما آنها فقط داشتن استقلال سازمانی

برای مارکسیست - لنینیست ها کافی

است و نباید در جهت وحدت کلیه ای

مارکسیست - لنینیست های ایران تلاش

کرد ؟ می گوئیم چیرا ، اکنون درست لحظه ای

است که باید شعار " وحدت کامل کبیه ی

مارکسیست - لنینیست ها را داد .

البته لازم به یاد آوری است که منظور ما

کبیه ی مارکسیست - لنینیست هائی است

که با قبول مشی مسلحانه در جهت تحقق

هدف هائی جنبش انقلابی ایران قدم

برمی دارند . بسیاری از مارکسیست -

لنینیست ها هم هستند که گسول

اپورتونیست های رنگارنگ را خورد و اندوخته  
الگوسازی از تجارب تاریخی پرولتاریا  
سرگرفتند و بر خوردی با انقلاب ایران  
ندارند. اگر چه هنوز کمی زود است که  
عنوان "مارکسیست - لنینیست" را از  
تناسی آنها بگیریم و باید کمی بیشتر منتظر  
شویم ولی باید به یاد داشت که رضش از  
مارکسیست - لنینیست ها صرف  
بی زشم و چنانکه یاد شد باید منتظرمان  
آیند مارکسیست - لنینیست ها باشد که  
در روشن نمایی انقلابی ایران قرار دارند  
در حالتی ایران در خارج از جنبش انقلابی  
ندستند.

تلاش اساسی مارکسیست - لنینیست ها  
که در روشن نمایی انقلابی هستند باید  
این باشد که در یک سازمان واحد متمرکز  
شوند. اگر دیده می شود که بسیاری از  
"مارکسیست - لنینیست های" ادعائی  
ایران دسته جات مختلفی را تشکیل  
دادند که همه با هم مخالفند، این

بدان دلیل است که آنها از واقمیت عینسی  
جامعه ی ایران و علی انقلاب بد و رند ،  
بدین جهت دریک تحولات فردی خود را به  
جای واقمیت عینسی نشانند. اکثریت  
نزدیک به اتفاق اینان و شغفکاران ایرانی  
ساکن خارج از کشور هستند که هیچ تماس  
مستقیمی با مسائل ایران ندارند و ایران  
برایشان جامعه ی بیغیالی است که نمی دانند  
آن را باید "مسطابق سطلسوق"  
بدانند و که "شخصی سول بی نقسین"  
را از پیش باید برای انقلاب آن برگزینند .  
آن اقلیت ناچیزی هم از آنان که سده ر  
داخل ایران هستند و دریک حصار مستعدند  
و کردیک زندگی و روشنفکری زندگی هستند  
و توراتی ذهنی و کتابی راجع به جامعه  
و انقلاب دارند . در نتیجه مارکسیسم -  
لنینیسم اینان ( این هر دو دسته )  
سخت آویخته به سوپرگمپوزم و روشنفکرانه  
است . آنها مجبورند همین دو قطب  
و گمانیسم و اهدگری و روشنفکرانه پیوسته

نوسان کنند، زیرا ثنوری را بدون برخورد با واقعیت‌هایی نمی توان رشد داد و پدر شرایطی که برخوردی با واقعیت‌هایی وجود ندارد، برای توضیح يك مسأله‌ی جدید یا باید بطور مسکونی با زور و غبار آنرا تحت شمول مطلق ثنوری های سرچو در آورد و با فرمول خیال پردازانه‌ای برای توضیح آن تراشید. برای مثال کافی است که به مسائل مورد اختلاف مارکسیست - لنینیست‌هایی خارج از کشور نگاه کنیم. علاوه بر این بسیاری از این روشنفکران فقط از طریق تحقیق و مطالعه گسرایش فکری به مارکسیسم پیدا کرده‌اند و به علت نداشتن تماس با زندگی خلیق و انگیزه‌ی نیرومند اجتماعی برای مبارزه ندارند. به زودی در این دسته مارکسیسم - لنینیسم تبدیل می شود به دگانی برای خودنمایی و فضل فروشی. اینان گذشته از زندگی بودن و درگفته‌های خود نیز صداقت ندارند. اما وضع ما

آنها به گسی فرق می کند. اولاً ما با واقعیت‌هایی برخورد مستقیم داریم و در نتیجه اگر مثلا کسی بگوید که در ایران هنوز فتودالسم بر روستاها حاکم است، ما می توانیم با او به روستا برویم و آنجا را به او نشان بدهیم، یا اینکه از خودشان بخواهیم درباره‌ی مسائل تحقیق کنند و هر حرفی درستی هم داشت می‌پذیریم. از طرفی ما در سخت‌ترین شرایط داریم مبارزه می‌کنیم و بنابراین رفقای ما دارای صداقت بسیار زیادی هستند. برای اینکسه کسی در راه آرمانش با کفوش باز استقبال مرگ برود، نیرومندترین انگیزه‌ی اجتماعی لازم است. در نتیجه ما به سادگی می‌توانیم يك بحث و گفتگوی صادقانه برای حل مسائل داشته باشیم. بندرت ممکن است در صفوف ما فرد از جان گذشته‌ای را دید که صداقت انقلابی نداشته باشد، تازه چنین کسی در صورت وجود به خاطرشک کارما



به زودی شناخته و طرد خواهد شد .

البته بسیاری از مسائل مارکسیست -

لنینیستی را بدون کمک توده های کارگر

و سایر توده های خلقی و تجربیات تاریخی

آنها نمی توان حل کرد . ولی باید به یاد

داشت که ما در مرحله ای هستیم که نفوذ

در توده ها را داریم آغاز میکنیم . ارتباط هر

چه بیشتر با توده ها به وحدت مارکسیست

- لنینیست ها کمک می کند . زیرا اختلاف

نظریه های سوبوتکویینی روشنفکرانه بسا

مبارزه ی رشد یابنده ی توده ای در تضاد

قرار می گیرد و از صفوف مبارزه طرد

می گردد . به نظر ما اکنون درست زمانی

است که باید شمار وحدت کلیه ی

مارکسیست - لنینیست های ایران را مطرح

ساخت و در جهت تحقق آن تلاش نمود .

وحدت قدرت ما را برای ضقایا علیه سا

دشمن بیشتر می کند و از پسر اکسید گسی

خود کاری و و هیز رفتن نیروها جلو میگیرد و

توان ما را برای رهبری استراتژیک جنبش

و مبارزات ایدئولوژیک افزایش میدهد و به

رشد سیاسی و نظامی ما کمک میکند و قهرزه

اکنون بیشتر مارکسیست -

لنینیست عائی که درون جنبش نوین انقلابی

قرار دارند به خوبی نقش و اهمیت

وحدت مارکسیست - لنینیست های ایران را

بطور رکسی درک می کنند ولی گاهی در

بین برخی از انفراد یا محافل

مارکسیست - لنینیست این مسأله مطرح است

که باید شرکت در جنبش انقلابی اخیر

ایران بطور کلی مورد نظر باشند و

گویا داشتن و یا نداشتن يك سازمان

با ایدئولوژی مشخص و اعلام شده ای

مارکسیست - لنینیستی در شرایط

کنونی رشد جنبش و تأثیری در اجرای

وظایف انقلابی ما ندارد . این حرف اگر

در شرایط آغاز مبارزه مسلحانه و

عواقب زیاد بدی نداشت و لیکن در شرایط

کنونی دارای عواقب بسیار بدی است .

اکنون دیگر ما مبارزه مسلحانه را در

بدون داشتن موضع مشخص طبقاتی ممکن نیست. البته کار ما فقط در رابطه با مبارزات طبقه‌ی کارگر نیست بلکه به قول لنین ما و وظیفه‌ی سوسیالیستی و دموکراتیک داریم و این باید به یاد داشته باشیم که مسا وظایف دموکراتیک خود را نیز در رابطه با ضامن مبارزات طبقه‌ی کارگر اندامید هم یعنی با موضع‌گیری مشخص طبقاتی و در رابطه با مبارزات تمام افسار دهن باید کار کنیم و شکل و مباح مبارزه، آنان را ارتقا دهیم و لسی به‌کاره از دید گام‌های مبارزات طبقه‌ی کارگر یعنی با جهان بینی و موضع‌گیری مارکسیست - لنینیستی و نیز در غیر این صورت مجبوریم با جهان بینی و موضع‌گیری طبقاتی دیگری این کار را بکنیم.

جامعه تثبیت کرده‌ایم و درستی نمی‌توانیم صلحانه را به عنوان شکل محوری مبارزه به اغلب نیروهای آگاه خلق اثبات کرده‌ایم و آنها را به سوی مبارزه صلحانه جلب نمودیم. اکنون ساله‌ی اساسی می‌کشد برای ما مطرح است جلب توده‌ها است. توده‌ها را دیگر فقط با شعارهای کلیسی نمی‌توانیم جلب کرد. باید خواست‌های نزدیک آنها را مبارزات خودشان را صورت توجه دینی قرار دهیم و کار خود را با آن تنظیم نمائیم. باید تبلیغ صلحانه و در کنار آن سایر کارهای تبلیغی و ترویجی خود را در رابطه با خواست‌های نزدیک و مبارزات خسود توده‌ها انجام بدهیم. چنین کاری هم

برقرار باد وحدت کامل نیروهای مارکسیست - لنینیست ایرانی

پرویز بیاد اصل "همکاری هرچه بیشتر نیروهای مختلف انقلابی خلق ما"

# پیام جبهه خلق برای آزادی عمان

به

## سازمان چریکهای فدایی خلق

آن همانا که آنها بجز قهر انقلابی زبانی  
نمی فهمند . توده های خلق عمانی ما که  
امروز با دشونت بارتترین حمله نظامی که  
تاریخ انقلاب بیاد دارد و امیرالیمست ها  
در اتحاد با نظام خائن مستقر برپا میکنند  
و نیروهای شاه در آن نقش عمده ای را بازی  
میکنند ، روبرو هستیم ، دستهای شما را  
به گسری می فشارند ، و مدتقدرند که سه  
مبارزه شان علیه این اتحاد مرتجعین  
جز لایتنجیای مبارزه تمام نیروهای  
انقلابی جهان است .  
باشد که این یادبود انگیزه ای  
برای اوج یافتن مبارزه گردد .

پیام کادرها و فرآیندهای انقلاب نسیم  
ژوش و بنام توده های خلق عمان که در برابر  
اندها گران و نیروهای تجاوزگرو بقایای  
مردوران ستاومت میکنند ، پنجمین سالگرد  
آغاز مبارزه مسلحانه را که توسط مهرمانان  
سازمان چریکهای فدایی خلق در روز  
پنجم شهریور ۱۹۶۹ در حاکم ایران در مشهد  
سیما هکسل بر علیه شاه مزدور شد و در  
به شما تبریک می آوریم .  
راه مبارزه مسلحانه ای که شما برای  
رهاش شاه ایران از بندهای نسیم و  
سازمان راوی برگردانید ، حوایب شایسته ای  
است . به شما تبریک عرض می کنم .

"فزون تر باد فشردگی صفوف مبارزین"

"کونده تر باد ضربات علمه امپریالیسم وهم پیمانانشان"

"پیروزی، از آن خلقم سبای مبارز است"

"مرگ بر امپریالیستها و دست نشاندگان آنها"

جبهه خلق برای آزادی و عمان

۱۱ بهمن ۵۳ - ۸ نوامبر ۷۵

## پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین

۴

### سازمان چریکهای فدایی خلق

"رفقای دم سلاح سازمان چریکهای فدایی خلق"

"با سلاحهای انقلابی"

توسطه های آن جبهه خلقی	بصابت یاد بود پنجمین سال
برای آزادی فلسطین برای فشردن	مبارزه صلحانه در ایران علیه نظام
دست های شما به منظور رهینگسی	ارنجیاعی وایمنه بس
و پختیاتی از صابره عادلانه تا ن	امپریالیسم و محسری

بین مصایید .

می باشند .

رفقا : ما هفتگی علیه پایگاه دشمنی کسه  
برای تسلط بر سر زمین و نواحی آن کوشش  
میکنند و توده های ما را تحت بدترین انواع  
انتشار و خفقان گذاشته است ، در سنگسار  
راحتی ایستاده ایم . دشمن با تمام وجودش  
بپوشد که بذر دشمنی و بد بخراهی را  
بیاں خلقهای ایران و عرب بگارد . رلسی  
بازره ، شترک ما بر علیه این پایگاه رزق شده  
هایر نشده های آنها را سلطنتی بر آب  
کرده و شترک خلیه های ما را برای روبر و شد  
ما مجرم و خنیا نه اش صنعکم صنایید .

بدین جهت مبارزه شما علیه نظام شاه  
یکی از اساسی ترین و طایفی است نه در  
مقابل جهان سوم قرار دارد .

سازمان با این پرورش ممکن نیست مگر از راه  
آگاه ساختن نیروهای خلقی در شانته  
آماده ساختن ر سازمان دادن و مسلح  
کردن آنها و برپا کردن جنگه توده ای دراز  
مدت ، حتی که در طول آن صلاحیت نمود  
های انقلاب فرزند یافته و همزمان با آن  
بایه های ارتجاع صحت شده و امپریالیسم  
نابود میگردد . محترم بودن پیروزی  
نوده های امپریالیسم و صهیونیسم  
و ارتجاع ، بلکه اهمیت تاریخی است و  
وظیفه پشاهندگان انقلابی برای تحقیق  
بناشیدن به آمل و آرزو شمای توده ها در  
طول مسیر مبارزتی صولیتی بسزرگ و  
تاریخی است .

تورم ینجین ساز ، مبارزه شما همزمان  
با فرزند و خوش برورش امپریالیسم ارتجاعی  
در سر زمین ما برای اعاده تسلط امپریالیسم  
بر منطقه و نواحی آن . رگرتش برای از  
بین بردن جنبش آزادی بخش است کسه  
سد . در ستا بل ایمن توطئه ها

" ما دشمنهای شما را میشناسیم و با شما در صف واحدی در مقابل دشمن مشترک میایستیم "

" پیروزی از آن خلقهای مستعد به مبارزه صلحمانه است "

"زنده باد مبارزه مشترك ما برای نابودی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع"  
"پاینده باشید برای انقلاب و مبارزه"

"جبهه خلق برای آزادی فلسطین"

۸ فوریه ۷۵ برابر با ۱۹ بهمن ۵۳



پیام

جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی

به

سازمان چریکهای فدایی خلق

رفقای هم سلاح!

قهرمان ما "ابوسمید" (ایم سمیری) امروز همه رفقای مادر انقلاب فلسطین به کلت و تانک و همکاری با شما برهی خیزند. اگر ما در انقلاب فلسطین رودروی اشغال صهیونیستی هستیم که با امپریالیسم جهانی رابطه حیسی دارد، شما

امروز چهار سال از فروزان شدن انقلاب شما گذشت و پایه های انقلاب زخمکشان علیه ظلم و ستم استوار گشت، اید تلووی شما بشکل نهائی از گمانیکه طرفدار اصلاح رژیم از درون هستند، ظاهر شد. ای رفقای هم سلاح! ای رفقای شهید

تجدید فکری و روش های جدید علمی اینستاره اید که بکلی  
تغییرات اساسی در ساختار و مدیریت و برنامه ریزی و  
آمادگی در تمام سطوح سازمانی - پلیسی و  
امنیتی را در نظر گرفته است و ترمیم و آرا و  
تغییرات اساسی در تمامی سطوح که سرای  
... برنامه ریزی و  
... را مشاهده می نماید  
برای توسعه و انتحال ... در شرایط جاری یا  
... در سطوح سازمانی  
... در زمینه های آزاد و خود باسیکند .  
... در تمام سطوح  
... بر اساس سنج و پیشرفت آسرا در  
تایید کرده است و نیز در کنگره که صاحب  
آرای و سبب افکات و تغییر و پیشرفت  
... است که  
... را در هر مرحله چهار کرده و نتایج  
... را  
... است که آسرا را با  
... و ... مانده  
... در همه طرفه  
... در تمام سطوح آسرا  
... را

شماره ششم  
حلقی در دست ایران را شعله و ساخت و روی  
اعتیاد آن در همین ها حادثه نمی باشد  
ننگ با شایستگی تمام به پای از مغز  
چشمهای آزاد به حتر صطفه و همسان  
ندیدند .  
روندای همیر اما در " حبه خلق -  
فرماندهای عمومی " در مورد شاعر و  
شماره های شما شرکت می کنیم ، درمانگونه که شما  
در چهار تا و یا ما و عهد و ثریما شرکت  
نکردید . ما همیشه به آراء انقلاب نسبا  
و پیشرفت و روح پائین آن در داخل اعتبار  
می کنیم و نیز به توسعه ی روابط آن بسا  
چشمهای آزاد بینر هری و جهان سنی  
متوسم و این اسر یا همستگی که در اثر  
آسرا را دیگر انقلابهای زحمتگان در  
سراسر جهان موجود نماید نیروی ادبی به  
انقلاب ایران را تجمیع می کند . اسرا در  
جاریه بهر شاهه ی شگفت انگیز شما علمه  
وزیم اسراغی وابسته به امیرالعریم نزدیک ی  
نیست که پیروزه از آن شناخت . چه  
شما در سوی خلق بوده و از خلق مرحمانده

سرمایه داری و امپریالیسم جهش‌سزای جسمی  
شکست نخواهند داشت و عرصه  
نمایشهای دست‌نشانده‌گانشان با شکست  
احتساب‌ناپذیر رویرو خواهند شد. اما در  
حالیکه دوستی شما را هنرزمس می‌دانیم و  
امید داریم که در مبارزه دلیرانه‌تان به پیشی  
روید و پیروهایتان یکی پیراز دیگری  
فرارند که این پیروها در نهایت پیروز  
ما و پیروزی همه انقلاب‌پویان جهانند.

رفقا! با مصیبت‌تفریفات همکاری نکنید  
شبهتنگی ما علیه نوظنه‌های امپریالیسم  
صهیونیسم و دست‌نشانده‌گان آنها در دنیا  
و در جهان ایران داریم. همانا مسلمانان  
مبارزه‌مسلمان علیه صهیونیسم در دنیا  
با همان دشمن رویرو می‌نمایند که شما  
رویز می‌شوید. دشمن ما به پشتیبانی  
آمریکاییان و اسرائیلیان  
برای سرکشی و مبارزه می‌کوشد.

رفقا! برای انقلاب شما که انقذه  
را جهت ضامع خلق شما و قح آزادگی  
"زنده باد همبستگی انقلابی"  
"زنده باد مبارزات جاسوس"  
"زنده باد انجمن‌ها"

هشتم شهریور ۱۳۵۷ مطابق با ۱۱ آبان ۱۳۵۳  
در نشر سیاسی - روابط عمومی  
جبهه خلق برای آزادی و دلسطوبی - تهران



## پیام حزب انقلابی خلق اردن

به

### سازمان چریکهای فدایی خلق

هد انقلاب و دست‌نشانده امپریالیسم در منطقه و پیوند آنها با یکدیگر علیه نیروهای آزاد‌بخش و پیشرو وحدت سرنوشت ما را بعنوان يك حقیقت تأکید میکند. ضرورت مبارزه مشترک و وقایع و حوادث روز بروز صحت اعتقاد ما را تأیید مینماید و صحت هدفی را که باید از طریق همکاری بدان برسیم ثابت میکند.

در خلیج همبستگی ارتجاع ایران و عرب - به‌منظور سرکوب انقلاب خلق عمان را می‌بینیم و در ایران افزایش عملیات سرکوب را که از جانب حکومت شاه با همکاری و دستور سازمان جاسوسی آمریکا صورت می‌گیرد را مشاهده

رقتا. اصول ملی و انترناسیونالیستی که خلقهای منطقه را بهم پیوند میدهد و مبارزه آنان را علیه نیروهای طبقاتی و ارتجاعی مسلط بر منطقه استحکام میبخشد ما را بر آن میدارد که آغاز مبارزه عادلانه از طریق سازمان شما را مناسبی عادی تلقی نکرده آن را آغاز فصل تازه‌ای در تاریخ مبارزه علیه دشمنان ما و دشمنان آنان، علیه کسانی که ما را و شما را استثمار میکنند و علیه کسانی که بر ما و شما ستم میکنند تلقی کنیم و آنرا آغاز مبارزه‌ای به‌منظور تأمین آینده‌ای بهتر برای توده‌های رنجبران بدانیم. ارتباط ارگانیک بین نیروهای

از جانب ما فرصتی به منظور تقویت

روابط مبارزاتی بین ما و سازمان شما

علیه نیروهای ارتجاعی در خطه امپریالیسم

تلقین کردیم. مبارزه ای که بخاطر

آینده ای بهتر برای خلقهای ایران

در حلقه های شما در میان صورت

می گیرند.

ما بنام حزب انقلابی خلج اردن

مبارزه شما را می ستاییم و با شما

پیمان می بندیم که مبارزه مشترک علیه

نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم

در خطه در راه آزادی انسان

و اتحاد خلقهای آزاد پنجاه کشور

را ادامه دهیم.

صی کشیم.

رقبا: راه مبارزه ای که خلج ما

در اردن علیه حکومت ارتجاعی

و دست نشانده، در این کشور می پیوندد

ضرورتاً نشان راهی است که شما

مبارزه تان علیه حکومت ارتجاعی در

ایران می پیوندد.

هنگی ما در مبارزه علیه ارتجاع

دست نشانده سهیم هستیم و همانگونه که

ارتجاع نیز علیه ما - چه دسته جمعی باشیم

و چه انفرادی - می کشد. مبارزه ما و شما

در راه و وحدت مبارزه خلقهای ضلعه و

پیشرفت و پیرویشان ادامه خواهد یافت.

خاطره آغاز مبارزه صلحانه شما باید

"زنده بماند در همبستگی ما و شما علیه ستم، بنسردگی و استثمار"

"زنده بماند مبارزه خلقهای خاور در راه آزادی و پیشرفت اجتماعی"

"زنده بماند مبارزه خلقهای ایران علیه ارتجاع دست نشانده و امپریالیسم"

حزب انقلابی خلج اردن - کمیته مرکزی

عمان - اردن

## پیام ارتش آزادیبخش توکیه

به

### سازمان چریکهای فدایی خلق

وفتسای عزیز :

استعمار رژیم شاه و سازمان جنایتکار او  
سازمان مزد ، بلکه همچنین پشاه مطه  
شجاعان خلق ایران علیه جبهه  
فانیستی سرمایه داری بین الطلی بود که  
موانع پیشماری را در اثر پیروز زبستان  
در نشان گردانهای شرقی سرسیا لیمنی  
خلقههای جهان از دست داده است .  
بدیهی است که در عصر امپریالیسم ،  
سرمایت انحصاری بین الطلی نه تنها  
ضایع و تصادفای جهانی خود را در هم  
ادغام می کند ، بلکه سرنشت تصادم  
خطهای جهان را در بارزه شکوهند و

بضایعت پنجمین سالگرد مبارزه  
تبرمانانه سیاهکل سمبل کبیر آغاز مبارزه  
سلحانه برای رهائی خلق ایران ، ارتش  
آزاد بیخشی توکیه فرصت را برای افسران  
تبریکات خود به جنگجویان خلق ایران در  
برگزاری مراسم این واقعه مفتش می شمارد  
و پیروزیهایی بزرگتری را در مبارزه علیه  
رژیم خونخوار شاه و امپریالیسم بت سرکردگی  
امپریالیسم امریکا اروری کند .  
مبارزه سیاهکل معنای کبیر دارد سیاهکل  
نه تنها پشاه اولین شعله مبارزه سلحانه  
تلن در تاریخ اخیر ایران علیه منم و

نهاییشان که در تمام نقاط جهان به صورتی  
 نوئی و سرسیالیسم بریان دارد بگامگانه  
 می نماید . از جانب دیگر امپریالیسم که از  
 هر سو بوجه با سیرهای انقلابی جهان  
 است و محیقا در بحران غیر قابل اجتناب  
 اقتصادی از آنروسیالی نظام مرماسیه  
 داری درگیر است ، هیچ راه دیگری به جز  
 ترسل به جنگهای تیاوز کارانه وسیع علیه  
 خلتهای مبارزندارد تا اینکه بدینطریق  
 بتواند نظام نرم خود را ادا دهد .  
 اینها واقعیاتی اساسی هستند در تائید  
 انتقاد عمیق ما مبنی بر لزوم قطع مسمی  
 سنتگترین هوسنگیها و هذکارها همانند  
 سرنه مبارزه شکر دهند خلز ویتنام - بسین  
 تمام بیروهای انقلابی را : لقمه ای تحت صنم  
 کشورهای تیسسه یافتند : کشور هسای  
 سرسیالیستی و زبانه کارگر کشور هسای  
 منطقه ما حار بیاضه نیز واجد با چنین  
 سیاست نواحی امپریالیسم است ، مبارز  
 ضد امپریالیستی نکالما باند ، خلقها

این منطقه ، به نصیب مقاومت تهرسانانه  
 خلق لاسطنین علیه مهاجمین صهیونیست  
 و از بابان امپریالیست آنها یکبار دیگر وشت  
 امپریالیسم را به صورت واقفیت ضامن و  
 آورده است ، و این واقفیت ، روشنگری  
 است ، این واقفیت است که امپریالیسم  
 و همکاران محلی آنها را و اداری کند که  
 دانشا نوظفک های جدیدی برای تبارز علیه  
 فعلها طرح ریزی کنند تا بتوانند مبارزه  
 رهائیبخش آنها را نکست دهند .

سیاست تجارز کارانه امپریالیسم در این  
 منطقه مانند سیاست " ویتنای کردن " ادر  
 ویتنام بر این با  
 توسط حکومتهای

خار  
 نادیا

(۱۱)

برای بدعهدی از امتداد برادرانه غلظت تبرور و آلوده کردن خلیجهای یزدان و ترکیبه سوم احساسات شریعتمندی و نژاد پرستانانه علیه یزدیگر، اینها فقط چند نمونه مشهور از این سیاست امیرالایمسی هستند .

سازبان آزاد بیعتش روکیده از خلال تجربه چهار سال، مبارزه صلحانه خرد باردیگر این حیثیتها در یافتند است که تنها قهر است که بطور مسلم باین بنایات امیرالایمسی هر قدر هم که قوی بنظر برسند در نفاذند .

خانم شهادت داد ، تنها چنین در انتظاری است که همیشه بعبای تقمین بسرداردی

و نهیستگی خلیجهای ناویر یان در زیر پرده انتر ناسیونالیسم پرولتری است .

ارتش آزاد بیخنی ترکیبه با در نظر داشتن مبارزه سیاهکل به فرما دهی " رفیق شهید " ابو عباس " ( ۱ ) و با در نظر گرفتن عارزه جنگلانه جنگجویان خلیج که خرد بهمناسبه مدت ارتشندی است که خلیج ایران به سه شکست نهائی امیرالایمسی توسط همه خلیجهای جهان میکند به سازمان پریگهای فدائی خلق ایران در مبارزه ناطعاندانش علیه رژیم خونخوار شاه و امیرالایمسی درود می فرستند و عضوترین ایان خرد را نسبت به پیروزی خلق ایران ابراز می دارد .

" سرگ بر امیرالایمسی و دست نشاندگان ————— "

" زنده باد همیستگی خلیجهای جهان "

" خون شهید ای ما مشعل مبارزات مساست "

۸ فوریه ۱۹۷۵ برابر با ۱۹ بهمن ۱۳۵۳

" ارتش آزاد بیخنی ترکیبه "

## بزرگداشت ۱۹ بهمن

رستا خیزسیا شکل نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی خلق ما محسوب میگردد. در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۶ هـ شلیک رگباردنیای مسلسل های رزمندگان "دسته جنگل" بازمانان پیربدهای فدائی خلق در جنگل دای انبوه سیسا هکمل و آساز شیوه نوین مبارزه ی خلسن ما را اعلام کرد.

بپاس بزرگداشت این روز تاریخی و عملیات چهارگانه ای توسط واحد از رزمندگان سازمان ما در بهمن ماه سال گذشته انجام گرفت که طی آن خساراتی بدشمن وارد آمد. در رابطه با هر یک از عملیات فوقی و اعلامیه توضیحی مشروحي تدارك دیده شده بود که توسط بصهای اعلامیه پخش کن در نقاط مختلف تهران و در شهرستانهای بابل و لاهیجان و مشهد پخش گردید و به سه منظور آگاهی سایر هم میهنان به شهرستانهای دیگر ارسال گردید. متن کامل و نحوه از این اعلامیه ها ( اعلامیه توضیحی خراسان و اعلامیه توضیحی گیلان ) در پایان این گزارش خواهد آمد.

## گزارش نظامی کوتاه از انفجار در

### پاسگاه سلیمانیه تهران

ماورین سلاح به سلاحهای بلند و سلاحهای کمری محافظت میشود و بهرزه نخل عربی ساختن که عاری از ساختمان است مورد دقت و توجه ماوران بوده و برای کنترل این جناح سوراخی در دیوار تعبیه شده تا نگهبانان بتوانند مرتباً این قسمت را کنترل نمایند. از سویی دیگر بهترین محل برای نصب بمب زمانی همین نخل عربی ساختمان تشخیص داده میشود. بدین ترتیب در آواز کار باشکال برخوردار گردیم. شنا ما تنها به ترتیب گام مسل میشوند و فقط در جستجوی بهترین طرح برای اجرای عمل بودند بالاخره رفقا تصمیم گرفتند که در حین اجرای عملیات نصب بمب پاسگاه در محاصره افراد مقرر بگیرد تا در صورت بروز درگیری ما بتوانیم با قدرت آتش بر ماوران پاسگاه مداخله کرده و به عوامل بمبگذار امکان دهیم که از منطقه خارج شوند.

پاسگاه سلیمانیه تهران که کنترل بخشی از نواحی جنوب شرق تهران را از جانب دولت شاه برعهده دارد در جریانات درگیریهای مسلحانه با نیروهای فعالینهای داشته است و از جمله در جریان محاصره ناکام خانه چریکها در سلیمانیه و همچنین در جریان درگیری دیگری در منطقه نوکاکولا عمالانه شرکت داشته است. سازبان ما بظهور وارد ساختن خریده به این لانه ماوران دولت شاه و به منظور تنبیه ماوران آن تصمیم گرفت به ما نسبت نوزده بهمن ماه سالگرد رستاخیز سیاهگل انفجاری در این پاسگاه بوجود بیاورد. پس از تصویب طرح انفجار پاسگاه و امداد تبلیغ مسلحانه ما برای اجرای عمل از طرف سازمان انتخاب گردید و بلافاصله پس از ابلاغ دستور وارد شناسایی اطلاعاتی گردید. گزارشات اطلاعاتی مفهاتی نشان میداد که پاسگاه توسط

و ضمناً به منظور اجرای بی دردسر و بدون اشکال طری قرار شد دو نفر از رفقا به منظور انتقال و سرگرم کردن نگهبانان پاسگاه در هنگام اجرای عملیات نصب بمب با آنها وارد گفتگو شوند و چند دقیقه آنها را سرگرم کنند . تا عمل بدن جلب توجه نگهبانان پایان پذیرد . بر اساس این نتیجه گیریها صورت عملیات تنظیم گردید و رفتاری واحد ما مشغول تمرین حرکات شدند بطوریکه در روز صفر کاملاً آماده اجرای طرح بودند . صورت عملیات طوری تنظیم شده بود که اول دو تن از رفقا در رأس ساعت مقرر به عنوان پرسیدن آدرس نامعلومی به نگهبان مراجع میگردند و او را به صحبت میکشیدند در زمان لحظات عوائل بمبگذار خود را به نزدیکیهای محل میرسانیدند و با علامت رفتاری که از دور پاسگاه را کنترل میکرد از انتقال ما حیران مطلع میشدند و آنگاه به سمت خود را به ضلع غربی دیوار پاسگاه رسانده و بمب را

نصب میکردند و سپس با انعطاف و سرسختی خارج میشدند . در روز عمل پاسگاه در محاصره رفتاری ما قرار گرفت همه افراد آماده اجرای نقشه ساز . محوله بودند حرکت با رفتاری که صورت گرفت سرگرم کردن نگهبانان پاسگاه بودند آغاز شد رفقا در حالیکه کاملاً صلح بودند خود را بصورت شهرستانیهای ساده و غیر بیسی در آورده بودند که از شهر تهران میبج اطلاعی ندارند یکی از رفقا با لهجه شهرستانی غلیظ نگهبان را مخاطب قرار داد و آدرس نامعلوم را از او خواست و با او وارد صحبت شد و در حالیکه با کودنی با هم نزدیک از راهنماییهای نگهبان هیچ سر در نیامورد ! بگفتگو با وی ادامه میداد . در زمان لحظات عوائل بمبگذار که علامت شروع حرکت را دریافت کرده بودند خود را به پشت دیوار رسانیده و بمب را نصب کردند و مراجعت نمودند اینک نصیحت رفتاری سرگرم کننده بود که علاقی دریافت کنند رفیق علامت دهنده



خدمت پایان کار را داد و شهرستانیهای  
غریب ضمن تشکر از اذیت‌های نگهبانان  
صحنه را ترک کردند و بدین ترتیب عملیات  
موفقیت کامل به پایان رسید در ساعت ۲۱۱۵  
در نتیجه بمب زمانی ضعیف گردید و بمب است

تخریب قسمتی از ساختمان شد و مأموران  
را سخت به وحشت افکند بطوریکه نسا  
چند روز خیابان جلوی پاسگاه را قرق  
کرده بودند و صد ها مأمور در اطراف آن  
پرسه میرودند تا مباد اها زخم بر یک‌ها بازگردند .

گزارش نظامی کوتاه از انفجار در پایگاه گرومندان  
ژاندارمری لاهیجان ( مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل )

لاهیجان از شهرهای شرقی استان  
گیلان است . در شهر لاهیجان یسکی  
از پایگاه‌های سهم ژاندارمری دولت شاه  
در منطقه استقرار یافته است . این پایگاه  
مرکز اصلی پاسگاه‌های تابعه جنگل‌سی از  
بخش پاسگاه ژاندارمری سیاهکل است ( ۱ )  
عملیات ضد-بازرسی ژاندارمری در سال ۴۶  
بر علیه فدائیان دسته جنگل از ضمن  
پایگاه هدایت و رهبری می‌شد .

بمناسبت سالروز رستاخیز سیاهکل از  
جانب سازمان متور گردید نه این پایگاه مورد  
خریب قرار بگیرد . بهمین لحاظ واحد تبلیغ  
صلحانه ما مأموریت یافت که این عملیات  
را انجام دهد .  
ما در طی چند برنامه شناسائی  
اطلاعات اولیه را بدست آوردیم و نقشه  
شهر را ترسیم و موفقیت کامل پایگاه  
ژاندارمری را در نقشه مشخص کردیم و

۱ سیاهگاه ژاندارمری سیاهکل در ۱۹ بهمن ۴۹ مورد حمله چریک‌های فدائی خلق  
قرار گرفت و پس از اشغال پاسگاه تمام موجودی سلاح آن بنام خلق ایران هادره گردید .

فضا در وقتها با قطار بزرگ و مخصوصیت  
 ساختمان را به وقت روز. گلاف آوردیم و مشغول  
 بررسی طرفینجا، طبقاتی مختلفی شدیم که  
 رفتار پیشنهاد میکردند. یکی از طرفهای  
 پیشنهاد شده این بود که ما از طرف مسقی  
 سمت پایگاه خود را به یکی از پنجره های  
 ساختمان رسانیده و پس از بردن توری، فلزی  
 پنجره با تپوی آهن بره بمبارا در داخل  
 یکی از اطرافها که فعلا ضریک میخورد  
 و در دروار اطای نگهبانی پایگاه قرار  
 داشت نصب نمائیم این پیشنهاد کار حساب  
 بسیار مشکل صیانت یکی در عرض خسارت  
 وارده به دشمن برتاب بیشتر میشود.  
 بهر حال ضمن طرح را تصویب کردیم  
 و صورت عملیات را بر حسب آن تنظیم کردیم  
 در شب موجودی پایگاه خود را به پایگاه  
 بزرگ برگرداندیم و پس از رساندن خود به  
 پنجره اطای ضریک با تپوی فلزی بر  
 توری را بردند و پس در همین لحظاتی  
 دختر کوچکی از پنجره خانه ای که در  
 به صحنه عمل آمد بود فریاد زد: آهسای

چه میکند! ظاهرا در ضریک ضربه  
 فیر آمد، شده بود رفتار که وضع را چندان  
 بدیدند به منظور بر طرف شدن گنجگاو  
 دختر و جایگزینی از سر و صدای از عمل خود  
 را تصرف کرده و از پایگاه دور شدند و پس  
 در قیام بعد بمبارا خود را به متصل  
 رسانیده و توری فلزی را کاملا بریدند  
 و بمبارا در داخل اطای ضریک و در جوار  
 اطای نگهبانی نصب کردند. و آنسگاه  
 با انعطاف و صریح از منطقه دور شدند  
 و از حضور دشمنان گنده به پایگاه خود مراجع  
 کردند. این بمبارا در ساعت ۲۲:۰۰  
 گردید و اطای نگهبانی پایگاه را فریاد  
 بطوری که گزارشات بعدی نشان میدهد  
 تن از سر به روان دشمن بر اثر ایمن  
 انفجار از پای در آمدند و به خود روهای  
 موجود دشمن که در جوار اطای  
 نگهبانی پارك شده بودند  
 خسارت شدیدی وارد شدند.  
 قسمت انفجار بمبارا  
 بود که تمام

شهرستان لرزد در دهات اطراف  
و حتی در کوشنایها اهالی ضوجه آن  
شده . اهالی روستائی به از انفجار  
المهار کرده بودند که این انفجار بر اثر  
بمباران هوائی لیبیکها روی پایگاه  
و انداره می صورت گرفته است

### گزارش نلسا می کوناه از انفجار

### استان لرزی اطراف

توضیح داده شود .

به نبال آن تصمیم انفجار در استان لرزی  
در اسان در سری عملیات بزرگ است سال  
روز ۱۹ بهمن ترار گرت و انجام آن به  
ولند تبلیغ صلحانه با راگذار کردید . ما  
بلافاصله مشغول شناسائی اطلاعاتی  
شدیم و نقشه های منطقه را ترسیم نمودیم  
و موقعیت استانداری را در نقشه تعیین  
کردیم و سپس وارد جزئیات اجرایی  
شدیم و صورت عملیات را تفذیم کردیم .

در روز سفر در ساعت تعیین شده خود راه  
نیایانهای اطراف استانداری رساندیم  
و در نقطه از قبل تعیین شده کلمه  
اطمینان بمبارا حمل کردیم و آنگاه  
گدام از نغرات از صورهای مختلف

در شهر مشهد اثر ارتشی و بلاتکلیف  
صورتوات ( استان لرزی ) میباشد  
این صورتوات نه اصولا باید شناسی آن  
در انفجار مردم فرار بگیرد و صورت  
بهره برداری اکتفا رایت شود . از طرف  
شاه ( تولید آستانه ) و استانداری مجلسی  
( نایب التولیه ) تحت کنترل درآمده  
و تمام ضایع این صورتوات به طوری  
مختلف به جیب یک ضایع با اولگر سران  
مینرد . سارطان ما به ضایع انفجار  
غار نغرها و به منظور خنلای عطا است از  
ضایع نوبه معانی نراسان نغز دانست که  
انفجاری در استانداری در اسان صورت  
بگیرد و عطا آب آن با بخش وسیع فلاحه های  
توضیح ما است دولت شاه به صورت

عقل رساندند سن بهشت نقطه  
 بعبیه حرکت کردم رفیق دیگران از روبرو  
 صحت شکی بود تا وضعیت پشت  
 بر سر کتفی کرد، و به من اطلاع دهد  
 این دیگر از رفتار و آنسوی خیابان موضع  
 انه بودند و صحنه را کنترل میکردند همه  
 هر آگاه بود رفیق مقابل بمن رسید و پس  
 از لبر الیرسی اطلاع کرد که همه بیزروسراه  
 ست و اوضاع ساکت میباشد رفتای ناظر  
 محنه نیز علامت صادر دادند و من

سریعا بمبارا نصب کردم و سب از صیر دای  
 بهتر پیش شده حخته را ترک کردیم تا در  
 نقله دیگری به انتظار نشین مردم ای  
 انفجار باقیم بمبارا بر ساعت ۱۰:۳۰ عمل  
 کسود ما پس از نشین مردم ای  
 انفجار و اطمنان از صحت عمل دستگاه  
 انفجاری و موفقیت عمل از صیر تمهین  
 شده به پایانه همان بازگشتم .

گزارش کنونی از انفجار در شهر بانی

نهرانی بابل یکی از مراکز ستمی حسد  
 ولت شاه نسبت به فلسفه و عضو کش  
 سازندگان است . به همین ضابط سازان  
 با در نظر داشت که ضریحی به این مرکز  
 بنم وارد سازد و هدینوسیله حمایت آشکار  
 بود را از ضایع توده های مسمر و م  
 سازندگان اعلام تطایه . اجرای این عمل

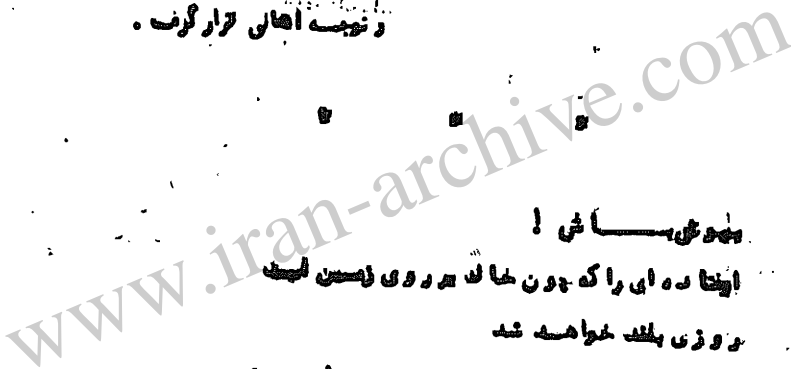
به روز نورگدم بهمن ۵۴ بکول گردید  
 همزمان با عطیات سایر واحد های چوبکس  
 در دیگر نقاط ایران به ضاست بزرگداشت  
 سالروز رستاخیز سپاه کسل این عمل  
 صورت گیرد .  
 پس از تصمیم گیری سازگان در مورد اجرای  
 عمل واحد تبلیغ صلحانه ما عهد در اجرای

این طرح گردد بد . ما پس از شناختن اینها  
 در بعضی طرح عظیمی و نوشتن صورت  
 کلیات و جزئیات و تدوین آنکار لازم آید  
 ادراک و طرح نقشیم . در روز جمعه خود  
 را به نرد و بگهای شهرتانی بابل رساندیم  
 و آمانه را اجراء برناه شدیم ولی در زمان  
 لحظه یک بجز روی دشمن در چاه  
 شهرتانی شروع شد و عناصر آن شروع به  
 پرتاب کردن کردند و در این شرایط اوضاع  
 برآوردن مثل صلح نیزه صلح طلبی است  
 زمان اجراء طرح را کسی به عقب پسورد  
 نیم صحنه به شد سرد و آب به حال بازگشتیم  
 در زمین گد یکی از آنها مدافع صاحب زمانی  
 نیرومندی بود از یک جهت و رفیق دیگری  
 از جهت مقابل بستند و در شهرتانی حرکت  
 کردند نگهبان مسلح در کیوسک مشغول  
 نگهبانی بود .  
 اکیب بمب گذارد و نزد یکی کیوسک به  
 رفیق که از روسرو میانه و صد نصد  
 ظاهرا اینطور وانمود شد که یکی از دو نفر  
 یکی از آنها را بترسید و یکی نظرد و بگو

آشنائی با ظاهر رویداد بود بهمین لحاظ  
 در رفیق سازمان گری با هم کردند و مشغول  
 ادراک و طرح شدند و رفیق سوم هم پس از  
 سلاخی کوتاه خود را به کنار نرده های پخت  
 کیوسک کشید تا در دست بمبی بتوانند  
 احیاناً اگر حرفی خصوصی با هم درازند  
 بزنند نگهبان حواسش خوبه و نظری بود  
 که با هم از مسائل مشترکشان صحبت  
 میکردند رفیقی که از دور صحنه را کنترل  
 میکرد حالات صاف داد یکی از دو نظری  
 که مشغول صحبت بودند حالات صاف را  
 دریافت کرد و با علانی که فقط بسیاری  
 رفیق گذارنده مفهوم بود صاف بودن  
 اوضاع را گزارش داد . رفیق گذارنده  
 بمب به آهستگی بمب را در  
 داخل محوطه شهرتانی  
 قرار داد و آنگاه دو نفر به  
 خدا حافظی کردند و در صحنه ای  
 مخالف از هم دور شدند در حالیکه رفیق  
 گذارنده بمب در کنار یکی از  
 آنها قرار داشت .

یکی از دیوارها و داخلی نمره‌های براتر  
 صحت شدید انقباضند .  
 حال این عمل لایه ایبر تو شیمی  
 این عمل که با توجه به سائل داخل  
 از دران نرسیده شده بود توسط همسای  
 لایه پخش کس پخش گردید و مورد استقبال  
 و توجه اهالی قرار گرفت .

همه دیده بود همین افراد در نقطه  
 جمع گرد هم آمدند و پس از بررسی حرکات  
 انجام شده لایه بر ناصبه به پایگاه خود  
 مراجعت نمودند . این صند را من  
 باعث . عمل کرد در حجب نور درختن  
 اثر خونه های نطر نمره‌های و تفریب



بهوش باش !  
 او فتاده ای را که چون خاک بر روی زمین است  
 و وزی بلند خواهد شد  
 و از بلند ترین کوهها بلند تر خواهد شد  
 و از مسود بر نی بر وبال او آتش برود

امثالین

من اعلام  
سازمان چریکهای فدایی خلق

• • •  
بزرگداشت ۱۹ بهمن  
و  
انفجار در استانداری خراسان

شویانان عزیز! کارگران! دهقانان! دانشجویان! دانش آموزان!  
کارمندان! کسبه! روحانیان و بازرگانان آزادیخواه خراسان!

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه، یک واحد از رزمندگان "سازمان  
چریکهای فدایی خلق" و همبستگی نیرومندی را در محوطه "استانداری خراسان کارگزاری  
کردند که پس از نیم ساعت با صدای مهیبی فضاگرگردد. صدای این انفجار که در قسمت  
بزرگی از شهر مشهد شنیده شد، پیام آور ضربه ای تازه بود که چریکها بر پیکر دولت مزدور شاه  
وارد آوردند. این عملیات بخاطر بزرگداشت سالروز رستاخیز سیا منک و در رابطه با آن انجام  
گرفت. همزمان با این عملیات ضربه عمای دیگری نیز در سایر شهرستانها به دشمن وارد آمد  
که مبارتند از.

۱. انفجار شدیدی پایگاه ژاندارمری، لاهیجان

۲. انفجار در شهرنابی باهل

۳. انفجار در پاسکاد ژاندارمری سلیمانیه تهران .

اکنون لازم میدانیم به مناسبت این انفجارها مطالبی را برای حوطنان عزیز توضیح بدهیم :

• سازمان چریکهای فدائی خلق " چیست و اعضای آن کیستند ؟

حوطنان عزیز ! در وطن ما مستی کارمندان عالیرتبه در در و فاسد و سرمایه داران نوکر خارجی هستند که شاه خائن و آدمکش رئیس شان است . این عده که طبقه حاکمهای کشور ما را تشکیل میدهند زندگی خوش و نرمی دارند و از بهترین نعمات زندگی برخوردارند . در مقابل آنها ، میلیون عا مردم زحمتکش و رنجبر ما از کارگر و دهقان و دانش آموز و دانشجو گرفته تا کارمندان و کسبه و غیره وجود دارند که همیشه در زجر و عذاب هستند و روز به روز زندگی برایشان سخت تر میشود و هر روز آرزوی روز بخت را دارند . با آنکه ساختمان و کارخانه و مزارع در کشور ما روز بروز بیشتر میشود ، ولی مردم ما هر روز بدبخت تر و فقیرتر میگرددند . کالایا و اجناس گوناگون زیادتر میشوند ولی قیمت شان هم روز بروز بالا میرود . چرا ؟ بسرای اینکه تمام مملکت در چنگ مستی کارمندان عالی رتبه در و فاسد و سرمایه داران نوکر خارجی است . همه چیز مال خودشان است و به میل خودشان خون مردم را در شیشه میکنند .

با این حساب ، تنها راهی که برای خلق زحمتکش ایران باقی میماند این است که با این طبقه حاکم ، ظالم و فارتگر مبارزه کنند و باند اوم و پیگیری در مبارزات خود در یک نبرد طولانی قدرت را از دست این زالودهای کثیف خارج نمایند . اما چگونه ؟

در پیوند درجه گذشته ، خلق ما همواره با طبقه حاکم و با حکومت فاسد دست نشانده



مبارزه کرده است ولی این مبارزات بطور کلی شکل غیر صلحانه داشته و حد اکثر آن اختصا  
 تظاهرات و صیحه‌ها های سیاسی بوده. اثر هم در ضمن، شورش های خشنی در اینجا و آنجا  
 به وقوع پیوسته و بصورت يك شورش تند و ناظم و گذرنده بوده که بدون رعبری سازمان یافته  
 و بدون برنامه مشخص و حساب شده انجام گرفته، شاه خائن که نوکر دست نشانه سرمایه  
 داران خارجی و بخصوص سرمایه داران آمریکائی است، به کتک جاسوسان کثیف سازمان  
 امنیت و کارشناسان آمریکائی اش بسادگی توانسته اینگونه مبارزات را در نقطه خفه نماید. مردم  
 وطن ما خود بخوبی میدانند که رژیم شاه خائن چگونه اعتراضات حق طلبانه مردم را بسا  
 صریح سرکوب میکند و مبارزین را روانه شکنجه گاه و میدان های اعدام می نماید. در ضمن شهر  
 مشهد حکومت شاه بارها اختصا ت در انجمنیان دانشگاه مشهد را وحتیانه سرکوب کرده است  
 و دانشجویان مبارز و اعتراض کنند را با زور و تهدید خاموش ساخته. مثلا در روز ۱۶ آذر  
 ماه اسفند دانشجویان دانشگاه مشهد، به ضابطه روز دانشجویان تظاهراتی در محفل دانشگاه  
 برای منتهی اندازنده نوشته شائق بدین مضمون: "ما خواهان جامعه ای طبقه هستیم" با خود  
 حمل میکنند. زای اسفند ما دوران مزدور گارد دانشگاه به آنها حمله میکنند. دانشجویان  
 اضافه تظاهرات را به خیابانهای شهر میکشانند و از طرف مردم هم حمایت میشود، سپس هم  
 به آنها حمله میکند و حتی اقدام به تیراندازی می نماید. شایع است که سه نفر از دانشجویان  
 دانشگاه مشهد در اثر تیراندازی پلیس، مزدور شهید شده اند. حکومت شاه و حتی روحانیان  
 بزرگ و سرشناس را که حاضر نبوده اند از دستگاه ظالم و مردم کش شاه تعریف و تمجید  
 کنند و با آن مخالفت کرده اند، زنانه تبعید و زندان نموده.

شاه و دار و دسته جنایت کاریش از ریش های مغتلفی برای خفه کردن اعتراضات مردم

استفاده میکنند. آنها تا آنجا که بتوانند مردم را فریب میدهند و سعی میکنند آنها را بسا تبلیغات گوناگون سرگرم ساخته و مطیع خود نمایند، یا آنکه با دادن برخور، امتیازات کوچک و محدود که يك هزارم حق مردم هم نیست و تبلیغ غراوان روی آن، سعی میکنند مردم را فریب دهند و از اعتراضات آنها جلوگیری کنند. در موردی هم که در زمان فریب اهبان دفلکاری ها را نخورند و به مبارزه با دولت شاه خائن ادامه میدهند، این دولت میگوید آنها را به دو طریق از محنه مبارزه خارج کند: بدین ترتیب که از طرفی سعی میکند با دادن رشوه و مقام عده ای از رهبران مبارزه را بخرد که البته در این کار خود زیاده برفق نیست، زیرا افراد ضعیف النفس و سود جو در صفوف مبارزات مردم کم هستند، از طرفی دیگر اکثریت تاجع مبارزین را که خواصان ادامه مبارزه هستند و فریب تبلیغات و پول و مقام را نپذیرند دستگیر و زندانبسی و شکنجه مینماید تا بلکه آتش مبارزه را برای مدتی هم که شده خاموش سازد.

دولت شاه همچنین برای سرکوب اعتراضات دسته جمعی مردم، از دستگیری وسیع و حطسه و تیراندازی به مردمی که برای گرفتن حق خود بپا خاسته اند، هیچ ابایی ندارد.

بدینوسیله شاه خائن و ضدستان کشفش، از کودتای ننگین، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بحسبه با خفه کردن، در گونه صدای حق طلبانه مردم توانسته بودند محیط امن و آرامی برای فرمانروایی خود به وجود بیاورند. اما این وضع زیاد طول نکشید و رستاخیز روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۶ وضع را بکلی عوض کرد. بدین ترتیب که در این هنگام سازمان ما و سازمانها و گروههای انقلابی دیگر، به این نتیجه رسیده بودند که باید مبارزه مسلحانه با دشمنان خلق یعنی شاه و دست ستا — تن را شروع کنند و بدینوسیله مردم را به تدبیر بخود جلب نمایند تا اینکه ارتشی نیرومند از خلق مستحکمی و رنج دیده ایران بوجود آید و تحت رهبری عزیزی که در این شرایط انقلابی

بوجود می آید حکومت شاه را سرنگون سازد و حکومتی که نوکر سرمایه داران خارجی نباشد و منافع خلق را در نظر بگیرد بر جای آن بنشاند. در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۶، برای اولین بار یک دسته از رزمندگان سازمان ما به پاسگاه ژاندارمری سپاهکد، از توابع لاهیجان که جان و مال و ناموس مردم منطقه را مورد تجاوز قرار میداد، مسلحانه حمله کرد، پاسگاه را خلع سلاح نمود و چند تن از مأموران فاسد و تجاوزگر را نابود ساخت و به سزای افعال ننگین شان رساند. از آن تاریخ تاکنون که ۴ سال تمام میگذرد، سازمان ما بران اینکه مردم را از وجود خود و از عذابشان خود آگاه کند و هزینه بیشتر نشده های ضد مردمی شاه خائن را فاش نماید و راه درست مبارزه با حکومتی را که هر روز بیشتر از قبل باعث بدبختی و سیه روزی مردم زحمتکش میشود نشان دهد، عطیاتی بسیاری انجام داده است. سازمان ما در سراسر ایران فعالیت میکند و بسه آگاه کردن مردم و متحد کردنشان اقدام مینماید. علاوه بر سازمان ما، سازمانها و کانونهای انقلابی دیگری نیز وجود دارند. این سازمانها تاکنون عطیاتی انقلابی گوناگونی انجام داده اند ولی دولت شاه در مقابل این امر تا حد ممکن سکوت کرده و سعی میکند این عطیاتی را از خلق ایران پوشیده نگذارد و در آنجا هم که سکوت دیگر ممکن نیست حقایق را در گزینش جلوه میدهد. مثلاً در تاریخ ۲۰/۵/۵۳ یک گروه از رزمندگان سازمان ما در وسط یکی از اتوبانهای تهران، ماشین محمد فاتح یزدی سرمایه دار معزز، و پیشم راست شاه را که با کمک ژاندارم بیست نفر، کارگران را کشته و عده ای را زخمی کرده بود نگاهداشت و او را همانجا اعدام نمود، ولی روزنامه های شاه فقط نوشتند که فاتح یزدی با گلوله کشته شد و نامی از مسامحه نبردند، در حالیکه ما در محل اعلامیه پخش کردیم و مردم همه فهمیدند سازمان ما «عمنسی سازمان چریکهای فدائی خلق» این کار را کرده است. ما در تاریخ ۹/۱۰/۱۳۵۳ چند تن

از رزندگان سازمان ما سرگرد علی نقی نیک طبع را که جنایتکار معروفی بود و کارش شکنجه کردن زندانیان سیاسی بود در نزدیکی کاخ شاه و کاخ نخست وزیر متوقف کرد و او را همانجا تیرباران نمودند. پس از این کار در ماشین او بمب ساعتی گذاشتند و با اینکه آن بمب سه ساعت بعد منفجر می‌شد، باز هم برای بازدید صحنه آمده بودند، تا بمب ساعتی را خاموش کنند. با اینکه آن بمب سه ساعت بعد منفجر می‌شد، باز هم برای بازدید صحنه آمده بودند، تا بمب ساعتی را خاموش کنند. با اینکه آن بمب سه ساعت بعد منفجر می‌شد، باز هم برای بازدید صحنه آمده بودند، تا بمب ساعتی را خاموش کنند.

شاه میگوید که خلق را از وجود ما بی خبر نگذاشته‌اند، ولی ضرباتی که ما بر دیگر طبقه‌ها حاکم و حکومت‌نشین شاه میزنیم و تبلیغاتی که در پناه آتش اسلحه می‌کنیم، خلق را از وجود ما با خبر خواهد ساخت. شاه میگوید که ما را دشمن خلق معرفی کند، ولی خلق میبیند که دشمن خونخوارش بدست ما کشته میشوند و میبیند که ما چگونه جان خود را پاکبازانه در راه رهایی مردم زحمتکش گذاشته‌ایم. روز بروز گرایش مردم زحمتکش بسوی ما بیشتر میشود و بیشتر ما را مورد پشتیبانی مادی و معنوی خویش تَرار میدهند.

مردم خراسان بسیاری از رفتاری شهید شخصی ما را شناسند و اعلام شهادت آنها انبکاس قابل توجهی میان آنان پخته است.

در اینجا ما خاطره رفقای شهید شهدی خود را که با ایثار خون خود نهال جنبش آزادی بخش خلق ما را آبیاری کردند گرامی می‌داریم و ایمان کامل داریم که راهی را که آنها آغاز نمودند در یک مبارزه طولانی و با شرکت تمامی مردم برای نابودی حکومت خاندان فاسد پهلوی که نماینده طبقات حاکم خونخوار ایران است بطور کامل و پیروزنده انچه پیمان خواهیم رساند .

گرامی باد خاطره رفقای شهید شهدی :

۱. رفیق مسعود احمد زاده فرزند آقا طاهر احمد زاده ، لیسانسیه ریاضی ( افسروزیغه ) که در تاریخ ۱۱ اسفند سال ۱۳۵۰ بدست مزدوران سازمان امنیت به شهادت رسید . او نویسنده ی کتاب درخشان " مبارزه مسلحانه " هم اشتراکاتی هم تاکنیک " است .
۲. رفیق مجید احمد زاده ، برادر رفیق مسعود احمد زاده ، دانشجوی دانشگاه صنعتی که ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ بوسیله مزدوران کثیف سازمان امنیت به شهادت رسید .
۳. رفیق امیر پرویز پیران ، یکی از فرزندان شریف و تحصیل کرده شهید که در سال ۱۳۵۰ بوسیله مأموران سازمان امنیت به شهادت رسید . او نویسنده اثر درخشان " ضرورت مبارزه مسلحانه " است .
۴. رفیق سعید توکلی ، از اهالی مشهد و لیسانسیه زبان انگلیسی که در اسفند ماه ۱۳۵۰ بوسیله مأموران سازمان امنیت به شهادت رسید .
۵. رفیق سعید آریان ، از اهالی مشهد و هکاس که در زمستان سال ۱۳۵۰ بوسیله مزدوران کثیف سازمان امنیت به شهادت رسید .
۶. رفیق مهدی ساولوتی ، لیسانسیه فیزیک از اهالی مشهد که بوسیله مأموران سازمان امنیت در اسفند ماه ۱۳۵۰ به شهادت رسید .

در اینجا لازم است که از پدر مبارز و میهن پرست رفقای شهید خود، محمود و مجید احمد - زاده، آقای ناصر احمد زاده از مبارزین سرشناس، شهید که پس از تحط وحشیانه ترین شکنجه ها به ۷ سال زندان محکوم شده است و همچنین از رفیق شهین توکلی، خواهر رفیق شهید حمید توکلی و همسر رفیق شهید حمید آریان که بخاطر شرکت در مبارزه بر طبله شاه خائن و اربابان خارجی اش و دفاع از ضایع مردم زحمتش در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده و سه سال زندان محکوم گردید یاد کنیم و به پایمردی و مقاومت آنان درود بفرستیم.

هموطنان عزیز!

اکنون که ما در آستانه پنجمین سالروز جنبش مسلحانه، سپاهنگ هستیم و در ارتسباط با بزرگداشت این روز تاریخی و دست به این عمل سیاسی - نظامی هشدار دهنده و افشاگرانه (یعنی انفجار در استانداری) زده ایم. منظور ما از انجام این عمل وارد ساختن ضربه روحی به دشمن و آگاه ساختن خلق نسبت به فجایع حکومت شاه و تقویت شور و احساس انقلابی و ضد دولتی در مردم و اعلام وجود و اعمال قدرت نیروی انقلاب و خلاصه ایجاد ارتباط مضموی بین خلق و فرزندان پیشروش، چریک های انقلابی است.

چرا در استانداری بمب منفجر کردیم؟

ما با این عمل مسلحانه خود میخواستیم بر یکی از مشکلات اساسی اکثریت مردم شهید و استان خراسان انگشت بگذاریم و آن اعتراض به دزدی و جپاول هائی بود که شاه و نوکرانش از احوال "آستان قدس رضوی" انجام میدهند. شاه تولیت آستانه را به عهد دارد و استانداری (ولیان) نماینده او در انجام این کار است. بدینجهت ما به عنوان اعتراض به ظلم و ستم دستگاه اداری دزد و فاسد آستانه و سردسته آنها شاه خائن نسبت به مردم استان خراسان

دوره ۳۸ ..... نرد خالق ..... شماره نشر

و بخصوص شهر و روستاهای مشهور به عنوان اعتراض به بهره‌کشی وحشیانه آنان از خلق و دزدی و چپاول اموال آستانه بوسیله آنان تصمیم گرفتیم که بمب نیرومندی در آستانه‌های خراسان کمان بگذاریم. اکنون در اینجا لازم میدانیم که در باره دستگاه اداری دزد و فاسد آستانه و سسر دستانه آنها شاه‌خائن و چپاولگری‌هایشان از مردم زحمتکش وطن ما مستصری بپاینداریم:

در آستانه‌های آستانه به چه سبب بحث کسی می‌رود؟

همه ما میدانیم که آستانه شش زنجیری دارای ثروت‌های عظیمی است و سالانه به ده‌ها میلیون تومان درآمد دارد و نیز همه میدانیم که این ثروت عظیم در دست خود شاه است و درآمدها و مخارج آن مستقیماً زیر نظر خود اوست و به اصطلاح دولت، یعنی وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی در آن دخالت ندارند. اما هیچکس نمیداند که این ثروتها چگونه محافظت میشوند و این درآمدهای عظیم چگونه خرج میگردد. البته همه مردم از این حقیقت باخبر هستند که درآمدهای آستانه را شاه و مأموران فاسدش دزدند و صرف عیش و عشرت خود میکنند ولی هیچکس از چگونگی و جزئیات آن با خبر نیست.

صومطان عزیز!

این شاه جلاد و آذکش چنان خلق ما را بزنجر کشیده و چنان زبان مردم ما را بسته است که هیچکس نمیتواند از او بپرسد این پولها را که او مأمور مصرف به اصطلاح غیریه آنهاست چه میکند، به چه مصرفی میرساند و به چه کسی حساب پس میدهد. او هم از فرصت استفاده کرده و تا میتواند اموال آستانه را مانند سایر ثروت‌های وطن ما غارت میکند. شاه اکنون از بزرگترین ثروتمندان جهان است و شاید ثروتمندانی نظیر او در جهان انگشت شمار باشند. پدر او یک

سریاز ساده، قزاق بود که در وقت آسمان یک ستاره نداشت. حالا پسر همان سریاز آسمان جل، در عرض پنجاه یا شصت سال، به یکی از بزرگترین ثروتمندان دنیا تبدیل شده است. اوتسا سال ۱۳۲۹، گذشته از سایر اموال منقول و غیر منقول، فقط ۲۰۰۰ (دو هزار) روستا از بهترین روستاهای کشور داشت که پس از آن، این روستاها را فروخت و با پول آنها کارخانه و بانک و شرکت و غیره در داخل و خارج ایران تأسیس کرد. یک نمونه هم از دزدی های او، اموالسی است که از آستانه غارت میکند. مثلاً طبن آثاری که خود دستگاه اداری دزد و ناسد آستانه منتشر کرده در سال ۱۳۴۷ آستانه مجموعاً ۳۸ میلیون تومان در آمد داشته. از این متصدار در حدود ۱۶ میلیون تومان آن خرج دستگاه اداری شده، یعنی به جیب خودشان رفته. ۱۵ میلیون تومان دیگر هم خرج سرمایه گذاری و غیره شده که آنها هم وضع معلوم است و فقط ۷ میلیون تومان خرج امور غیره شده. البته این رقم ناشی است که خودشان منتشر کرده اند و هیچ وجه دزدی پنهان و نامرئی آنها را نشان نمیدهد و فقط میتواند قسمتی از دزدیهای آشکار آنها را نشان دهد. قسمت زیادتری از درآمد های آستانه مستقیماً به جیب خود شاه میروند و ثروت بیکران او را بیکرانتر میکند. شاه علاوه بر دزدی های پنهانی از اموال آستانه، سالانه مبلغ کلانی هم به عنوان حق التولیه از آستانه حقوق میگیرد، این واقعا شرم آور است، معلوم نیست این همه پول و ثروتی را که با حرص رویهم انباشته میکند، برای چیست. جالب اینجاست که از این ۱۶ میلیون تومان مخارج دستگاه اداری فقط مبلغ ناچیزی را بکارگران و کارمندان جزء آستانه میدهند. قسمت اصلی آن را کارمندان عالیرتبه و خود شاه میگیرند، مثلاً یک کارگر آستانه میقتد که روزی ۸ تومان حقوق میگیرد و پنت نازک پیر دیگر با حقوق ماهی ۲۰۰ تومان بازنشسته شده بود. با این حساب در واقع آستانه، تجارتخانه شاه و دار و دسته او است. هر سال





و نیرنگ های دیگر . دستگاه اداری آستانه خیال دارد یا خودش زمینها را طمانیزه کند یا آنها را از دهقانان بگیرد و به سرمایه داران بزرگ اجاره بدهد .

در کارخانه ها و شرکتهای و معادن آستانه هم ، درست مانند سرمایه داران دیگر از کارگران وحشیانه بهره کشی میکنند . وضع این کارگران در بسیاری از موارد حتی از کارخانه ها و کارگاههای دیگر هم بدتر است ، مثلا کارگران کارخانه های قند شویین ، قند آبکوه ، قند چناران

که همگی مال آستانه است ، چند ماه از سال بدون دریافت حقوق بیکار هستند و در واقع همه صورتفعلی کار میکنند ، دستگاه آستانه هم هیچ فکر برای مدت بیکاری آنها نمیکند . در کارخانه ها نه های دوات سازی ، نان ماشینی ( " نان قدس رضوی " ) و چندین سردخانه وغیره هم

که مال آستانه است ، باز کارگران و کارمندان جز از وضع خوبی برخوردار نیستند . تمام کارگران کارگاهها و کارخانه های آستانه هم مانند سایر کارگران ایران از حقوق اجتماعی و تشکیلات

حاصل صفتی و سند پناهی محروم هستند و بویگرین حرمت آنها در مبارزه برای دریافت حقوق آنها هم نظر مأموران سازمان امنیت است و بوسیله اداره پنهان حکومت شاه سرکوب میشود .

آستانه قرضه ، اجاره بهای ساختمان ها و زمین ها در آن شهر بود که کثرت درآمد حاصل از آن در حدود ۱۰۰ میلیون ریال بود ، ضمیمه سوره در وقت سر ، است که البته

در این زمینها بهنگام داران و دلایان زمین و رشوه گرفتن از ساکنین این زمین به آنها همان خود و خلاصه تصرف و نطق زمین ها و به مالکیت غصب در آن زمینها سرشاری دارند . اشخاصی متنفذ در دستگاه آستانه همه معمولاً مقصد از زمین های آستانه را به نام خود کرده اند . اخیرا ولیان سه تاسه لیس شاه ادعا

کرده که میخواند اداره امداد آستانه را گویا اصلاح کند و سر و مد امانی دم در این مورد راه انداخته، ولی هنوز اصلی او این است که فشار را بر مردم بیشتر نموده و اجاره ها را سرعت بگیرد. او حتی کسانی را که اجاره را سر موقع نپردازند دستور میدهد که آب و برق شان را قطع کنند. ولیان را حتی می شناسند. او یک درد شناخته شده و یک نودرگوش بفرمان آمریکائی است. او سالها در آمریکا برای غارت مردم وطن ما تعلیم دیده. او عضو سازمان جاسوسی "سیا" است و به دستور آمریکا ده سال مأمور اجرای برنامه اصلاحات ارضی بوده و در این مدت چه حق هائی را که ناحق نگرده و چه بند بست های گشائی که ننموده. میلیون ها دقسان را او بی حقوق و آواره کرده تا دل ارباب ها را راضی کند. او نمی خواهد به نفع مردم کاری کند، بلکه می خواهد دست دلالهای کوچک را کوتاه کند و کاری کند که در آرد آستانه بیشتر شود تا پول بیشتری به جیب خودش و شاه برود. او هیچوجه به فکر مردم نیست. تازگی ها او خیال دارد مبلغ اجاره ها را افزایش دهد و برای این کار نقشه میکشد.

یکی دیگر از منابع مهم درآمد آستانه، نذری ها و هدیه های مردم است که بسا در درون ضريح ها می ریزند و یا به ادارات آستانه تحویل میدهند. دستگاه آستانه در درون عرصه بیشتر این پولها را هدایای بی زبان کاملاً آزاد است و تا میتوانند از آن چپاول میکنند. البته برای کارخانه آن چیز "تین کار میسر نیست" زیرا کار آنها دقیقاً کنترل میشود، ولی برای کارخانه های پیرته دیگر قضیه به این صورت نیست و ریش و تیغی دست خودشان است.

چه بنایسد کرد ؟

با طرح این مسائل و بلافاصله این سؤال پیش می آید که تکلیف چیست و چه باید کرد ؟

باید گفت، مسئله آستانه، یکی از مسایل و مشکلات متعدد کشور ما است. این مسأله را به تنهایی نمی توان حل کرد. باید ریشه و علت اصلی تمام بدبختی های مردم کشور ما را پیدا نمود. چنانکه قبلا هم گفتیم در وطن ما میلیون ها کارگر و دهقان زحمتکش و کسبه جز وجود دارد که به زحمت شکم خود را سیر میکنند. علاوه بر این، کارخانجات و روستاهای و بازار کاناچی هم وجود دارند که اگر چه دستشان به دهانشان میرسد ولی به آنها ظلم می شود و روز به روز وضعیتشان بدتر و بدتر میگردد. در مقابل این عده که اکثریت عظیم مردم کشور ما را تشکیل میدهند، شتی کارمندان عالی رتبه ی دزد و فاسد و نوکر سرمایه داران خارجی، بخصوص سرمایه داران آمریکایی و اروپایی هستند که شاه خاثن سردسته آنها است، به ابراهیم منتسی سرمایه دار بزرگ که اغلب با همان کارمندان عالیرتبه و درباریان قوم و خویش هستند. این عده که تعدادشان یک هزارم جمعیت کشور ما هم نیست، طبعتاً حاکم جامعه ما را تشکیل میدهند. اینان تمام ثروت جامعه ی ما را در اختیار دارند و همه چیز را مال خودشان میدانند. حتی کوه و بیابان را هم به نام خود کرده اند. موقوفات هم اگر چه استثنای موقوفات است ولی در اصل مال اینها است، زیرا که در آمدش را اینها به عنوانهای گوناگون میگیرند. ثروتهای آستانه هم مال اینها است، زیرا که قسمت بسیار زیادی از درآمد های آن را به عنوان حقوق و مزایای کلان میگیرند، بقیه را هم بوسایل مختلف می دزدند. پسران مؤسسات آستانه هم در واقع تجارتخانه های خودشان است، منتها با تجارتخانه های دیگر فرقش این است که فقط سودش را می برند و با همروش کاری ندارند. شاید این بهترین نوع تجارت در دنیا باشد که کسی تجارتخانه ای داشته ولی همروش را از جیب خودش نبرد از و فقط سود آن را ببرد.

هر جوانان عزیز!

آیا چنین کسانی ، یعنی کارمندان عالیرتبه دولت و سرمایه داران نوکر خارجی که طبقه ی نیم جامعه ی ما را تشکیل می دهند ، حاضرند منافع خودشان را که از راه دزدی و غارتگری به دست می آید ، از دست بدهند و رعایت حال مردم را بکنند ؟ مسلماً نه ، شاه هرگز ، که با او مخالفت باشد ، به زیر شکنجه و حبسیان و به میدان اعدام می فرستد . خودش هم بارها ، صا به این موضوع اعتراف کرده . این کار او به چه معنی است ؟ مگر به این معنی نیست که و طبقه حاکم حاضر نمیستند که یک ذره هم از ضایع خود بگذرند و حاضر نیستند از دزدی غارت خلق دست بردارند و در نتیجه هر کس به آنها اعتراض کند او را میکشند .

### عموستان عزیز !

تنها یک راه برای مردم ستم کش ما باقی مانده است : آنهم مبارزه مسلحانه است . مبارزه مسلحانه برای سرنگون کردن حکومت شاه و نشان دادن حکومتی به جای آن که آزادانه از سرکش تو ، های زحمتکش انتخاب شود . هیچ راه دیگری نداریم . اما آیا فقط باید مبارزه ی مسلحانه کرد . همه نوع مبارزه دیگری مانند اعتصابات و تظاهرات و غیره فایده ندارد ؟ چرا ، آنها هم به جای خود مفید هستند ، و ما به قدر امکانات خود از هر گونه مبارزه ی ضد رژیم حمایت میکنیم ، ولی باید یاد داشته باشیم که شاه اینگونه مبارزات را با خشونت تمام سرکوب میکند و در نتیجه ، این کارها به تنهایی به نتیجه نمی رسند . اعتصابات و تظاهرات البته خوب است و باعث می شود که مردم با هم متحد شوند ، آگاهی شان بالا ببرد و معنی دوست و دشمن را در عقل بفهمند ، ولی نتیجه ی تنهایی نمیدهد . نتیجه ی تنهایی با مبارزه ی مسلحانه به دست می آید . باید خلق ارتشی تشکیل دهد و طبقه کارگر ما حزبی بوجود آورد که این ارتش را رهبری کند تا بتواند مبارزه را به نتیجه برساند . این کار البته سخت است ولی به تدریج عطفی خواهد شد . مردم ویتنام هم مانند ما از سفر شروع کرده اند و اکنون می بینیم که بزرگترین

قدرت دنیای سرمایه داری و بزرگترین غارتگران تاریخ، یعنی آمریکا را شکست داده و بیست آن را به خاک رسانده اند. ما هم خواهیم توانست اینکار را بکنیم هم اکنون نطفه های ارتش خلق و حزب طبقه کارگر در کشور ما بوجود آمده و این نطفه ها روز به روز در حال رشدند. هر روزه ده جدیدی از روشنفکران انقلابی و کارگران آگاه به آن می پیوندند. ارتش ها و سازمانهای سیاسی کوچک، اکنون چهار سال است در مقابله با وحشیانه ترین حطه های پلیس و ارتش شاه خائن مقاومت کرده، دوام آورده و علاوه بر این ضربه های سختی به نیروهای شاه زده است. هم اکنون مأموران فالیترتبه ی شاه و خود شاه از ترس ما چون پشه بر خود می لیزند. دولت شاه خائن تاکنون بودجه های عظیمی برای نابود کردن ما صرف کرده. حتی اربابان آمریکایی اش او را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده اند و بی مرضی و ناتوانی اش را درنسابود کردن ما به او گوشزد کرده اند، ولی او موفقیتی در این راه به دست نیاورده. چرا؟ برای اینکه ما به فرمان ضرورت تاریخ به وجود آمده ایم و بقای ما، اراده ی تاریخ است.

اما هموطنان زحمتکش ما، در شمال ما چه کاری را باید انجام دهند. روشن است که آگاه ترین و پیشروترین افراد خلق باید به سازمان های سیاسی - نظامی بپیوندند و یا خود سازمان های سیاسی - نظامی تشکیل دهند. اما در شرایط کنونی همه را توان و امکان اینکار نیست، پس باید هر کس که علاقمند به رهائی خلق از دست غارتگران خارجی و نوکران داخلی شان است، به قدر امکان خود و به هر صورت که برایش عطفی است به مبارزه مسلحانه و چریکهای انقلابی کمک کند. بنابراین ما از هموطنان مبارز و انقلابی خود می خواهیم که اهلامه های ما را در اختیار دوستان و آشنایان مورد اعتماد خود بگذارند و اگر

این کار برایشان مقدور نیست، آن را در جایی بگذارند و یا بپندازند که دیگران هم بتوانند آن را بخوانند. از هموطنانی که تهیه امکانات، چاپ و تکثیر بهر صورت برایشان مقدور است میخواهیم که اهلا میه شان ما را در هر سطحی که میتوانند تکثیر و پخش کنند. حتی رونویس کردن و پخش محدود اهلا میه ها نیز می تواند هم مثبتي در راه انقلاب رهايي پخش ملي ما باشد. کک به چوکهای انقلابی از جانب عناصر آگاه و انقلابی، در مواردی دیگر و در سطح دانی بالتر نیز می تواند انجام گیرد، کمکهای انفاقی به چوکها مانند کک به فرار، خفی شدن و انجام عملیات آنها که در آینده مسلما هر چه بیشتر و بیشتر پیش خواهد آمد و خلاصه کمکهای منظم از طریق تماس مستقیم و غیره که امکانات اکنون البته برای همه وجود ندارد، ولی در آینده وجود خواهد داشت. سرانجام خلق ما به لزورت اتحاد و همبستگی و مبارزهٔ پیگیر خواهد رسید و مقهور خود را بران سرنوشتی رژیم ننگین شاه خراکم خواهد ساخت.

پرونده و شکوشتان بساد نهال نورستهٔ مبارزهٔ صلحانهٔ خلق ایران

ناپود باد حکومت ننگین شاه و اربابان خارجی اش

جاویدان باد خاطرهٔ رزمندگان شهید ساهمک

چوکهای فدائی خلق

متن اعلامیه

## سازمان چریکهای فدایی خلق

به مناسبت

بزرگداشت ۱۹ بهمن

و

انفجار در مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل

در شانزده روز نوزده بهمن ۵۳ سالروز رستاخیز سیاهکل و درست در همان لحظه ای که عطیات تهاجمی دسته جنگل از سازمان چریکهای فدایی خلق به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در ۱۹ بهمن ۴۹ آغاز گردید<sup>بود</sup> پایگاه ژاندارمری لاتیجان (مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل) توسط یک واحد از رزندگان سازمان چریکهای فدایی خلق مورد نفوذ قرار گرفت و به دنبال آن در ساعت ۲۲ همانروز انفجار صهیونی این پایگاه را ضلالت ساخت.

طبق اطلاعات رسیده، هر اثر این انفجار، چند خود رزی دشمن از کار افتاده و بهیسه ساختمان پایگاه خسارات جدی وارد آمده است و هم چنین چند مزدور کادر از نیروهای دشمن مجروح گشته اند. واحد عطیات نفوذی پمب نیروی ضد زمامی را طوری کار گذاشته بودند که بهیسه مردم شهر خسارت و مدمه ای وارد نیاید و هم چنین به سربازان و غلیفه ای که در پایگاه بودند آسیمی نرسید. به دنبال این عمل، عطیات دیگری در تهران و مشهد و بابل به ترتیب زیر انجام شد.



۱. انفجار پاسگاه ژاندارمری سلیمانیه در تهران در ساعت ۲۱/۱۰ شامگاه روز ۱۹ بهمن.
۲. انفجار استانداری خراسان در ساعت ۱۹/۳۰ شامگاه ۲۱ بهمن.
۳. انفجار شهرداری باهبل در ساعت ۲۰/۳۰ شامگاه ۲۲ بهمن.

این عطیات به منظور بزرگداشت نوزده بهمن ۴۹، روز رستاخیز سیامعلل و آغاز جنبش مسلحانه خللی ایران صورت گرفت و کلیه واحدهای عمل کننده به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند.

\*\*\* کارگران، دهقانان، روشنفکران آزاد بخواه و کسبه شریف گیلان! \*\*\*

۱۹ بهمن ۵۳ آغاز پنجمین سال جنبش نوین انقلابی خللی ایران است. چهار سال پیش در چنین روزی مرکز ژاندارمری سیاهگل که مورد نفرت همین انالی روستائی منطقه سیاهگل و دیلمان بود و نشانه بارز استکوری رژیم شاه خائن در منطقه محسوب میگردد، بر طبع یک برناه‌ی تدارک شده، از جانب "دسته جنگ" سازمان ما مورد حمله قرار گرفت و بدینسان آتش نبرد مسلحانه از زیر خاکستر سرد سالها رکود و تسلیم سر بیرون آورد و نقطه پایانی بر افسانه "ایران، جزیره ثبات و آرامش" که مبین اسارت خللی ما به وسیله شاه مزدور بود، نهاد شد. عطیات "دسته جنگ" بلیت طرح پیش بینی شده در شامگاه روز نوزدهم بهمن آغاز گردید. رفتای ما پس از سوار شدن به یک مینی بوس و پخش اعلامیه در بین مسافران آن، خود را به سیاهگل رسانیدند و پاسگاه ژاندارمری، این مرکز ستم دهقانان را مورد حمله قرار دادند و پس از اعدام مسئول پاسگاه موجودی اسلحه خانه آنجا را بنام خلق زحمتکش ایران تصاحب نمودند، و به سمت جنگ عقب نشینی کردند. طبق برنامه‌ها تیلی قرار بود کسه "دسته جنگ" بعد از انجام عطیات خود از منطقه دور شود ولی در آخرین روزهای قبل از عمل فقط تصمیم میگیرند برای آشنائی بیشتر با منطقه، تا چند روز بعد از عطیات در محل باقی میمانند.

رفقای دسته جنگل فکر میکردند که در روزهای اول دشمن نیروهای زیادی به منطقه اعزام نخواهد کرد ولی برخلاف این نظر رفتار دشمن که از حمله به پاسگاه سیاهکل به طرز بی سابقه ای وحشت زده شده بود با تمام امکانات خود وارد اقدام شد و زنده ترین توای ژانده امری از سایر نقاط کشور به سیاهکل خوانده شدند و آنها تحت نظارت ستادی که مستشاران آمریکائی در آن عضویت داشتند بمطیبات پرداختند. دهها تلی کوپتر نظامی ساخت آمریکا در اطراف منطقه به پرواز درآمدند و هزاران مزدور بسیج شدند تا به مقابله با تهاجم رزمنده انقلابی بپردازند. بدین ترتیب رزمندهگان جنگل بخاطر اشتباهی که مرتکب شده بودند، چند روز پس از حمله به پاسگاه سیاهکل با پیشتر اولان دشمن درگیر شدند. رفتار آنها را در هم کویدند و به غلب جنگل عقب نشستند. ولی همین درگیری علی رغم اینکه در آن پیروزی نصیب مبارزین گردید، موجب شد که موضع تقریبی "دسته جنگل" برای دشمن مشخص شود. اینبار دشمن با توائی بسیار از زمین و هوا به محاصره دست زد و چند روز بعد نبرد های املسی سیاهکل آغاز گردید که نا اوار سهم و اوایل اسفند ادامه داشت. این نبردها تماماً در شرایط بسیار نامساعد انجام میگرفت. رفتار علی رغم تمام دشواریهای طاقت فرما به نبرد ادامه میدادند تا فریاد رزمنده گیشان، نرسیده به سراسر کشور برسد و توده های خلخال را از مبارزه ای که توسط پیشگامانش آغاز گشته است با خبر سازد.

"دسته جنگل" گرچه از لحاظ نظامی دچار شکست شد اما از لحاظ سیاسی تأثیرات وسیعی در سراسر کشور ایجاد نمود و نقطه آغازی برای حرکت نیروهای انقلابی جامعه گردید. در واقع رزمندهگان سیاهکل، در تحقق این هدف خود به موفقیت چشم گیری دست یافته و نبرد دلیرانه آنها و قاطعیت و ایمانشان به مبارزه ای که آغاز کرده بودند، فضای سیاسی سپهرن ما را دگرگون کرد، به ویژه آنکه شعله های نبرد رهائی بخش خلخال که در سیاهکل آفرینته شده

هرگز خاموش نگردد و جنبشی که در جنگهای گیلان آغاز شده بود با نبردهای سایر نبردهای چریکی و مبارزات نیروهای آزاد بخوابد در سایر نقاط کشور پشتیبانی شد و همچنان ادامه یافت. دشمن به دنبال حطه به پاسگاه صیامنگل و دستگیری رفقای ارزنده جنگ و سرانجام اعدام آنها چهره واقعی خود را به خلخال نشان داد. شکجه و زندان و اعدام که پاسخ همیشگی شاه جنایتکار به دست رزندگان رامشین بود از جنبش صیامنگل به بعد در آنچنان ابعادی انجام میگردد که تا به حال سابقه نداشته است. زند آنها از مبارزین پر شده و دیگر برای نگهداری آنان کافی نیست. بیکر فرزندان مبارز خلخال به سمانه تهرین شکل شکنجه می شود و تعداد اعدام شدگان که دلیرترین فرزندان خلخال محسوب میگردند رقم بزرگتری را تشکیل می دهد. از طرف دیگر رژیم با تبلیغات صوم گنده ای که در مورد چریکها و دیگر مبارزین از رستاخیز صیامنگل به بعد انجام داده و تلاش می کند تا توده های زحمتکش میهن ما را در باره ماهیت عظمت انقلابی چریکها به گمراهی بکشد. ولی همه اقدامات رژیم جنایتکار شاه تا به حال درست در خلاف جهت خواسته های آن عمل کرده است. روی آوردن دهها گروه و سازمان به مبارزه صلحانه که مردم بر تعداد آنها افزوده میشود خود بهترین پاسخ به آنچه در منشی و صفاکی رژیم شاه خائن است و بهترین دلیل بر درست بودن راهی است که سازمان ما آغاز نموده و در شرایط نطفان پامیسی با جانبازی پیشگامان ادامه داده و تا پیروزی نهائی آن را دنبال خواهد کرد. توده های زحمتکش مردم ما نیز هر روز که میگذرد بیشتر به ماهیت عظمت انقلابی چریکها پی میرسد و با تأیید و پشتیبانی خود تبلیغات زهرآگین رژیم را بی اثر میسازند.

در بر پا کردن جنبش نوین انقلابی ایران و تثبیت موقعیت آن، مبارزین گیلانی پیروزه فرزندان دلیر لاهیجان نقش برجسته ای ایفا کرده اند. رفقای ارزنده ای چون غفور حسن پور

موشنگ نیری، رحمت الله پیرو نذیری، اسکندر رحیمی و ضوچهر بهائی پور و اسد الله پشیر دوست که هر یک در پیشبرد هدفهای سازمان ما مردانه کوشیده اند و شهید شده اند و مدتی از مردم لاهیجان بوده اند. از دیگر شهیدهای گیلان نیز سازمان ما اعضای مبارز و دلیری داشته است، مانند رفیعی، احد زهری و رفیق پهن آرنه از پهلون و رفیق شادی پنده شده اند. لنگرودن از لنگرود که مدتی در راه رسانی خلق پاکبازانه جان خود را باخته اند. خالصره این فرزندان ریزنده گیلان همیشه در یاد ما زنده خواهد بود. از گیلان انقلابیون راستین دیگری در این سالها به ما خواسته اند که بنویسند در پیشبرد مبارزه سلطانه خلق ما موثر بوده اند و با زندگی خود بهترین درسیا را به مبارزین جوان داده اند و مانند رفیق ریزنده فریدون نجف زاده از رشت که در اواخر اصفه سال ۱۹۰۹ در جریان محاصره پل بانک دستگیر و مردانه شکنجه های جلادان شهربانی و ساواک را تحمل نمود و پس به سخن نگشود و شهید گشت، رفیق سید باقرن از رشت که در مهر سال ۱۹۰۲ در سایه به شهادت رسید. رفیق خسرو گسرخس از رود سر که دلیرانه در دادگاههای فرمایشی شاه در زیر سایه سر نیز دست به انضای جنایات رژیم زده و بدست مردوران دشمن شهید گشت. همه این رفقا در زمره نمونه های درخشان مبارزان انقلابی خلق ما هستند. بعضی انقلابی خلق ما عماره های این ریزندگان راگرا می خوانند داشت. گذشته از این رفقا، در طول چند سال گذشته ما با نفر از مبارزین گیلان توسط مردوران شاه بازداشت و شکنجه و زندانی شده اند. معاصر و گروههای زیادی در چهار سال گذشته که صوما در تأیید مبارزه سلطانه هم بر ضد اشغال و متکبر نه و ضیائی به آنان وارد آمده. روی آوری اینهمه نیرو به مبارزه نشانده شکوفائی مبارزه انقلابی در گیلان بعد از جنبش سیاهک است. این مبارزان در همین حال توانستند پایه آتش کشیدن

طایف نصرنهایی، فرمانداری و شهرداری و شعارنویسی و پیش اعلامیه، در ایجاد یک فضای سیاسی در منطقه گیلان تأثیر سازنده ای داشته باشند. علی رغم همه این غربت، روز بروز نیروهای بیشتری از بیوانسان گیلان وارد صف مبارزه میشوند. این نیروها باید سعی نمایند با کسب تجربیات گروهها و سازمانهای دیگر، روشی ارائه تر قدم بردارند تا غربت بیشتری به دشمن وارد سازند. ما ایمان کامل داریم که رزندگان جوان گیلان از این پس با استواری و هوشیاری بیشتر راه رفتای دلیر خود را ادامه خواهند داد. رفتای ما (دسته جنگل) چون قدمشان از حلقه به پاسگاه تبلیغ راه مبارزه مسلحانه در سطح جامعه و رساندن فریاد مبارزاتی شان بگوش خلق و عناصر آگاه بود، گیلان را بخاطر شرایط ویژه اش از قبیل داشتن امکان ارتباط زیاد با بیسن روستاها و شهرها، صمیمین ما بین خود منطقه و مرکز (تهران)، داشتن موقعیت مناسب طبیعی یعنی جنگل، کوه و غنچه برای به خاطر آگاهی بی که مردم بطور نسبی در مورد مسایل سیاسی و اجتماعی دارند، انتخاب کردند، تا دشمن نتواند مانع جدی در راه رسیدن خبررسانان عظیمات در سطح کشور ایجاد نماید، و موفق به منزوی کردن جنبش مسلحانه خلق گردد، زیرا در پاره ای از نقاط کشور جنبش های مسلحانه ای که آغاز گشته بود بخاطر نداشتن شرایط مناسب مانند منطقه گیلان کاملاً منفرد مانده نتوانست در حرکات عموماً سیرونی مبارز مهین مسما تأثیر چشمگیری بگذارد.

سازمان ما با بررسی اوضاع اقتصادی ... اجتماعی و تاریخی، مبارزات گذشته خلق، به ایمن نتیجه درست رسیده است که برای مردم گویند رزینی که کوچکترین قدمی در جهت منافع توده همان زحمت کش برنداشته و تمام نیروهایش در جهت استثمار و غارت روز افزون کارگران و دهقانان مهین ما صرف میشود و هرگونه مدای حق طلبانه ای را با شدیدترین شیوه سیاسی ممکن سرکوب میکنند، راهی جز مبارزه مسلحانه وجود ندارد. لایحه حاکم جامعه که زندگی اش

بر پایه بهره کشی از اکثریت زحمت کش و ظلم و ستم استوار است، سعی میکند در موارد بسیار پاره ای نقشه ها و یا انجام اصلاحات، توده های زحمت کش را فریفته، به این ترتیب عمر ننگین خود را طولانی تر کند ولی این حیلها ما ماهیت خرد خلقی خود را زود آشکار نموده و منزدم زحمتکش ما در می یابند که مشکلات اساسی آنها در شرایط حکومت رژیم شاه حل نخواهد شد و آنها در چنین شرایطی از حقوق انسانی خویش محروم خواهند ماند. نمونه روشن این برنامه ها را میتوان در انقلاب سفید شاه خائن دید. تا قبل از اصلاحات ارضی در میان دهقانان در چهار سبب بهره کشی ارباب رعیتی زندگی میکردند و مالکان، بزموس مالکان بزرگ که از خانواده های درباری لغوان و انصار آنها تشکیل میشدند بدون آنکه هیچگونه تعاسی بازبین داشته باشند، انگار وار از حامل کار دهقانان زحمت کش در کمال رفاه زندگی میکردند. در دهقانستان گیلان عموماً ثلث و حتی نصف محصول خود را بعنوان مال الاجاره می بایست به ارباب می پرداختند و علاوه بر این میبایست هر سال مقداری ماست و کره و مرغ و تخم مرغ و جگول و غیره تقدیم مالک میکردند. بیگاری نیز یکی از ستم های رایج اربابان بر کشاورزان زحمت کش محسوب میشد. این روابط ننگین که در طول قرنها بر جامعه ما حاکم بود همیشه از حمایت کامل دولتها برخوردار بوده است. شاه خائن که خود بزرگترین عالت کشور محسوب میشد تا سال ۱۳۰۴ بازنده زاندر امری و سایر دستگاههای مرکب از اش بهرمانه از ضایع اربابان دفاع میکرد و هرگونه اعتراض در مقابل رنجبر را با سر نیزه و گوله پاسخ میداد. نظام فتوای (ارباب رعیتی) که قرنها بر جامعه ما حکومت می آورد به آنچنان حدی از پوسیدگی رسیده بود که کاملاً به صورت سدی در مقابل رشد سرمایه داری وابسته به بیگانگان، قرار گرفته بود. سرمایه داران وابسته به استعمارگران آمریکائی و انگلیسی که در دهه قبل از سال ۱۳۰۴ در ایران رشد کرده بودند در اواخر این سن

در نظام ارباب رهنی حاکم املاک پیدا کرد، آنچنانکه در نتیجه این امر در آن زمان یعنی از سال ۳۸ به بعد، بحران سختی در اقتصاد ایران بوجود آمد.

در نتیجه این بحران، از سرمایه در ایران وابسته و تحلیل کارخانجات و رکود عمومی اقتصادی در کابل گذارید. معلول این شرایط بود. برای درمان این وضع و همچنین به این خاطر که ادا این بدهیان مستوانست بود، های زحمت کش، جامعه، بالاخص دهقانان را بوسی قیام علیه این شرایط عمومی داشت و سرمایه داری وابسته را بر آن داشت که در فکر جاره باشد. در نتیجه سرمایه در ایران که در دستگاه حاکم غالباً شرکت مالکان محسوب میگردد بدند و همچنین سرمایه در آن کشور به بیلابندی آمریائی که با این سرمایه در آن در داخل رابطه نزدیک داشتند، راه حل بود که در نیم قرن پوزیوان ارباب رهنی و باز کردن راه بران سرمایه گذاری در زمینه های مختلف صنعتی و معدنی و کشاورزی داشتند. در حالیکه تا قبل از سال ۱۰۰ سرمایه های عمده اساساً در زمینه بازرگانی سرمایه گذاری میشد. شاه خائن و درباریان که قبلاً زمینهای خود را فروخته بودند و با آن پول در زمین سرمایه گذاری در جامعه کرده بودند در پیشاپیش سرمایه در آن وابسته به برنامه قرار گرفته و طرح اصلاحات ارضی را که در جهت همین برنامه بود پذیرفته و به اجرای آن پرداختند. باین ترتیب شاه خائن که روزی بزرگترین مالک زمین در ایران بود در روزگاری سرمایه در آن ایران تبدیل گشت و همچنین به تمام قیود الهای بزرگ این امکان را داشت که با فروش زمینهای خود به دهقانان و استفاده از سوابق حاصل از آن در بخش صنعت و کشاورزی سرمایه گذاری کرده و به سرمایه داری تبدیل شوند. بدین ترتیب اگر مستمران در گذشته در این زمینه با فقر و آسایش مردم بیگناه و بی پناه را میچاپیدند و پس از اصلاحات ارضی در بسیاری سرمایه داری و مأموران بانکها و شرکتها و مأمور دولت به غارت مردم مشغول شدند. در یک املا-

حیات ارضی واقعی حتی استفاده از زمین باید بدون قید و شرط و بدون پرداخت پول به دهقانان یعنی کسانی که روی زمین کار میکنند تعلق بگیرد و در حالیکه در امیلاسات ارضی در وقت شاه اول با زاهدان زمین به عده ای از دهقانان مبالغ سنگینی از آنها پول گرفتند و شایعاً بهترین زمینها را برای مالکان گذاشتند و زمین های نامرغوب و کم آب و یا بدون آب را به دهقانان دادند و اگر نبودند دولت مزبور شاه علاوه بر گرفتن قطعه زمین و پول آب و برق و عسکری و خدمات از روستائیان با دادن وام از طریق بانک کشاورزی و شرکت های تعاونی دهقانان را در محصله ای قرار میداد که خلاصی از آن به سادگی برای آنان ممکن نیست. این وامها که عموداً مقدارشان کم است مشکلات اساسی دهقانان را حل نمیکند. بهره این وامها تماماً نازل است ولی چون طنابی هر دم حلقه دهقانان گیلان را بیشتر میفشرد و آنها را به فقر و درستی می سوق میدهد. اما اگر دولت شاه به دهقانان این تسهیلات را بدهد و در مقابل با عطف و دست تمام به سرمایه داران خدمت می کند. این دولت با ساختن سد ها و کانالها و جاده ها و مختلف در گیلان بسرعت مشغول آماده کردن زمینهای کشاورزی برای تحویل دادن به سرمایه داران است. دولت احتمالاً در پاره ای نقاط دست به ایجاد شرکت های سهامی زراعی نیز خواهد زد ولی نه در این مورد و نه در هیچ مورد دیگری منافع انسانهایی که سالها بر روی زمین کشاورزی زراعتی رنج کشیده اند مورد نظر قرار نمیگیرد. بلکه هر روز که می گذرد عده بیشتری از دهقانان مجبور می شوند زمین خود را رها کنند و به کارگر روزمزد تبدیل شوند. دولت مزبور شاه با دادن وامهای گیلان با بهره کم و یا بدون بهره و ساختن سد و کانال و جاده و ساق کسور و زمینها بطور مجانی برای سرمایه داران و صاحبان زمین دولت و با حمایت خد خلقی خسوسود هر چه بیشتر برای دهقانان زحمتکش گیلان آشکار میکند. دهقانان بتدریج در می یابند که اصلاحات ارضی صرفاً مقدمه نفوذ سرمایه داران به روستاهای گیلان بوده است. در جریان این



برنامه‌ها که هنوز اوایل کارش را در گیلان میگذراند باز هم رژیم شاه مزدورما بهت خود در حقانی  
 - اش را بر کشاورزان گیلانی آشکار کرده است. رژیم در کمال وقاحت هر جا که زمینهای دهقانان  
 با شبکه های آبرسانی و جاده سازی که برای دعوت سرمایه داران به روستاهای گیلان ساخته  
 میشود برخورد میکند همان زمینی که خود ضرر مرعی ۶ ریال به دهقانان فرخته است و ضرری  
 ۳ ریال از او میخورد و بعضی نصف مبلندی که خود در حجاز حاضر به صورت تسط زمین از دهقانان  
 میگیرد. تازه همین ضرری ۳ ریال نیز عموماً به دهقانان پرداخت نمیشود و به عنوان مانده و امپا  
 و یا تسط زمین دهقانان حساب می شود. دولت مزدور شاه همیشه در طول سالها از ژاندارمری  
 بعنوان بهترین ابزار سرکوب دهقانان استفاده کرده است. قبل از اصلاحات ارضی با هرگونه  
 تأخیر در پرداخت عا، الاحاره سر نیزه و ژاندارم بنا بر گروی دهقانان قرار میگرفت. کمترین  
 اعتراض دهقانان به نظام نژادپرستانه را این ابزار سرکوب شاه، به دستور مالکان، پسا  
 شکنجه و زندان و گلوله پاسخ میداد. بعد از اصلاحات ارضی نقش سرکوب کننده و ژاندارمری  
 کمترین وسیعی یافته است. هرگونه تأخیر در پرداخت پول آب و برق و وام شرکت تعاونی و  
 بانک کش ( که بخاطر بدستکاری دهقانان زحمتکش به نزول خواران و دادن تسط زمین گرفته  
 اند ) و موارد دیگر سبب دخالت ژاندارمری می شود. ژاندارمری چون معلن بالای سر  
 دهقانان رنجبر گیلان استاده است و بعنوان حافظ منافع دولت مزدور شاه و سرمایه داران  
 اجرای وظیفه میکند. دهقانان زحمتکش گیلان باید با پوشیاری مراقب برنامه های ضد دهقانی  
 رژیم شاه خائن باشند و با وحدت با هم جلوی این نقشه جا و ستمیانی را که به شکل های  
 مختلف بر آنان وارد میشود بگیرند. ما همواره از حرکت دهقانان برای کسب حقوق حقه شان  
 پشتیبانی می کنیم و در این راه از هیچگونه تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. کارگران زحمتکش  
 گیلان نیز در سالهای اخیر ستم سرمایه داری را بیش از پیش احساس میکنند. شاه خائن کسه

به خیال، خودش برای فریختن کارگران، بعد از انقلاب سفید برنامه های رنگارنگی مانند باامطلاح "سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات" و "فروش سهام کارخانجات" به آنان ترغیب داده بود اکنون شاهد رشد کمی و کیفی طبقه کارگر میهن ماست. طبقه کارگر با شناخت مامیت این حیلۀ های ننگین هر روز بیشتر به حقوق خود آگاهی می یابد. حد از انقلاب سفید سرمایه داران با استفاده از شیوه های مدرن تولید و مامینتی از هر چه بیشتر کار به استثمار وحشیانه کارگران پرداخته اند. این روشها باعث فرسودگی سریع کارگران و سبب شیوع انواع بیماری در آنان میگردد. استفاده از کار ارزان زنان کارگر نیز یکی از روش های بیشرمانه است که سرمایه داران برای بهره کشی در حد بیشتر از مردم زحمت کش کشور ما مورد استفاده قرار می دهند. سرمایه داران در عین حال سعی می کنند بیشرمانه از وجود کارگران زحمتکش زن در کارخانه در جهت شای دیگر نیز بهره برداری نمایند و قبحخانه در جهت شیوع فساد و روابط ناسالم در بین کارگران تلاش می کنند تا اینکه این توده های رنجبر و اقمیت های سخت زندگیشان را با اصلاح فراموش کنند و بطور جدی در مورد آنها نیندیشند و در نتیجه به مبارزه با نظام سرمایه داری برنخیزند. وضعیت کارخانه نوشینان رشت و کفش طی در ایسن زمینه میتواند نمونه خوبی باشد.

کارگران گیلان در دو سال اخیر حرکت عائی را برای کسب حقوق خود شروع کرده اند. جنبشهای خود بخودی و مطالباتی کارگران با آنکه ابتدائی ترین مراحل خود را میگذرانند نشانه نیاز کارگران گیلان به مبارزه برای کسب حقوق پامال شده شان میباشد. بعنوان نمونه می توان از اعتصاب کارگران وزارت آب و برق در رشت و اعتصاب کارگران معدن سنگرود نام برد. این اعتصاب کارگری در تابستان اخیر (۵۳) بوقوع پیوست و با هم بستگی کارگران به پیروزیهای نسبی نایل آمد. با این همه رژیم شاه بسنطور حشاً فضای خفقان بار برای کارگران و جلوگیری

بازگردنیدن امید نمایان ۳۰ تن از کارگران معدن سنگرود واقع در عمارلوی رود بار را که در  
 متخذه ام سازمان خوب آهن میباشند به زندان کشیده و به دادگاههای ضد خلقی روانسه  
 ساخت. این عمل رژیم نشاندهنده تاکتیکهای ضد کارگری دولت شاه است نه دولت شاه برای  
 مرکوب و ساکت کردن جنبشهای کارگری بطور همزمان به شیوه تهدید و امتیاز قسطل میشود.  
 رژیم که میداند در فضای سیاه خفقان آورد یکتاتوری آن که در ایران برقرار کرده است  
 کارگران و قس دست به اغتشاب میزنند که کار به استخوانشان رسیده و حتی از سیر کردن نثار  
 شکم زن و فرزند خود واقانده باشند. بدینجهت بمنظور حفظ اوضاع امتیازات معدودن می -  
 دند و ولی از طرف دیگر برای اینکه این امتیازات معدود باعث تقویت روحیه جمعی و تشکلی  
 کارگران نشود بلافاصله عده ای از رهبران اغتشاب را دستگیر و اخراج میکند تا باعث شکست  
 روحیه جمعی و مبارزه جوشی کارگران شود و به این ترتیب همچنان برای تثبیت وضع حویسود و  
 تثبیت روحیه تسلیم خلقی در کارگران بهرمانه تلاش میکند. این تاکتیکهای رژیم قسطلها فصل  
 ضابط یعنی پاسخ زور با زور و خشونت با خشونت شکسته خواهد شد. سازمان ما با حمایت  
 مسلحانه از جنبشهای اغتشابی کارگران، امید شکسته نوده های تشکلی نیافته را پر از مریزها  
 شکست خورده کارگری رنده نرده و روحیه امید و اعتماد و مبارزه جوشی را در نوده نماینده ارمیسازد.  
 سازمان ما در مرداد ماه ۵۳ با اعدام فاتح یزدی سرمایه دار و نخواستار کرج که عامل قسطل  
 بیش از ۲ کارگر جان به لب رسیده و اغتشاب کننده بود عملا حرکت خود را در جهت حمایت  
 از جنبشهای کارگری آغاز کرد.

ما این راه را هم بدان ادا خواهیم داد و سعی خواهیم کرد که با تحکیم و تثبیت و  
 گسترش سازمانمان با اتکا بر نوده های خلقی بطور اعم و بر نوده های کارگری بطور اخص مبارزه

را به پیش برانیم و دشمن خلق را مغرور و ناهود گردانیم .

شاه مزدور هنگام با برنامه ناشی که از سال ۱۹۱۰ در زمینه های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بران غارت ضایع و نیروی کار جامعه ما توسط سرمایه داران وابسته به استعمار گران آمریکایی و انگلیسی ، انبعاث داده است و هنگام با اعزاز خفتانی سیاه در کشور و سرکوب و حشمانه درگروته حرکت مردم ، در زمینه فرهنگی نیز برای تکمیل حاکمیت خود برنامه های خاصی را به مورد اجرا گذاشته . هدف اساسی از این سیاست فرهنگی ضحرفه کردن توجه مردم ما بخوشی و نیروهای جوان از مسایل سیاسی و بنیادی جامعه و سون دادن آنان به مسائلی جزئی و پویا است . رژیم با تمام توان سعی می کند جوانان را که نیروهای متبلم آنان میباشد در راه درگروته های اساسی و سازنده گبهای بنیادی مرتب شود ، به سرزگی و فساد بکشاند و در این راه از تمام امکانات و وسائل ارتباط جمعی مانند روزنامه ، مجله ، سینما و رادیو و تلویزیون بخسوی وسیع استفاده می کند . هدف اصلی این تبلیخات ایجاد روحیه فردیت گرایی در میان مردم و بخسوی جوانان است . رژیم این شعار را با تمام نیرو رواج میدهد که " اگر من نباشم بگدازد بگسران هم نباشند " و با اینکار خود میخواهد همبستگیهای جمعی را تابع منافع فردی نماید . همچنین با تأکید رزی خوشبهای زود گذر در را غنیمت شمردن می خواند آنان را بسوی استفاده از مواد مخدر و ترویج روابط ناسالم میان جوانان ، بکشاند . در منطقه کیلان میتوانیم تأثیر این برنامه ها را در شهرها و بخشها و حتی در روستاها هم بخسوی ببینیم . جوانان مبارز کیلان باید با دوشیاری با این فرعون فاسد روبرو شوند و تلاش نمایند با تمام توان در سطح منطقه با این برنامه های ننگین شاه مقابله نمایند . آنها میتوانند با پخش اعلامیه و نشریه و افشاکری در مورد ماهیت برنامه های ضد خلقی رژیم و تأیید مبارزه مسلحانه و همچنین تسلاش در جهت بالا بردن آگاهی توده مردم و تشکل آنها در مقابله با سیاستهای رژیم مزدور پهلوی

به پا نمیزند . سازمان ما از این مبارزات مبدانه پشتیبانی خوانند کرد . مبارزات سیاسی خلقی ما پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که علیه حکومت ملی مدنی و سایر نیروهای شرقی انجام گرفتند چهار رکودی عمیق شد . نیروهای پیشرو که می بایست بعد از این تاریخ در شیوه های مبارزاتی خود تغییر اساسی ایجاد می کردند همچنان روشهای را بنابر میبردند که کودتای ۲۸ مرداد شکست پذیری آن را ثابت کرده بود . به همین سبب از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۶ بهمن ۳۴ مبارزاتی که بوسیله محافل و گروهها و سازمانهای متعدد انجام گرفت حلقی با شکست مواجه گردید . رژیم که تا دندان مسلح بود و هر گونه مدای مخالفی را با شکنجه و گلوله پاسخ میداد توانست به آسانی این اشکال مبارزاتی را سرکوب کند و در عرض ۱۷ سال حکومت پلیسی اش را روز به روز استوارتر نماید و مانع تماس عناصر پیشرو با توده های زحمتکش گردد . نتیجه این عوامل به بن بست کشیده شدن مبارزه سیاسی در ایران بود . شکست سال ۳۲ و مسانیت رهبران سازمانهای بظاهر انقلابی آن زمان در توده مردم حالت رکود و گریز از مسامبل سیاسی و بی اعتمادی به عناصر پیشرو را ایجاد کرد . در چنین شرایطی بود که دشمن در این سالها ، با شکنجه و زندان و اعدام مبارزین راستین و به گلوله بستن اعتراضهای حق طلبانه کارگران ، دانشجویان ، مددجویان و معلمان و همرا با تبلیغات وسیع و گسترش یک فرهنگ فاسد و ارتجاعی از خود غولی شست ناپذیر در زمین مردم ساخت ، عناصر پیشرو نیز تا سال ۳۴ عموماً نتوانستند به شیوه ای نوین از مبارزه که آنان را از گردابی که در آن دست و پا میزدند بدر آورده دست یابند . یأس و سرخوردگی از مسامبل سیاسی همراه با تلف شدن نیروهای مبارزه بدون آنکه فایده ای جدی داشته باشد ، توأم با اعمال دیکتاتوری و سرکوبی شدید خلق و شرایطی بود که انقلابیون راستین را به سمت یافتن شیوه نوین مبارزاتی هدایت کرد . این شیوه نوین می بایست در جامعه فضایی سیاسی ایجاد نماید ، عنصره پذیری غول را

آشکار سازد و فناخبر آگاه را از سرگردانی بدر آورد و در جهت جنبش نوین هدایت کننده  
 و وجود يك سازمان انقلابی را در سطح جنبش تثبیت نماید . این ها عواملی بودند که سازمان  
 ما را بر آن داشت که برای بسیج خلق به مبارزه مسلحانه روی آورد . اکنون که خفقان چندین  
 ساله شکسته و آسمان تاریک میهن ما با شلیک گلوله های مبارزین روشنی گرفته است ، در  
 وحشت زده و سردرگم کلیه نیروهای خود را بسیج نموده و هر روز بر میزان تدارکات برنامه های  
 سرکوب خود می افزاید . در چند سال اخیر دانشگاهها عملاً به حالت تعطیل درآمده اند و  
 اعتراضات حق طلبانه کارگران به خاک و خون کشیده میشود ، در تهران و پاره ای شهرهای دیگر  
 حکومت نظامی اعلام نشده برقرار شده است ، کمیته شان با مطلق خدمت خرابکاری با پیشروی هر  
 روز در خیابانها مردم را جهت بازسازی توقف و با اقدام به بازداشتن نمایندگان و با بیورشهای  
 شبانه به امانکن مردم ماهیت ضد خلقی خود را در سطح وسیع برای توده های مردم آشکار  
 میکنند . این فشار و خفقان روز افزون در شرایطی که موج نوین جنبش مسلحانه هر روز انتشار  
 وسیع تری را به میدان عمل و مبارزه کشیده است تأثیری جز افتلا جنبش و تشدید تضاد های  
 خلق با نیروهای سرکوب ندارد . شاه جنایتکار که سالها بر تکیه بر سر نیزه توانسته بود نفسها  
 را در سینه حبس کند ، خوشخیالانه تصور میکند که باز هم قادر به ادامه این سکوت مرگبار  
 است ولی اینبار هر اقدام خشونت بار درست در جهت مخالف خواست رژیم عمل میکند و مبارزه  
 راه میان توده میکشاند . سازمان ما نیز با طرح ریزی برنامه های عطیاتی متعدد ، در صدد  
 توده ای کردن مبارزه مسلحانه است . اقدام فاتح جنایتکار ، صاحب کارخانجات جهان چیت ،  
 و اقدام شکنجه گر معروف ، سرگرد نیک طبع ، نشانه توجه سازمان ما به عطیاتی در جهت  
 خواستهای خلق مبارز میهن ماست . هم اکنون نیز نیروهای بالفعل جامعه بویژه جوانان آزادی

خواه با علاقه و اشتیاقی روز افزون در جهت اهداف مبارزه مسلحانه تشکل میگردند. این گرایش نوید بخش اگر با توجه به تجارب و دست آوردها، سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر انجام گیرد، شیره مبارزاتی فراوانی بهمراه خواهد داشت. بنظر میرسد ساله عده برای مبارزتی که راه مبارزه مسلحانه را انتخاب مینمایند در اولین قدم برخورد با تجارب جنبش نوین و استمرار گرفتن در جریان این تجارب است. این گروهها با توجه به امکانات محدود خود با کسب آموزشهای عملی میتوانند در زمینه های متعددی در مسیر مبارزه مسلحانه قدم بردارند. بخش انحصاری های نوین یعنی افشاگری و بطور کلی سرافرازی که بتواند در زندگی روزمره خلق تأثیری مثبت داشته و اقتدار وسیع خلق را به نقش خود و مسئولیت خود در پشتیبانی از مبارزه مسلحانه آگاه سازد و عملی در جهت خواسته های صنفی و اقتصادی و روزمره بوده تا باشد مورد تأیید سازمان است. چهار سال کار مداوم و پرتلاش و شرات چشمگیری برای جنبش انقلابی صیبن ما و سازمان ما به همراه داشته است. شش مبارزه مسلحانه در سطح آماده ترین نیروهای انقلابی جامعه، بطور عده پذیرفته شده و گزینشهای موفقی به اقدامات عملی دست زده اند. جنبشهای کادری و دانشجویی افزایش کمی و کیفی حاصل نموده و اشکال مسالمت آمیز جای خود را بسعه شیره بنای قهر آمیز میدهد. رژیم با تمام تلاش و حیثیانه خود دیگر قادر بر سرکوب و نابودی سازمانهای سیاسی نیست. نظامی نیست. ضرباتی که بسا زمانها وارد میگردد بزودی ترمیم میشود و ستها در سطح جامعه رانگشت سرگذاشته ایم. رشد جنبش مسلحانه در رابطه با نیروهای مبارز نهادی برای گرفتن سلاح رفقای شهید از آستین بد رآمده است و ما مرحله تشبیه مبارزه مسلحانه ضربات سختی بر پیکر مخالفان شش مسلحانه وارد کرده و تلاشهای فرصت طلبانه، محلی برای بروز و تأثیر گذاری پیدا نمیکند. سازمانهای بی عمل و فرصت طلب که سالها به تماشای اسارت خلق ما نشسته بودند در آغاز جنبش مسلحانه به تلاشهای مذبحانه ای برای آلوده نمودن

افکار نیروهای شرقی دست زدند ولی رشد جنبش در جریان عمل شدت محکمتری  
 برد همان باوه بافان کوبیده و دست آنها را رو کرده است و وظیفه عمده ای که هم اکنون در  
 برنامه سازمان ما مطرح است، طرح مبارزه مسلحانه در میان اقوام و نژادهای تازه زحمتکش  
 خلق ماست و ما با ایمان به درستی راهمان در حال حرکت در این جهت و در این مرحله،  
 مبارزه ایم. هیچ سدی ندارد به جلوگیری از این حرکت ما نیست و ما تا نابودی هر کورنسیه  
 ستم طبقاتی در جامعه از تلاش خستگی ناپذیر خود باز نخواهیم ماند.

درود به شهید ای جنبش مبارک

درود به تمام مبارزان آزاد پخشواه کیسیدن

مستحکم باد پیونده چیرکها با سرد زحمتکش

پیسروز باد مبارزات صلحسانانه خلق ماست

مرکز بدستگاههای پلیسی و ژاندارمری، امپزارهای سرکوب دولت شاه

کوتاه باد دست سرمایه داران داخلی و خارجی از جان و مال کارگران

و دهقانسان کیسیدن

چیرکهای فدائی خلق





## رفقای شهید « دستة جنگل »

مهندس	فراهان اراك	۱ - علی اكبر صفائی فراهانی
معلم	ساری	۲ - احمد فرهودی
مهندس	رشت	۳ - شعاع الله مشیدی
كارمند شهرداری	نگرود	۴ - هادی بنده خدا نگرودی
دانشجو	كرمان	۵ - عباس دانش بهزادی
كارگر	تهران	۶ - جلیل انفرادی
دانشجو	اراك	۷ - رحیم سماعی
دانشجو	فراهان اراك	۸ - مودی اسحاقی
معلم	لاهیجان	۹ - هوشنگ نیری
دکتر	تبریز	۱۰ - علی محدث قندچی
مهندس	فارس	۱۱ - محمد هادی فاضلی
معلم	اراك	۱۲ - اسماعیل معینی عراقی
مهندس	لاهیجان	۱۳ - غفور حسن پور
مهندس	سنگسر	۱۴ - ناصر سیف دلیل صفائی
معلم	لاهیجان	۱۵ - اسکندر رحیمی

# گزارش نظامی اجرای

## طرح «رفیق مجید احمدزاده»

در مقر کار دانشگاه صنعتی واقع در

خیابان آینه‌ساز میسراند.

مزدور گاه اوقات با لباس کار نظامی

و اتوبوس جمعاً ارتش به سرکارش می‌رفت و در

پارکای موانع با لباس رسمی شهرتانی و

اتوبوس اول شخصی در سرکارش حاضر می‌شد.

سروان مزدور به مدت آموزشها ۵،

بسیاری که دیده بود خود را بسیار می‌روند

می پنداشتند و از افسران به خود زیاده‌ی

بهر خودار بود در دانشگاه شهرتانی نیز

۱۰ ملی روز او حساب می‌کردند و او خسرو

ریده نریس اسرار گارد می‌نماید می‌رفت.

بهر حال شناسنامه‌های اطلاعاتی در

مورد حرکات مزدور در ۲۷ جمادی ۵۳ به‌همان

سروان نوروزی، فرمانده مقرر کار دانشگاه

صنعتی از مدتی پیش در یک دانشگاه انقلابی

خلیج می‌آید و با عدم حکوم شده بود پس

از تصویب محکومیت مزدور و اجرای حکم به

واحد ما واگذار گردید.

واحد ما بر اساس اطلاعات موجود شروع

بفکمل شناسائی اطلاعاتی خود کردند تا

هرچه رود نرسد مزدور را بسیاری حناپاش

بر علیه جنس و اشخاص ایران می‌رساند.

شناسنامه‌ها نشان می‌داد که مزدور

گارد دانشگاه ۵۰۰ روزه بهیست اطلاعات

۶/۱۸ - ۶/۱۸ از خانه امیر واقع در

نارنگ خان شده و خود را از طریق

خیابانهای شمالی شهر به محل کارش واقع

رسید و واحد ما شغول شناختی اجرائی  
 و براد ریبری طرح اقدام گردد بر سر مسجدهای  
 - مای نشان بداد که خطه مساجد  
 برای اجرای حکم در مقابل منزل مرتد است.  
 ند ما شروع به رسم شد خداوند محفل  
 حرکتین کردیم تا طرح سطحانی را بر اساس  
 وقت نرسد اما آماده نمانیم در مدت  
 چند روز استمرار بدی طرح اقدام تهیه  
 شد و رعا شغول نمیشد حرکتها شد مسند  
 رتیق در سنبل واحد و رتیق رابط سازمانی  
 در بهار استند را برای ریز سفر مملکت  
 در سنبل گرفتند بردند و ما چهارمست خدمت  
 تا آرزو آماده اجرای عمل میگردد هم مساجد  
 مرتب زمانه شدیم از این روی طریق  
 احام کارهای تعیینی روی مراحل مختلف  
 ارجح اقدام در حدود آمادگی کافی احساس  
 میگردد بهر حال در شب قبل از روز منبر  
 - حام و سایر را آماده کرده بدیم و مصمم  
 بدیم که در روز بعد طرح را بهر احسوا  
 در آرزو ولی در همان سر رسی را بسط

سازمانی پیشنهاد کرد که بهتر است بهر از  
 اقدام مرتد در انجمنها و نیز با آنها بگشاییم  
 ولی ما وسایل این کار را از قبل آماده  
 نکرده بودیم بهین لحاظ صبر بودیم در  
 همان شب در وقت کیکت ولوت استودگار  
 نهاد سائیم ما اینکار را انجام دادیم رسی  
 نمیشد برنا کیکت در شرایط سخت از قبل  
 انجام شده بود ز این نقطه صحنی برای  
 ما بحساب جاید با اینجه در همان  
 شب چند حالت روی طری جدید کار کردیم  
 و حالتهای مختلف را بررسی و بین بوضوح  
 کرده و روی آنها تمرین کردیم .

صبح روز صفر بر طبق صورت عملیات  
 پایگاهها را ترک کرده و در اطراف غزل  
 در روز غوغا گرویم ولی هر قدر منتظر  
 نمانیم از سرور عبوری نشد گریا شب را در  
 خانه بسر برد و با اینک بولی زد. فغانا  
 را ترک کرده بود . بدین ترتیب اولین حرکت  
 ما برای اقدام مرتد با عدم اجرا بواجشد  
 رعا روز سفر درم را برای شنبه دهم

اصفند در نظر گرفته. و تلام داشتند که حرکت اول نهمین، یعنی برای اجرای بساط تسلط کامل طرح به حساب میاید و از این لحاظ نگرانی وجود ندارد و ضمناً در فرست پیدا شده رفتن طرح تا آنکه کشید بن انوبهل چهلن نهمین غراهیم کرد .

روز دهم اسفند مانند بار اول خود را بهصفند رساندیم ولی باز هم از سز در خوبی نشد گریا سوزان بزر در بسطی از آمدن بنانه اش خرد داری بگرد فلنوی به برای ما بر حسب اطلاعات موجود ناشناخته بود گزارش غناصو اطلاعاتی نشان میداد که مردم نهران را ترک نکرده است و مرتباً سرگازین حاضر میشود .

در اینجا بود که ما متوجه شدیم که مطمئن است مردم درینم حرکتش را تغییر داده باشد لذا قرار گذاشتیم که روز بعد زودتر در محل حاضر شویم تا در صورت تغییر برنامه غرضش، او را ببینیم .

در روز یازده اسفند بران سوین بساط

خود را بحمل عملیات رساندیم و بزر درتیبای ولهد ما مانند ساعت با دقتی کم نظیر بر طبق صورت عملیات کار میکردند ایسی نشان میداد که اصل تصویر در کات تا چه حد در ایجاد تسلط نظامی بر پاره های عملیاتی مشورت است ، در مورد بانشنه اوها اسوچهل اینل سره ای رشتن سرور آمد ولسو بدون آنکه برای بستن در ب منزلت از انوبهل بیاید شروع در شد و باهم مرتباً براد سزین بار دارج آمد عقیم مانند نسا بحال هرگز در هیچ یک از عملیات سازمان سابقه نداشت که رفتن عملیاتی برای سه بار در اهرای یک طرح با عدم عنایت رسید و شوند ولی ما باید خدمتانه در ادراک حکم بکار خود ادامه میدادیم و بالاخره خاشن را بسزای همانن میرساندیم ، ما در طرح عملیات تخمیرانی دادیم تا در روز بعد در بدنیس شرایط و در حالات ضمیر سزکار او را تمام کنیم ، بالاخره در روز دوازده اسفند در ساعت ۶/۳ با امداد بالابرخورد

کرد به مرد در آستین او سوزن را انداخته  
 عفت از حاد خارج سماعت ما بر طبع عرج  
 ایاج شده هزار گداشته بود به او را در  
 انوشیروان به سلسل سمد هم ندگایکه اسد ام  
 بلند و چهار شاه سروان سرد و در کت حسرو  
 و بریده نوبس امران عطیاتی گارد ششمار  
 سیرت ۱۰۰ شامل رفیق مشول عطیاتی سر ار  
 گرم نلا در رنگ به سلسل پسته نند و ریز  
 ششمار در حالیکه انوشیروان عفت فقیه  
 سیرت طین پیشه سبی قبلی توسط حیوانات  
 پرورد و رگبار دوم را سوز سرد و در شلیک کرد  
 و بلا فاصله در حالیکه درت مانسین را بسا  
 در سحر بار کرده بود فرمان شلیک نهم  
 حلا و زمین داد س سه نهر بپایستی ساد  
 شلیک کرد م در حالیکه مظنن بود م سمان  
 رگبار اول بردگی سنگین مزد در حاتم  
 داده است از این نگاه رهیمی مشول  
 فرمان بآتش کشیدن مانسین را صادر کرد  
 س بلا فاصله با یک جست خود را به کوکلهها  
 رساند م و یکی از آنها را به دست عفت  
 انوشیروان در م دلسی مالدی کوکله

شماره ششم  
 شش حواسم در باره آمو بود ارم - رمین  
 مشول سر از این حرکت بار داشت و ساد یک  
 ر گبار کوهان کوکله را بآتش کشید و سید سال  
 آن کوکله دوم را به سمن مانسین در م عمل  
 ما با سوهفت بیابان رسد بود با فرمان  
 عفت شمس در حالیکه ششمار  
 پیدا م هرگز بر پلیس برود هرگز سر شاه  
 حاش و درود بود آتش و یان جاور ایران  
 اعلامیه شایحه را بهیوا ریخته سده را  
 ترا کرد هم رفیق در حاکم مشول کنترل جماع  
 عمی صحنه بود در حالیکه ششمار سید اد  
 و اعلامیه بخش میگرد بسخت انوشیروان عفت  
 ششینی کرد رفیق را نند نیر سزای شوق  
 کردن برخی افراد بی اطلاع که میخواستند  
 خود را به سده نزدیک کنند از انوشیروان  
 خارج شده بود با فرمان و نین مشول سگی  
 سوار انوشیروان عطیاتی نند و از سیر پیش بینی  
 شده سده اسد ام را ترک کرد م در حالیکه  
 سرد م سلسله شع مشول  
 نمانسین را سوسیل آتش  
 گرفته سرد و در حواسم در باره

زبان ما برای اجرای حکم اعدام بود

از آن یحیی در حوالی ظفر خیر اعدام شد

بعد ها شنیدیم که اتومبیل مزبور در

داشگاهها نگاهداری می‌شود و بر روی

دشمنها صحنه‌ها در حال سوختن پیوسته در

داشده‌ها داشگاه صحنه‌ها با تار ما سو

این صده گفته با اصطلاح ضد خرابکاری

زاید الوصف اعدام سرور را بگویند

بجای آن نرسید شدن با آنرا بخود نهادند

تهدید میکنند این مغل بجزه از این

با حضور مدت زیادی از زمانی که دستن از

اهمیت داشت که بکروز بعد از نظام رستاخیز

دیوان گفته بر اثر انفجار یک تله انفجاری

فرمایشی شاه انجام گرفت و از طرف اعتبار

اتومبیل نیک طبع بر روی تکه تکه شده

عمومی است

بند نمی گذشت .

باصطخ جریسکی به

افسر همانروز جزایید جیره خوار رژیم خبر

رستاخیز تلقی کرد همه او اشرف

لام را متشور ساختند ولیکن خیلی زود تر

سیاسی چشمگیری ایجاد کرد .







بعد از تعیین مهر در معیاط پارک شده بود  
 باران بارانی میبارید و اس نا را نگه  
 میکرد که باد آب روی میسوم امعداری سا  
 اثر نا مظهر بگذارد . مهر حال صحت  
 اول کار با تمام بود و میبایست برای اهرای  
 مرحله دوم عطیات مضلفه بلوار الیزابت را  
 سم خدایان یا ستر نوك ميكردم و همین  
 شب گذارک دیگر ما به پیش بهمان رسید  
 بود از من جدا شد را به اینها سازگشت و لی  
 من در همین رانند برار اهرای مرحله دوم  
 بسر ترار اکیب درم و نهم رما سر نوار ها در  
 درند زلو بارندگی آنها را نگران ساختند  
 و بهر من است بخاری نابلین تختظنر عاشق  
 کردن سب خریده بردند آنها در داخل  
 انرمیل مشیرل مستد بندی بب شدند تا  
 حتی الصدق از رسیح آب بدرون آن حلرگری  
 کند سیزه آنکه بب را ما صابست در داخل  
 حدی آبی فرار حدادیم که معمولاً بدن آب  
 بود ولی در اشب ارانی حتماً حوی حررد  
 نظریه از آب بود و این نگران کننده شهرد

تاریخ شماره نام  
 ر اهرای در سب عمل را مورد نمودند در  
 میداد . مهر حال پی از بسنا بندی بهسب  
 رما سمت حل مورد نظریه حرکت کردند و  
 بب را در داخل جوی آب در سر کسرجه  
 کوتانی که خانه ساواک در داخل آن قرار  
 داشت نصب کردند جریان آب نزدیک بود  
 صمد کیلوش را با خود بهبود که رضیسن  
 گزارده ما تغییر جهت داد آن آنسر ا  
 مستقر کرد مرحله اول از قسمت دوم بهنام  
 ما ماین تونب تمام شد آنگاه ما خود را با  
 کچه پستی خانه ساواک رساندیم در این  
 مرحله ما بهایست مارنحکی را از روی بسک  
 خانه معقولی عبور داد و داخل خانه  
 ساواک عیاد انختم و بدین منظور و فصل  
 بب انداز تعین کانی کرده بود . مسن  
 زمین صم انداز در کویچه پستی فرار گرفتند  
 پس از رد و بدل کردن علامت رضی صنف  
 مارنحت قوی را که ما ما معمره بهکر به  
 بر شده بود آتش زده و آنرا از روی پلخار  
 به داخل خانه بعدی که همان خانه ساواک

بود پرتاب کرد لفظه ای بعد آسمان روشن  
 شد و مدای انفجار عظیمی بگوش برسمد و  
 نام نیشته های عمارت ساواک با صدای  
 شدیدی هوروجت مانند قبیل از آنکه کسی  
 توجه نقش ما در اجرای عمل انفجار باشد  
 منطقه را ترک کرد هم روز بعد که غنا بر  
 ادالاعانی برای بازید اماکن رفتند توجه  
 شدند که بمبها عمارات شدیدی بمراکز  
 سازمان امنیت وارد ساخته اند در رب آهنگی  
 ساختمان ساواک در خیابان میکده  
 (مرکز ساواک تهران) بوسط کوچه شقایق  
 پرتاب شد نبود و کسی حق عبور و مرور  
 از خیابان نمیدادند و آن داشت مأموران  
 یزد و درشت ساربان امنیت در محل منتظر

ند و بودند و با اصطلاح همه چیز را کنترل  
 میکردند وضع در خیابان همروز سیرای  
 دانش بهر نبود بمب میروند بمقتصدی  
 انفجار شدید ایجاد کرد بود که حسابان  
 قابل استعاده نبود و عبور و مرور اوسید  
 در خیابان نیروی نظم ند و مأموران  
 شمول تعمیر حسابان بودند . غراش  
 امر نشان میداد که حمارت وارد صهار  
 شدید سوده و با احتیاط قرو  
 چند تن از مژدوران دانش  
 آسپاده اند .

دنبال ایس انفجارات اعلامیه های  
 نوصحن مربوطه در سطح شهر تهران و سایر  
 شهرستانها از طرف سازمان یجنس گردید .

# گزارش نظامی

## اجرای طرح «رفیق خسرو روزبه»

کشف نامییم نتیجه شناسائیهای اطلاعاتی سازمان ما این بود که مرد هزار چهره غالباً در مسافرت بوده و مرتباً برای اجسرای ماهیتهای اطلاعاتی به کشورهای خارجه میروید ولی هنگامیکه تهران بیاید در مخفیگاهش واقع در خیابان پرچم تهران زندگی میکند .

برنامه فیر دقیق و نامعلوم هزار چهره کار ما را دشوار ساخته بود و ما را وادار میساخت که روزها و ماهها با دستهای فوق العاده مخفیگاه او را تحت نظر بگیریم ما مجبور بودیم مخفیگاه او را بطور نامحسوس تحت نظر بگیریم تا بدون آنکه روی او از شناسائیهای خود باقی بگذاریم از ورود او

سازمان ما بدتها بود که بدتها بود پس و سرخی از مرد هزار چهره میگفت نشا حکمی را که درباره اش صادر شده بود و پیوند اجراء آورد .

اسلامی از همان موقع که راز جنابانش بر علیه جنبش انقلابی ایران برملا نشده بود از جانب یک دادگاه انقلابی به سرگ محکوم شده بود ولی سالها زمان لازم بود تا این مرد نیرنگ باز و این مأمور بیت اللالی و فرزیده سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بدام ما بیساختند .

ولی بالاخره پس از پیگیریهای بسیار توانستیم سرخی از او بدست آوریم و با تعقیب و مراقبت دقیق وی مخفیگاه او را

دوران سنگ درجه اول کله: در دوران اول  
مردان بود که راند ما در آنجا احاطه مدام  
با دست در آنجا تا ۵۳ از سپهران آمد  
در آنجا اهل آنجا بود.

تا بند روزی بود که ریزه ریزه صحت نظر  
توجه منتهی به روزهایی از نظرهای در مورد  
حرکات زار چهره شان جدام که هزاره  
تا عربست بسیار در آنجا در سلیم دید که  
در آنجا بود. البته این را در روزگار خشن  
کافز آنجا بود. در سهارهای ریادی در تسمیر  
نیامه و تهیه دارد. در روزی با یک لباس وین  
خانه جدید از خانه آنجا در پیشو در  
بگذشت بدین آنجا شناخته تدر بصرف  
خود را از عمل نیامه در روزی از نسا  
منی ناهن نشه، شرد، از برای اینست که  
کافز خود را معطر کند. معانی در دست  
دارند. و نشان نشان راه هر قدر از سوره  
مار پیچ که امکان کنترل تعقیب را بون میداد  
خود را از منطقه خانه ای که تهیه  
کرده بود دور میساخت.

دوران اول آنکه در شت با بود و فقط  
باید سزا را از آنجا در دست  
از آنجا را از آنجا در دست.

زاد ما در آنجا بود. و از آنجا در  
مل مرسو بود. بود در آنجا در آنجا  
صیانت در آنجا در آنجا در آنجا  
در تنظیم بند که در آنجا در آنجا  
سهر خدال تا پنج روز خود را را آنجا  
احوای عمل کردیم در آنجا در آنجا  
و آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
تا سرخی جدام. آنجا در آنجا در آنجا  
احوای عمل را بهمان سهر سهر در شیب  
بیل از عمل. حوز تمام کار. آنجا در آنجا  
شده بود. مثلا آنجا در آنجا در آنجا  
شود. بودیم در آنجا در آنجا در آنجا

سپهران یکی از رهنمای بود  
و آنجا در آنجا در آنجا

بطوریکه در بامداد  
و آماده بود  
رفتا

محل موقوف حرکت کردند بر طبق پیش بینی  
 سلسله سرد حرار چهره نشان رد و در حالی  
 که عداوت را برین حیزد و لاس سازما ی  
 پوشیده بود بسمت داسی که برایش گسترده  
 بود هم حرکت کرد با او را بعد بد هم ولی زاویه  
 رویت او نسبت بنا بسته بود و نمی توانست  
 علی رقم غوثیاری و دقت بسیار تر متوجه دام  
 شود با حرکت او علائم و اشارات مخصوصه  
 بین رفتار و بددل شد و رفیق مسئول  
 عملیات که مسلح به یک قبضه سلاح اتوماتیک  
 سبک شنای بود خود را آماده ساخت .  
 جاسوس صا زنان وارد کمیته شد ولی سه  
 محض رویت رفتار و موضوع را فهمید سه  
 باوریکه هنوز در دستر در داخل کوچه پیش  
 نرفته بود که فریادی کوتاه از ته حلق بیرون  
 کشید و با چشمانی از حدقه بیرون زده راه  
 گریز را در پیش گرفت ولی هنوز چند قدم  
 در نشده بود که اولین رگبار مسلسل که از  
 فاصله ۶ متری شلیک شد او را سرزمین  
 افکند و دو سیم رگبار در فاصله نزدیکتر

کاملا بی حرکت ساخت بدنهال آن بسنا  
 فرمان رفیق مسئول رفیق دیگران تیر خلاص  
 را با و شلیک کرد و وی را سوراخ باروس  
 بدی قرار داد تا مدارک و اسناد موجود  
 در جیبهایش را تحلیه کند و سفا عصای  
 سحر و نشر را ضبط کند پس از پایان  
 دقیق تمام کارهای پیش بینی شده رفتار در  
 حالیکه فریاد میزدند سرگ بر شاه برگ  
 بر سازمان امنیت را اعلامیه ها چاپ  
 شده مخصوصاً صحنه را در محل اعدام  
 پراکنده ساختند و از منطقه خارج  
 شدند .

بدین ترتیب به زندگی بسزرگترین  
 جاسوس سازمان امنیت در تمام طسول  
 موجودیت آن خاتمه دادند این عمل  
 هشدار بود به تمام جاسوسان دشمن و  
 به تمام خائنینی که در لباس دوست بد دشمن  
 خدمت میکنند . با شد که تمام خائنین  
 بسزای عملشان برسند و پنجه پر قدرت عدالت  
 انقلابی گویشان را بفشارد .

"با ایمان به پیروزی راهبان"

# اعلامیه توضیحی

## سازمان چریکهای فدایی خلق

### بمناسبت

### انفجار دومرکز عمده

### ساواک

در شامگاه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۳، در مرکز فعالیت سازمان امنیت توسط یک واحد از رزمندگان "سازمان چریکهای فدایی خلق" مورد بمب گذاری و بمب اندازی قرار گرفت. پس از انفجار این بمبها ساختمان این دو مرکز آسیب های سختی برد و جاسوسان سازمان امنیت هشت زده از لانه های خود بیرون کشیده شدند.

در اولین عمل واحد چریکی بمب نیرومندی را در داخل حیاط مرکز سازمان امنیت تهران (طوارک تهران) واقع در خیابان میکده از انشعابات خیابان بولوار الیزابت کار گذاشته. بر اثر این انفجار دروب آهنی عمارت از جای کنده شد و چند تن از سزودوران که در اطراف معابر حیاط مشغول انجام کار ضد خلق خود بودند آسیب دیدند.

در دومین عمل یک بمب نیرومندی زمانی که یک تله انفجاری محسوب میشد در جلوی ساختمان ساواک واقع در خیابان فیروز صالح عربی مجلس سنا کار گذاشته شد و بدینال آن نازنجکی

همه با نفس ساهستان برپا گردید . بذا فاصله پس از اعمار نارنگه ، ما حیران دشمن در  
 حللن درت بر روی سلحطان ساواک که در آنها براندان دام گمگنره شده بود جمع شدند .  
 ما حتی بعد بعب رطبی درست در واس سلحت پیش بینی شده عمل کرد و آسپ های شدید ی  
 به افراد دشمن وارد ساخت . شدت اعمار به حدی بود که دشمن برای چند روز مجبور در حر  
 در حیاتان هر روز را صوب اعزام کرد تا سواد حراسی های حاصله را ترجم نماید .  
 پس از انجام این عملیات صرفقت آجیز ، واحد چریکی به سلامت به پایگاه خود مراجعت

### توضیح

این عملیات در تاریخ ۲۷ اسفند ماه که نایب نر ماران شدن سیزده تن از رفعاها بود  
 انجام گرفت . در ۲۷ اسفند ماه ۱۳۴۱ رزیدگان "دسه" جنگ "از سازان ما کما سرود  
 در اراضی خود در کوهستانهای سياهگل گناز عوارزات سلحانه" نرس خلق صیبن ما را اعلا م  
 کردند تهر باران شدند . این روز در جهان انقلاب صیبن ما روز "حصانه" خون "نسام  
 گرفته است . با اینکه نیروهای سرکوب دشمن در این روز پیش از همیشه انتظار ضربه خود در ن  
 از طرف ما را داشتند و پیشتر همیشه آماده و بسیج شده بودند با حطه "عالمگیرانه" ما  
 مواجه شدند و نتوانستند از وارد آوردن ضربه جلوگیری کنند . این پیروزی بار دیگر شکست  
 پدید بر دشمن خلق را در مظاهر قدرت صلح خلق نشان میدهد .

ما این عملیات را به پاس بزرگداشت همه رفقای شهیدی که در اسفند ماه ما لاسپای  
 ۱۳۴۱ و ۱۳۵۰ در راه مبارزه با دولت ضد خلقی شاه و آزادی خلق نحت ستم صیبنما ن  
 تهر ماران گردیدند "عملیات شهیدان اسفند" نام گذاری کردیم . ما خاطره ی رفقای شهیدان  
 را حدس میداریم و به خون پاک وی الاین آنها سوگند یاد می کنیم که انتقام ظلم و سنی را  
 که بر خلق روا جنود از دشمن باز ستاییم و نا نابودی کامل آن از پای نشینیم .

### طبقات انفعالی در سر اگس سازبان اضیت به چه منظور صورت گرفت ؟

#### هم چنین

همه ما میدانیم که مهین با کدور شوختندی است. ما دارای مهارت، نفت، مس آهن، طلا، و بسیاری فلزات گران قیمت دیگر هستیم. ما زمینهای حاصلخیز بسیاری داریم. ما جنگلها و مراتع وسیع داریم. پس چرا اکثریت مردم ما در فقر زندگی میکنند؟ چرا مرد کارگر حتی کفاف خرجش را نمیدهد؟ چرا کمر دهقان ایرانی زیر بار قرض خود شده و مجبور است برای پیدا کردن یک لقمه نان آواره شهرها شود؟ چرا مملکت و کارشدان همیشه بگراں فردای خود هستند و کرایهخانه های سرمایه آور و زندگی ضایع آنها را همیشه قروض تنگ میدارد؟ چرا به حقوق حقه کسبه و پیشه وران دست اندازی میکنند و روز بروز مرد آمد آنها را می بندند و آنها را به ورطه کمنگی میکشاند؟ علت اینها رو شن است زیرا شاه وطن فروش دست سرمایه داران خارجی را در مغزات شوتهای مهین ما باز گذاشته است. دولت شاه در کارخانجات با احتیاط ترین شیوه از کارگران ایرانی به نفع سرمایه داران خارجی و شرکاء ایرانی آنها کار میکند و نقل برای اینکه کارگر از گرسنگی نمیرد و باز هم بتواند بسکات کردن برای سرمایه داران ادا دهد مزد بخور و نمیری باو میدهند. دولت شاه مزد و دروسنها بهترین و حاصل خیزترین زمینها را از دست دهقانان خارج کرده و به شرکتهای خارجی واگذار میکند و از طریق شرکت تعاونی دهقانان را وادار به خرید کردن شمشاسنی خارجی و صدور خارجی و دیگر کالاهای خارجی میکند و باین ترتیب روز بروز بیشتر آنها را به زیر بار قروض مجبور میکند.

در ضمن طبقات خلقی شاه کارمدان را با مسائل زندگی خارجی تضییع که بسیار گرانتر از قیمت معمولی تمام میشود همیشه به دیگران میدهد و هر رشته از کسب و تجارت را که نفع قابل توجهی



داشته باشد در اختیار و انحصار خودش بگیرد و باین ترتیب کسیه را به ور شکستگی می‌تواند دولت شاه همه این حمایتها را تا نکند به سر نبرزه ارتش برود و سازمان جاسوسی خود "سازمان امنیت" انجام میدهد. بعدی در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ که خارجه ها بوسیله شاه و وطن فروشی حکومت ملی دکتر صدق را از سر برود و ارتش و پلیس شاه مردود را روز به روز بیشتر تعقیب کردند و در سال ۱۳۲۶ هم سازمان جاسوسی امنیت را تشکیل دادند. این اداره هم که در آغاز بوسیله کارشناسان جاسوسی آمریکا و انگلیس به وجود آمد هم اکنون با کارشناسان جاسوسی اسرائیل هم همکاری مستقیم دارد. کار سازمان جاسوسی امنیت اینست که هرکس از هم میمان ما، کتر کرده دهقان، دانشجو، معلم، کارمند یا کاسب بخواهد حق خود را از دولت شاه بگیرد جوانش را با سیدید در زندان و شکسته بدهد. سازمان امنیت هیچکس سعی میکند با ایجاد ترس و وحشت و بد بینی و بی اعتمادی بین مردم از اتحاد مردم جلوگیری کند. جمانهایی که این اداره جاسوسی ضد مردمی در حق خلق میبین ما کرده آنقدر زیاد است که شرح همه آنها در یک کتاب مضمحل هم نمی‌گنجد. برای روشن تر شدن واقعیت همین قدر کافی است که بگوئیم دولت شاه اکثر حمایتها را با کمک و شرکت مستقیم این اداره جاسوسی منفرد انجام میدهد.

خانه گردی های اخیر در تهران مان سوزن از تجاوزهای بی شرمانه دستگهای پلیسی شاه به حقوق مردم بیس ماست. در طی این خانه گردی ها، ماموران مسلح سازمان امنیت و پلیس شاه نیبه شبها به خانه های مردم یورش می برند. در این یورشها مال و جان و ناموس مردم ما از وحشی گری های ماموران خود فروخته شاه در امان نیست. باورین طبیبها در نبال چیریکها میگردند ولی به گفته مردم برای یافتن چیریکها لایلهای کتابها را جستجو میکنند. باین ترتیب آنها حتی حاصلین بسیار جوان را به جرم داشتن کتابهای رفیق صمد

صد بهرگز معلم دلم در ای آذربایجان دستگیر کرده و به سازمان امنیت میزند .  
 نمونه دیگر از زیرکونی های دولت شاه علم کردن حزب سخره رستاخیز است . واقعیت  
 اینست که دولت شاه که خود را ما بوجی از جارات غنم و ظالم خلق رو در رو دید و است .  
 سعی می کند خفقان را تشدید و کنترل خود را بیشتر نماید . ایجاد حزب سخره رستاخیز  
 که به گه مردم عضویت در آن مثل دانش شناسنامه عجوی و احصای میباید نمره ای است .  
 که انصاف برای رسیدن به این هدفها بد آن دست زده است . شاه خواهد بازو و نهیدند  
 سازمان امنیت هند را دادار به عضویت در این حزب کند . در تصور میکند با این کار میتواند  
 تظلم مردم را تحت کنترل خود در آورد ، و مانع هرگونه حرکت مخالفی شود غافل از اینست که  
 بسازند مهارتین و استغنی که بظاهر عضو حزب شده اند و همسان به مهارتی انقباضی خود  
 ادامه میدهد . باین ترتیبی میباید که شاه با این ناپس های سخره نمیتواند بساطت حکومتش  
 را حفظ کند و مانع حرکت انقلابی مردم شود و این دلیل حملهها فقط میتواند امریست  
 تلتانهای مذموبانه و بیپرده او نثار بجاید .

دولت محمد رضا شاه ، ضمن فروش مثل تمام دولتهای نوکر بیگانه از اتحاد و پیوستگی مردم  
 میترسد ، زیرا بعضی مبادی چنانچه مردم با یکدیگر متحد شوند ، دیگر قادر نخواهد بود  
 این چنین اتحادی را سرکوب کند و بساطت حکومتش با مهارت طرانی و ضنک مردم برچیده  
 خواهد شد . بهین جهت سعی میکند بطرق مختلف مانع از این امر گردد .

یکی از شیوه های او برای جلوگیری از اتحاد مردم ناموس سازمان امنیت ایجادند آنها  
 متعدد ، تشکیک و نوباران کردن مهارت است . حکومت شاه تصور میکند عنوانه باین طریقی  
 مانع از اتحاد مهارتین شود ولی عملاً بیبندگی که با وجود تمام این وسائل گروهها و سازمانهای  
 متعدد در از انقلاب چون به مهارت خود ادامه میدهند . سازمان ما : سازمان چریکهای فدائیس  
 خلق نمونه درخشانی از این گونه اتحادهاست .

ما حرکیکی‌های فدائی، خلق کد فرزندان شما مردم زحمتکش هستیم در آغاز تنها با نیروی ایمان و اتحاد خود کردیم. جمع شدیم و اکنون پس از ۴ سال مبارزه توانسته ایم آنقدر قدرت یابیم که در ذوق سال ۵۳ در عمل سلحمانه‌ی مرفقت آمیز انجام دهیم.

ما با حطاب خورد به ساختمانها و مراکز سازمان امنیت، پلیس روانداری و همچنین اعدام ما صریح امیتی و جنایتکار دولت شاه در حدیث به دشمن مردم زحمتکش ضربه میزنیم و باین وسیله حمایت خود را از مردم زحمتکش میهن ما اعلام میکنیم. ما با نبرد دایمی که به دولت شاه میزنیم بخصوص با ضربه هائی که بد نیروهای سرکوب دشمن وارد می سازیم عملاً نشان میدهیم که دولت شاه آنقدرها هم که ادعا میکند قدرت ندارد و عهد در مقابل پراکندگی و عدم تشکل نیروهای خلق است که میزنند قدرت نمائی کند.

ما ایمان داریم که بالاخره در ریت جنبش طولانی همه مردم را بر علیه دولت شاه تحسید خواهیم کرد و با نکت همه زحمتکشان میهنمان دستاورد ظلم رستم دولت شاه را از میان خواهیم برد و حکومت مردم را برقرار خواهیم کرد. حکومتی که در آن دست غارتگران خارجی قطع میشود، حکومتی که در آن هر کس که کار میکند حق خود را میگیرد و در آسایش و رفاه زندگی عیقت و حکومتی که در آن از شرتهای میهن ما همگان بهره مند میشوند.

مطلوبات عرفیت آمیز و ضد مردم ما بخصوص نشان میدهد که حکومت شاه حتی آنقدر قدرت ندارد که سازمان ما را که نمونه‌ی کوچکی از اتحاد خلق است از بین ببرد تا چه رسد به اینکه بخواهد اتحاد تمام نیروهای خلق را سرکوب کند.

ما با عملیات سلحمانه خود در سال گذشته بارها و بارها ناتوانی دشمن را در مقابل اراده انقلابی خلق نشان داده ایم.

۰۱ در ۲۰ مرداد ماه ۵۳ محمد صادقی فاتح پیرو صاحب جنایتکار کارخانجات جهان جیت را اعدام انقلابی کردیم . این عمل با انتقام خون بیض از ۲۰ تن از کارگران زحمتکش کارخانجات جهان جیت صورت گرفت . کارگران مبارز جهان جیت در اردیبهشت ۱۳۵۰ بخاطر کمی دست مرز دست با اعتراض برده بودند ، که به دستور دولت شاه که حامی فاتح و نظام سرعاید داران است توسط ژاندارمهای مزدور بگلوله بستند .

۰۲ در ۹ دیماه ۵۳ سرگرد علی نقی نیک طبع شکنجه گر معروف و سر بازجوی سازمان امنیت و یکی از کثیف ترین و ضغفورترین مأموران امنیتی دولت شاه اعدام انقلابی شد و بعضی که در انحصار او بعنوان دام کار گذاشته شده بود و نفر دیگر از مزدوران را به حلاکت رسانید .

۰۳ در ۱۹ بهمن ماه ۵۳ پاسگاه گروهان ژاندارمری لاسیجان ( مرکز ضبوع پاسگاه ژاندارمری سیاحکل ) در جریان یک عطیای نفوذی بمب گذاری شد که در اثر انفجار حاصله چند خود روی دشمن از کار افتاد و شخصی از پاسگاه متلاشی شد .

۰۴ در ۱۹ بهمن ماه ۵۳ در پاسگاه ژاندارمری سلیمانیه تهران بعضی ضفجور گردید .

۰۵ در ۲۱ بهمن ماه ۵۳ بمب نیرومندی در استانداری خراسان ضفجور گردید .

صفحه ۸۹ ————— نبرد خلق ————— شماره: ششم  
۱۶ در ۲۲ بهمن ماه ۵۳ به سرآمدی که در شهرهای مابل کار گذاشته شده بود ضمیر  
گردید و بعلت تخریب لفظی از ساختار شهربانی و خروج شدن یکی از عناصر  
دستگیر شد.

عملیات ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۵۳ بهاس بزرگداشت سالروز رستاخیز میانسفل  
( سالروز آغاز مبارزه صلحانه نوین خلق ایران ) انجام گرفت .

۱۲۰۷ اسفند ماه ۵۳ سروان بداله نوروزی مزدور ، رئیس کار دانشکده صنعتی و  
عوامل مهم مرکوب دانشجویان بهمن پرست اعلام  
انقلابی گردید و انجمنش به آتش کشیده شد . این عملیات با  
وحشیگری های ایس سرور نسبت به دانشجویان ما روز  
بهمن صورت گرفت .

۱۱۰۸ اسفند ماه ۵۳ عواملی شهربانی بزرگترین جاسوس  
نارنج سازمان امنیت که به اسلامی ۵۰۰۰ مرد هزارچهره  
سرور پرورد اعلام انقلابی شد . او کسی  
بود که سالهای سال نفوذ جا سری و حیانت  
نسبت به چهار زمین منطقه ی خوار میانسفل بود  
که بالا خوره توسط چهر یکها برای تسنگینش رسیده .

شماره ۸۵ - سرد خلق - شماره ششم

۱- ۲۷ اسفند ماه ۵۳ در ساختمان مرکزی سازمان امنیت تهران ( ساواک تهران ) بمب  
بررسی شد که بمباران زیادی به بار آورد .

۱۰- ۲۷ اسفند ماه ۵۳ یکی از مسراکز سازمان امنیت واقع در کویچه مورد ضلع غربی  
مجلس سنا با نارنجک دستی مورد حمله قرار گرفت و مابقی بعد بمب نیروی در مقابل  
در این مرکز ضحج شد که بمباران زیادی به بار آورد .

شهریه گسستنده تبر باد چسار زه ی صلحاه خلق ایران  
هر قسوار باد اتحاد خلق یا چسار کسپای انقلابی خلق  
نسا بسود بسا د مسازمان ضفسر اضیست  
نا بسود باد دولت ضد خلقی وضد کارگسری عهد رضا شاه وطن فروش

" سازمان چسار کسپای فدائی خلق "

# اعلامیه صحنه

## طرح «رفیق مجید احمدزاده»

هسزفن!

با بیرونهای عدائی خلق "در راه" رهائی سرد، ز دستکش خود چهار زه حکیم ز میفراهیم  
درش بدو، آنای برای بیرون راندن سرمای داران غارتگر خارجی و تا بود کوس و ز ی—  
دست شانده آنان در ایران به دستکم .

بر درون سازمان اشقیاء در پلیس صد مردی شاد، حاش با رحمتیگری تمام، بگویند تا بود م  
را در برابر، نمایندهای شاد، سرد بر ساکت ننهد ارنده و برای سر آوردن اس، مطهر پلیس  
کرد عزیزان، چهار زه آگاه، دل را سزندان می اندازند و شکند میدهند و تر ماران بکنند .  
سروان بداده نودوزی بیکر، از همین بز درون بود: او یکی از روشم، نریس و مغز نوسوی  
انسان نارد و اشکاف، نمانتی سرد که، بخاطر مرکوب ندلا، نواب حقوق، طلبانده داشتند  
برائبریه، هر حمایتی سرد، اس صابنکار از نمانتی، اهانت و طعنه، سروان مسازر  
داشت: و سزائانی بدانت ز بار، اما مشرقی، و حنوان سارر دانشجو را سرد، سرد  
ختم فرار مدان . این، امر بکنم که در ارساط مستقیم با سازمان احد و نمانت مسسور  
ارهدنکره خجش خده، و روزم شاد حاش مردگدار سرد او خاطر پاک اس رضتان دادن  
نوکر صفتی، در تن در ماه گذشته، بد و اشجعی مترن به دولت شاه را نیز انقوصل گام  
دا، که حرکت، سه که طوق گزارشات، رسمیه، سه ساز مکن ما

شماره ۸۲ - ... سرد ...

این دانشجو، قهرمان در پیروان نامیده شده است.

سازمان، آنگاه از نزدیک در جریان فعالیت و مطالب دستاورد دانشگاه، اقرار داشت که ما نموده به رخصت‌ها در سی حوضهای اس سردی در هر دانشجو، سازمان را با مدافعت، نه به معنای اعداد انگلی از گرفت و آن حد را محرومان اسردر سردی احراز گداشت.

جلسه زنده شدن ایران!

راوی، جزو اول گروه در میان حیات و در کشورهای بنا، اس قابل سجا، مناسب در سردی و در ندارد در دستگاه در اس راه هم سجاد اسم، باشد که خبر با خبری و اس پیانو را ناپیورزی سبانی بیان کند.

خبرس - جزوات - ...

این است: امس خیلر، مسافت و ...

"زنده باد مبارزه علیه فساد خاسر ایران"

"مردم سراسر ایران را بسازیم و سرگرمی"

"کندرتی بر ساد جنبشهای فکری دانشجویان"

"سازمان ساد حیات، شهید ای، دانشجو"

"سازمان سرگرمی به ائس مجلس"



# اعدام انقلابی

سروان یدالله نوروزی

یکی از فرماندهان مزدور گارد دانشگاهها

اطلاعه

در ساعت ۶/۵۰ دقیقه با اعدام روز دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۵۳، سروان یدالله نوروزی فرمانده مفسر گارد دانشگاه صنعتی نوسطیک واحد اوزریتنگان سازمان چریکهای فدائی خلق اعدام گردید.

رفقای واحد عملیاتی، هنگامیکه مزدور خائن با اتوبوس در حال خروج از خانه اش واقع در منطقه نارنگ تهران بود، او را به رگبار مسلسل بسته و پس از شلیک تیر خلاص اتوبوس را به آتش کشیدند. سپس رفقا اعلامیه های توضیحی را که ویژه بخش در صحنه عطیات تهیه شده بود، پخش کردند و با شمارهای مرود به دانشجویان مبارز و دانشجویان شهید "، مرگ بر شاه خائن" منطقه را ترک کردند و به سلامت به پایگاه مراجعت نمودند.

این عطیات که درست نظارن با سالروز تیربارانهای رفقای ما در سال ۱۳۵۰ به صورت

اجرا درآمد ، "علیات رفیق" مجید احمد زاده ، نام گرفت ، رفیق مجید احمد زاده که در اسفند ۱۳۵۰ توسط دولت موزه و شاه تیرباران شد ، اولین دانشجو بود . دانشگاه صنعتی بود . ما از مدت‌ها قبل در هم داشتیم که در جواب پیشبرگروه‌های گارد دانشگاه نسبت به دانشجویان هارز متقابلاً ضربه‌ها می‌زدیم ، این موزه و اردویم و به این وسیله حمایت مسلمانان و به‌دین خود را از بهارزادگان دانشجویان میهن مان اعلام داریم ، از این جهت حکم اهدای ام این موزه و خود فریخته ، یکی از خوش خدمت ترین و مطربترین مهره های گارد دانشگاه را در دانشگاه انقلابی خلق صادر نمودیم و بالاخره در سمرقاه نیز دوازده اسفند اجرا کردیم .

" سازمان چریکهای فدایی خلق "

اتحاد سارو به پیروزی

پس از آغاز رستاخیز سیمک و طرح مسائل سیاسی از جنبی در جامعه ایران ، دانشجویان مرفقی و آزادیخواه میهن با نیز تحت تاثیر شرایط ذهنی ایجاد شده واکنشهایی کاملاً سیاسی و انقلابی از خود نشان دادند . بدین ترتیب جنبش دانشجویی با ابعاد وسیعتر و کیفیتی کاملاً تازه ، در رابطه با حمایت فعال از بهارزادگان ، نفعی ، رو به گسترش نهاد .

مجموعه جوانان دانشگاهیان سراسر ایران رژیم پهلوی شاه را در زمینه گفتگو در دانشگاه با مسائل و مشکلات جدیدی مواجه ساخت . دانشگاه پلیسی با شماره های متعدد دیگر قادر نبود از این نیرو سازد در حال رشد دانشجویان جلوگیری کند . لذا رژیم شاه ضرورت ایجاد یک سیستم پلیسی علنی و پایداری در دانشگاه ها بشدت احساس

میکرد ، تا بلکه بتواند از تظاهرات و اعتراضات شدید دانشجویان عملاً جلوگیری نماید .  
 بدین منظور در دومین کنفرانس با اصطلاح آموزشی راسرکه در تابستان سال ۵۰ تشکیل  
 شد طرح ایجاد گارد ویژه دانشگاه ها به منظور کنترل و سرکوب مداوم جنبش دانشجویی  
 به تصویب رسید و شاه خائن این امر را از طریق محاسبه مطبوعاتی به همگان اعلام کرد .  
 گارد ویژه دانشگاه ها با استفاده از مأمورین معلیم دیده گارد شهرتانی تشکیل شد و در اول  
 مهرماه سال ۵۰ عملاً فعالیت خود را آغاز کرد . بدین سان حرم مقدس دانشگاه های  
 میهن ما توسط مزدوران چکمه پوش گارد شکسته شد و کلاسهای درس زیر کنترل مستقیم  
 پلیس گماش یافتند . بار دیگر رژیم دیکتاتوری پلیسی - نظامی شاه خائن چهره صفی  
 بخود را آشکارا نمایان ساخت و صفحه ننگین دیگری بر کتاب جنایات خود افزود .

رژیم شاه خائن گذشته از شیوه تهاجمی اشغال دانشگاهها که نوجوی تهدید مداوم  
 ای دانشجویان آزادخواه و ترقی تلقی میشد از شیوه تطمیع و فریب نیز استفاده کرده -  
 بدین ترتیب که با دادن وامهای مختلف به دانشجویان تحت عنوان کمک هزینه ، وام  
 مسکن ، و ... میکوشد آنان را تسمت به وضع موجود راضی نگهداشته و از دفاع به حقی  
 دانشجویان به حقی پایمال شده خلق خود جلوگیری نماید ، و با فراهم کردن امکاناتی  
 در جهت تفریحات ، تفریحات ، تحصیل ، دانشجویان را از صایبل مبارزاتی دورسازد و سطح  
 فکری و سیاسی انقلابی را در دانشگاه ها کاهش دهد .

عکس العمل دانشجویان مبارز میهن ما در مقابل شیوه های تهدید و تطمیع رژیم ،  
 مقابله جویانه و دندان شکن بود .

سیستم منظور پلیس گارد دانشگاه ها از همان ابتدای تشکیل با نفرت و خشم شدید  
 دانشجویان دانشگاه های ایران مواجه گشت ، و علیرغم اختناق موجود ، دانشجویان مبارز

با حمله با افراد و تأسیسات گارد ، اعتراضات شدید خود را نسبت به برقراری سیستم پلیسی در دانشگاه ها ابراز داشتند .

در حقیقت استقرار دائمی پلیس در دانشگاه ها که بمنوان یک ... میرد اطمینان آرام سازی روی آن حساب میشد نه تنها سطح فعالیت مبارک ... گاهش نداد بلکه خود به عاملی در جهت افشای ماهیت رژیم مزدور تبدیل گردید ، و توده های دانشجویی را بیش از هر موقع علیه رژیم به حرکت درآورد . دانشجویان با خشک کردن صفوف خود در جهت مبارزه با گارد دانشگاه گاهی موثر جلو برداشتند و شمار اتحاد ، مبارزه ، نیروی فضای دانشگاه های میهن ما را آکنده ساخت و بدینسان بار دیگر فتنه گریهای رژیم با شکست مواجه گردید و به رسوائی کشیده شد .

### سروان نوروزی کسه بسود و چرا کشته شد ؟

سروان بداله نوروزی یکی از زنده ترین افسران گارد هووه شهرانی بود که بمنظور آماده گویی بیشتر ضد انقلابی ، در چند سال پیش از جانب دستگاه شهرانی به امرگسا و ژاپن فرستاده شده بود . این نورچشمی انتحالی دستگاه شهرانی پس از مراجعت از خارج به فرماندهی گارد دانشگاه صنعتی برگزیده شد تا تعالیم ضد مردمی خود را کسه از اهل ایتهتها آموخته بود بر علیه هم وطنان خود بکار گیرد .

سروان بداله نوروزی یکی از وحشی ترین و ضحیفترین افسران گارد دانشگاه بود . او در جریان تظاهرات حق طلبانه دانشجویان ، در اول صف مأمورین گارد ، در حالیکه به سپرد کلاه نبود مجبور بود بدانشجویان حمله میکرد و آنان را مورد ضرب و شتم قرار میداد . بطوریکه در جریان یکی از حملات گارد به دانشجویان مبارز دانشگاه صنعتی ، دانشجویی بنام ... انوبیل نظامی گارد رفته که طبق اطلاعات واصله بشهادت رسیده است . هم چنین در مورد

تأییدی و استجوبی که قصد فرار از مقابل باطوم بدستهای گارد را داشته در خیابان مقابل  
دانشگاه بنیر انجمنی رفته و خنثی گردید.

سروان نوروزی بزور از فحاشی و اجابت و حمله بدختران جبارز دانشجو نیز ابائی نداشت  
گذا اینکه بارها شخصا دختران جبارز دانشجو را با باطوم مضروب ساخته و دستگیر میساخت،  
این افسر ظفر همچنین در ارتباط مستقیم با سازمان امنیت فعالیت میکرد و دانشجویانی را  
که جزو لیست فرستاده شده از کشته باصطلاح ضد خرابکاری بودند دستگیر ساخته و تحصیل  
مزدوران نصیته میداد و در این زمینه از عیج خوشحدهتی فروگذار نمیکرد.

عکس العمل دانشجویان دانشگاه صنعتی به پیروی از تاکتیکهای نهجی و تعرضی جنبش  
پسین خلق ما با این افسر مزدور مقابله حیوانه و قاطع بود، بطوریکه یکبار او را شدیداً مورد  
حمله قرار داده و مضروب ساختند و هیچگاه تسلیم نیایلات و دستورهای این مزدور نشدند.  
سازمان ما که از نزدیک در جریان فحاشی و مظالم دستگاه گارد دانشگاه ها قرار داشت،  
با توجه به وحشیگیها و بی حرستی های بسیار این مزدور که در حق دانشجویان مبارز مسا  
و میداشت او را در یک دستگاه انقلابی محاکمه کرده و به مرگ محکوم نمود و حکم اعدام  
در روز مقرر در مورد او اجرا درآمد.

حریان رشد روز افزون جنبش دانشجویی در رابطه با رستاخیز "سیاهکل"

ظاهیر سیاهکل - تعمیرات کیفی در جنبش دانشجویی میهن ما وجه ام  
تجربیا که ما می بینیم در راه مبارزه با رژیم فاشیست انقلاب  
..... نظم شعارها و جاربازات خود را ارتقا بخشیدند. کتبه شدن تظاهرات بود و در  
دشگاه ما و طرح شعارهای کلاسی و مترساده که به حمایت آشکار و صریح از جنبش

بدان صورت گرفت نشانۀ بارز این تغییرات کیفی میباشد .

بدنبال حمایت بیدریغ نیروهای آناه دانشجویی از جنبش صلحانه ، رژیم شاه سنت پوست افتاده و حلات و خشیانه ایرا خا ، دانشجویان مبارز ما سازمان داد و در جریان دستگیریهای وسیع از سال ۵۰ به بعد هزاران دانشجوین مبارز را زندان کشید و مورد آزار و شکنجه و بی حرمتی قرار داد .

ولی با این همه آزار و شکنجه ، دانشجویان مبارز مهین ما با قنارت تهرانانۀ خود از مفاهیم انقلابی رستاخیز سیاهکل پا بنداری کرده و همچنان به پیشروی در راه رهائی خلق تحت ستم خویش ادامه میدهند ، و سررزی که میگردد بوج جدیدی از دانشجویان بهار زات نوین خلق عیببوندند و شرایط بهتری برای رشد و گسترش مبارزه فراهم میآیند .

دانشجویان شرقی و انقلابی ایران تحت تعالیم جنبش نوین خلق ، مبارزات خود را گسترش داده و از چهار چوب دانشگاه ها خارج ساخته اند . در سال اخیر ما شاهد اقدامات بسیار مثبت گروه های دانشجویی بوده ایم که با رفتن بجان مردم و طرح شعارهای مناسب در تأیید جنبش صلحانه ، توده های مهین ما را با مفاهیم استثنایی رستاخیز سیاهکل آشنا کرده اند .

بدین ترتیب دانشجویان مبارز و شرقی همگام با پیشاهنگان کارگری جنبش غلز ، مبارزات خود را بسطع توده ها نزدیک کرده و بررزه فعالیت توضیحی خود را بر روی کارخانجات متمرکز مامند . برگزاری تظاهرات موعومی در جاری کارخانجات و موعومی ترغیبی خلقی هر نشانۀ افتخار تاکتیکهای نوین و شرقی در جنبش دانشجویی است که از این تاکتیکها بیابست در ارتباط با عمل تگال یابد و در سطح جنبش دانشجویان ایران تکرار و پیونسد . دانشجویان شرقی را با پیشاهنگان پرواتری جنبش خلق روز بروز بیشتر گم تر مارد .

دانشجویان بارز مهین ما در راه اجرای تاسکیهای توضیحی - توده ای ، در ارتباط با جنبش سلحشانه عملا ثابت کرده اند که حاضر به هر گونه فداکاری و جاننازی میباشند . نمونه ی بارز آن دانشجویان قهرمانی هستند که در راه اجرای آرمانهای جنبش خلقی از جان خود نیز گذشته اند و حتی با دست خالی بهارزه ادامه میدهند .

رفیق دانشجو حمید خلیلی ، دانشجوی قهرمان دانشکده علم و صنعت که در تظاهرات موضعی خیابانی شهادت رسید و هم چنین رفیق دانشجوی قهرمان از دانشگاه صنعتی کسکه هنگام تظاهرات زیر ماشین گارد مرز در دانشگاه شهید گت گواه بارز این عدا میباشند .

### آخرین توطئه بر علیه دانشجویان مهین ما

اخیرا دولت شاه دست به توطئه ای جدید بر علیه جوانان دیپلمه و دانشجویان دانشگاه های ایران زده است . دولت اعلام کرده است که کسانی که در کشور دانشگاه های نراتشان بعد نصاب مهین برای قبولی نرسیده است در صورتیکه با استخدام ارتش درآیند در دانشگاه ها پذیرفته خواهند شد .

باین ترتیب دولت به جوانان دیپلمه امتیاز تحصیل در دانشگاه را میدهد بشرط آنکه یوغ مزدوری ارتش را برگردن گیرند و اجبارا در راه مقاصد بیگانگان وارد خدمت پلیس و ارتش بشوند . در حالیکه این حق طبیعی این عده از جوانان است که شرایط تحصیل در دانشگاه ها برایشان مهیا شود .

اگر دانشگاه ها برای کسانی که به خدمت ارتش درآمده اند جای خالی دارد پس بدون آنکه بخدمت درآیند نیز جای خالی برای آنها خواهد داشت . صافه ظرفیت پذیرش دانشجویان

در دانشگاه‌ها ربطی به پذیرش مزدوری و بیم نباید داشته باشد ولی دولت شاه از طرفی با ایجاد لهتبار برای دانشگاه‌ها ظرفیت آموزشی را افزایش داده ولی تعداد دانشجویان قبول شده در کشور را افزایش نداده است و آنگاه مؤذیان به بقیه افرادی را که بطور طبیعی باید وارد دانشگاه شوند بطور مشروط و آنهم شرط مزدوری ارتش و پلیس وارد دانشگاه میکند. باین ترتیب محیط دانشگاه‌ها را از درون نظامی و پلیسی میکند و از دانشجویان متمهد خدمت بعنوان یک فرد نظامی میخواهد که عامل اجرای مقاصد پلید او در دانشگاه‌ها باشند و باین ترتیب در بین دانشجویان تفرقه میاندازد و از سوی دیگر عده‌ای تخصصی برای رفع احتیاجات خود تربیت میکند طبعا تحمل چنین اوضاعی برای دانشجویان دانشگاه‌ها قابل قبول نیست و نمیتوانند رفتار افراد بپرا که بعنوان "مامور معذور" در کنار ایشان نشسته اند تحمل کنند. همنا این شرایط روی دانشجویان تحصیلی نیز اثر میگردد و اینان را که فریب توطئه دولت شاه را خورده اند و امیدارند که برای حفظ موقعیتی که ظاهرا با کرم بخشی از طرف دولت بایشان عطا شده است کوشش نمایند و همین امر تصادماتی را میان دانشجویان واقعی و دانشجویان تحصیل آیهباد میکند.

اخیرا دولت شاه با توجه بروحیات دانشجویان تحصیلی و اشتیاقشان به ادامه تحصیل در دانشگاه و تبلیغ روی این مسئله که دانشجویان واقعی مانع رشد و تحصیل ایشان نمینند میگوید اختلافات فی مابین را دامن زده و با فرسودن عده‌ای رجاله و چاقو کش در صفوف ایشان آنها را بر علیه دانشجویان حلق طلب تحریک نماید.

طبعا اطلاعات رسیده اخیرا در دانشکده پزشکی چند تن از رجاله‌های سازمان امنیت که خود را در لباس دانشجویان تحصیلی حازه بودند یکی از طوافین حقوق صنفی را در دانشکده‌ی پزشکی با چاقو مطروب کرده و دست به تخریب و انهدام فدا خستری



آنکه به پیمان و... با جمیع و داد در محوطه دانشگاه برآه افتاده و با حمایت  
این تالیف... که... چارچوب شاه داده اند و باین ترتیب بی احتیاجی شدید ی  
است بدان... این... برست و مخالف بیگانه کرده اند. ساء ای که قابل ملاحظه  
باشد این امری که دانشجویان تحلیلی فکر میکنند دانشجویان هارز دانشگاه با ادامه  
تحصیل آنان... در حالیکه بهیچ وجه اینطور نیست بلکه دانشجویان هارز دانشگاه  
با پذیرش... از جانب اینان مخالفند و معتقدند که ادامه تحصیلاتشان به ادامه  
جزیره... ندارد. دانشگاه برای این عده از دانشجویان حامی خالی دارد و اینسان  
در... که از خدمت از سرکاره گیری کنند با حمایت دانش... و یان هارز میتوانند با ادامه  
تحصیل در دانشگاه بپردازند. البته رجاله های چاقو کش با حیثیت از جانب دانشجویان  
مواجه بوده و عمیقاً متعجبان برای برای آنان در دانشنام... بچوب نخواهد داشت.

سازمان... حمایت... ویدریع... را از حبش... اعلام داشته  
و ضمن آن بدترین اختیارات... که هرگونه... به دانشجویان هارز را با... ی متقابل  
پاسخ خواهد داد و اقدام... در... نیروی... سازمان... بعدی بدستشان  
رود روی... همیشه... است.

ما... تمام... از... بگذریم... و... آهسته  
سپری شده و باید... خلق باشند. سرمایه داران بیرحم و  
زالومت... و... ما... امنیت... ها... سرگردان  
و صاحب... و... و تمام... گلوله های آتشین  
نیرویان... دارند.

دیروز... و تسلیم... و غلغله ما برای آزادی خویش بیا میخیزد و دانشجویمان

مقدمه ۹۲ ..... دوره خلق ..... شماره نهم

توقی در پشاپور، صرف خلق به پیگار ادامه می دهند و مصاحبه این پیگار را تا پیروزی  
خلق و نابودی دشمن دنبال خواهند کرد.

دوره فراوان به تمام نهادهای دانشگاه های ایران  
نابود باد طلحه پاپسی گارد دانشگاه ها  
بر قرار باد پرچم ظلمتین رستاخیز سبک  
بر قرار باد اتحاد دانشجویان انقلابی و توده های رنجبران  
سرگه بر شاه خائن نوکر امپریالیسم جهانی  
پیروز باد مبارزین مسلحان خلق ایران

“ سازمان چریک های فدائی خلق ”

## طوح « رفیق خسرو روزبه »

بالاخره عباس شهبازی ( اسلامی ) سرور هزار  
چهارده سازمان امنیت شاه عباس و یکی از اعضای  
رهبری تشکیلات تهران ( حزب نوزده ) پس از  
سالها خدمت و جاسوسی علیه نیروهای مبارز  
مومنان و خلقهای مبارز مردم و محرابی اعمال  
نفسگینش رسیده و توسط پیشگامان فدائی خلق اعدام شده  
در ساعت ۶/۳۰ بهادار روز ۱۴/۱۲/۵۳ حکم اعدام انقلابی عباس شهبازی جاسوس  
بوسیده یک راهد از رزندگان سازمان جریکهای فدائی خلق بصره اجمرا در آمد ر بدین  
توسب بزندگی یکی دیگر از مزدوران خود فروخته شاه کخاتم داده شد .

اینکه گلوله است که ما بهین خلق و دشمنان داری میکند . سر دوران و حاشین که سالها  
بی همین اندیشه ای در بار انتقام خلق به حرفه ی کشف خود ادا داده اند و با توسل به  
انواع مبلد ها به جاسوسی علیه فرزندان مبارز خلق ما مشغول بوده و در تلاش سازمان امنیت  
و سایر مبلد های مزدور شاه بران سرکشی کردهها و سازمان ای مبارز فعالانه شرکت کرده اند  
و با این عمل مردم پایه های لرزان رژیم اختناق و ضد خلقی شاه حائن را حرامت نموده اند

ابتدای خرد در حقیقتی عظیم فرورفته اند . آنان که صربان مساحت حکومت پلیسی در میهن ما بودند و تصور می کردند با سرکوب هلن صارزنا زندگی آسوده ای بران خود تأمین میکنند دیگر در هیچ جایگاهی نرسیده نخواهند بود . فرهاد خشم آگین خلق ما که از لوله مسلسلهای پیشگامان اسلحه شش بدر میآید نا امن ترین و ناریکترین سرولع لادهای این مرد جوان خود نرورز و ارباباشان نمودن میکنند و طلب چرکین آنان را میکنند .

اعدام انقلابی همایون شهریاری ( اسلامی ) و باهنا بنگفته سازمان اضیت شاه خائنین مرد هزار جهوه که سرگام امروز توسط یک واحد از رزندگان سازمان چریکهای فدائیس خلق انجام شد ، پاسخی بود به حیاسنهای بیشتر او علیه کردنها و سارطسهای صارز بهین ما در داخل و خارج از کشور و ضرباتی که او بر جنبش سرفی میهن ما وارد کرده بود . دشمنین پاسخی بود به دسالتهای جاسوس که او میتوان یکی از پلیدترین مرد جوان ساواک سالها بر تولید خلفهای صارز حزب انجام میداد .

اعدام اردیس میرنی است برای همه مرد جوان و خائنین . آنها باید بدانند که آزاده انقلابی خلق که سازمان ما تجسمی از آنست انتقام سختی را برایشان تدارک دیده است . همایون شهریاری ( اسلامی ) کسه بود ؟

باین شهریاری معروف به اسلامی یکی از فسالین حزب نوده بود که پس از شکست حزب نوده مانند بسیاری از رهبران این حزب به خارج گریخت و پس از مدتی فسالیت در خارج از کشور به آرنایهای خلق پشت بازده و خائنانه در خدمت پلیس جنایت کار رژیم شد خلقی در آمد .

همایون شهریاری جاسوس به دستور کمیته مرکزی حزب نوده در اوایل سال ۴۲ به همراهی همایون دیگر از فعالین حزب به ایران آمد و و تشکیلات تهران را برای فراهم کردن زمینگی فعالیت مجدد حزب برآه انداخت از این زمان به بعد به خاطر داشتن اختیارات و آزادی عمل

دوره ۱۰۰ ..... نبرد غلج ..... شماره ششم  
بیشتر فعالیتهای حاسوسی شهرداری اهداد و سمعگری بخود گرفت و طرقات سنگینی بر سر  
بیکر جازین صادر ۳. وارد آورد .

در سال ۴۳ هنگامیکه دیگر اعضای رهبری تشکیلات نهوان مقاومتند برای تماس با  
کینه مرکزی حزب در خارج ، از سوز عبور کنند پلیس توسط او از جریان مطلع شد و دمه را  
دستگیر نمود . از این سال بهمد شهرداری بهنوان رهبر اصلی تشکیلات نهوان حزب  
نوده بهعالیته خود بنسج رژیم ضد خلقی شاه ادامه داد . در همان سال شهرداری جامو س  
در آذربایجان و هوزستان نیز شمهگه هایی بنام تشکیلات آذربایجان در تشکیلات جنوب همسراه  
اند لغت . در سال ۶۶ دو تن از کارگران چاپخانه تشکیلات نهوان را که با خود در شترکسا  
فعالیت میکردند به ساواک معرفی کرد و بعلت دستگیری آنهاشد همچنین در همان سال  
مددای ارغنا سر فعال همچنین کروی که خط شوی ساووز سلطانه را انتخاب کرده و بر ای  
آباز مبارزه دست به نهید ا کلمات و تدارکاتی زده بودند توسط شهرداری خائسین  
شاخته و دستگیر شدند .

همان شهرداری این سرور و کثیف تا سال ۶۹ با داشتن عنوان رهبر تشکیلات نهوان  
و جذب به فعالیتهای پلیسی ننگینش ادامه داد و عناصر صادی و ساده لوح را به دام خود  
می کشید و پلیس هم هر از چند گاهی بکک اطلاعی که او در اختیارش میکند است  
فعالترین و پر شورترین این افراد را دستگیر و به زندان و شکنجه میکشید و باین ترتیب  
فصلیهایشان را خشی میکرد همچنین او با کک عناصر ساده ای که در تشکیلات بردنسه  
نور پلیسی اینرا بکسزانند و بد شناسائی گروهها و بیازمان دایمی مبارزه حاسمه و سرانجام  
کشف و دستگیری آنها توسط ساواک می پرداخت اسلامی خائین توانست در طول این سالها  
با مهارت نام دمهانش از بهترین نوزدان مبارز خلق ما را به شکهجه گاهها و زندانهای

گروه

باران روانه سارنگ . بطوریکه در مدت ۹ سال فعالیت تشکیلات تهران ، بهین از همه کوششها اقدامات خود سازمان اضیت این شبکه برای پلیس کار کرد . این مردم به یلید در راهبند با نیروها سازمانهای ، مبارز خارج از کشور نیز برای سارنگ خدمات پر ارزشی نمود است . شناسائی بالبنسرتین این افراد و نفوذ در سازمانها و گدانشن نحای اطلاعات کسب شد و از آنها در اختیار سازمان اضیت از جمله خدماتی است که او در این زمینه انجام میداد . همچنین در تماس با نیروهای ضرتی و مبارز خلخال ، عیب اطلاعات ویژه ای از تاریخ این خاصرت کثیت به باران و سازمان جاسوسی آسریئا ( سیا ) داده شده است بطوریکه علاوه بر یک ماه پیش از طللی " سیا " انجام وظیفه میکرد . سازمان اضیت شادخاش در سال ۱۱ هفتاد یکدیگسری اطلاعات جاسوسی شهرپاری افشا شد ، و برده برای بی اطلاع شان دادن خردش از فعالیتهای شهرمانند شهرپاری و منحرف کردن افکار عمومی بیک سری محاسبات را در پی - تلویزیونی در - در او را بعنوان یکی از فعالترین سیاسی که بر علیه اضیت کشور اقداماتی کرده است محسوران "سرد هزار چهارم" معرفی نمود و با اصطلاح نحوه دستگیری او را شرح داد ولی دیگر چه از رانسی " مرد هزار چهارم " سازمان اضیت برای همه سازمانها و نیروهای مبارز داخل و خارج از کشور شناختند شد و برده آن زمان ها مبارزینی که در شکست تاههای این و قزل قلعه باز داشت بودند این سرد در کیف را که بعنوان ضابطه سازمانها ، شکست گران سارنگ ابدام و تیغیسه بکشد به چشم دیده اند .

از این تاریخ به بعد اسلانی مردم در که به خاطر افشای ما همیشه دیگر بی نواسه - شنی - یه - نیز مبارز را بازو نباید با اذیتها بیشتری شروع به فعالیت نمود و وعدتا بد حربه کتشف جاسوسی علیه نیروهای مبارز منتظف برداشت . اما این زندگی تنگین که خود مردم را نیز دچار دشمنی عظیم کرده بود نمی توانست برای همیشه ادامه یابد .

هر حال می بایست نقطه پایانی بر آن همه خیانت و ریاکاری و پستی گذاشته میشد و چه نقطه‌ای شایسته تر از جای گلوله مسلسل رزندگان سازمان ما در مخزن خائنش میتوانست باشد .

### خلیق منهار زایمان

اکنون چهار سال از مبارزه‌ای که توسط رفقای رزنده ما در جنگل‌های پیمیا هکسل آغاز شد میگذرد ، چهار سال مبارزه بی امان بر علیه دشمنی که با تمامی قوا و امکاناتش در جهت سرکوب جنبش خلق ما مسدود میماند تلاش کرده است . در این مدت با وجود اعمال خیره برای و حیثیانه‌ی سرکوب ، دستگیری‌ها ، شکنجه‌ها و تیرباران‌ها از سوی دشمن جنبش نوین خلق ما با عبور از تمامی موانع و شی‌صالحانه را بعنوان تنها راه مبارزه بر علیه رژیم نژادپسند و اربابان خارجی انترباندت رسانده و این مکتبی سواد قبول کلیه نیروهای مبارز و صادق میهن ما قرار گرفته است .

سازمان ما در چهار سال گذشته بیشترین نیروی خود را صرف تثبیت مبارزه صلح‌آمیز و تحکیم خود در زیر ضربات ستمگین دشمن نمود . روی آوری در دنیا گروه سازمان پیمه از رستما نیز پیمه هکسل به مبارزه صلح‌آمیز و حمایت روز افزون آگاه‌ترین اقشار خلق از مبارزه‌ای که پیشگامان طبقه کارگر آغاز نموده اند ، همگی نشان دهنده تثبیت مبارزه صلح‌آمیز در سطح جنبش نرفیخواهانه میهن ما است .

سازمان ما در جریان جنبش امیری توانست بقای رشد یابنده خود را حفظ نموده و نقش خود را بعنوان تنها سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر میهن ما تثبیت نماید . اکنون سازمان ما به مرحله‌ای از رشد خود رسیده است که میتواند بیشترین نیروی خود را صرف هماهنگی کردن فعالیتها با حواست‌های روزمره نموده و مبارزه صلح‌آمیز را در سطح وسیع تری از اقشار مختلف خلق مطرح کرده و نیروهای آنها را به میدان بکشد . تحت چنین

براه ای سازمان ما از ناهستان گذشته شروع به اقدام نمود . اعدام انقلابی فاسق بزدی سرمایه دار جنایتکار و صاحب کار فاجات جهان و سبب اصلی شهادت ۲۰ تن از کارگران زحمتکش جهان چیت کرم اولین قدم ما در این جهت بود . اعدام انقلابی سرکرد نیکو طبع مزدور شکنجه گر معروف سازمان امنیت شاه خائن در دی ماه که سالها بد دستگیری و شکنجه کردن بهترین فرزندان مبارز خلقی ما مشغول بود و نیز اعدام چند مزدور خود فروخته دیگر سازمان که بود تنفر کلیه سربزهای هارزور و ناسراوه هایشان بودند و اعدام انقلابی سروران نیروی مزدور رهبری گارد دانشگاه صنعتی ( آریا مهر ) در روز دوشنبه گذشته که عامل سرکوب مبارزات عزیمت طلبانه دانشجویی و سبب اصلی شهادت یکی از دانشجویان و دستگیری و شکنجه مردمان آزاد دانشجویان مبارزه کننده بود . روز اعدام آنان بود و امروز اعدام عباس شهرساری خائن و فرود . . . . . رژیم ضد خلقی شاه از این پس در جیباید که نمیتواند مانند گذشته بدین اندیشه از انتقام خلق به سرکوبت خود های زحمتکش صهیون ما بپردازد . در مقابل قدرت ارتشاهی دسترس قدرت انقلابی خلق بها خاسته است . در چنین جریانی است که افسانه شکنست نابینای رژیم مزدور ضد رضائیان در هم می شکنند و راه برای حرکت های هر چه گسترده تر توده های زحمتکش نیروهای آزاد پنوا صهیون ما گشوده میگردد و دشمن خلقی به پایاں عصر بنیادین بازن تود بکتر می شود .

سازمان نیروی مبارز دوران و خائنین

سازمان امنیت ابزار سرکوب و شکنجه شاه

سازمان پسر شاه خائنین

پیروز باد مبارزه صلح طلبانه خلقی



# جنایت بزرگ شاه

\*

α

عـلـیـه

## جنبش نوین انقلابی خلق ایران

آنها قرار گیرد ، به ویژه اینکه ، نفـر  
زندانیان یار شده از برجسته ترین  
زندانیان سیاسی ایران ، بهیژن جزئی  
همواره مورد احترام عربی و ارجشنا سسی  
نیروهای آگاه و انقلابی قرار داشته اند و  
رژیم همواره از آنها وحشت داشته است .  
تأسفانه ما نمی دانیم که چگونه این  
عزیزان خلق ما را نابود ساخته اند ، اما  
صلح است که همه های رژیم در این باره بیگ

دروغ رندیلانه و دروغین حال يك افسانه  
بالی احمقانه و سحره پیش نیست .  
دشمن اعلام کرده است که این

در روز ۳۰ / ۱ / ۱۳۵۴ ، روزنامه های  
مردم رژیم اعلام کردند که ، نفـر از  
زندانیان سیاسی ایران ، بهیژن جزئی  
حسن ضیاء ظریفی ، نیز سرمدی ، عباس  
سورکی ، شمسوف کلانتری نظری ، مصطفی  
جوان خوندل ، کاظم ذوالانوار محمد  
چویانزاده و احمد جلیل انشار گویا به  
شنگام فرار ، در ده کوله ی صرا قبان  
قرار گرفته و به قتل رسیده اند .

چهره رژیم برای خلق ما و نیروهای  
توقی حراء جهان بسیار شناخته تراز آن  
است که جنبش دروغ کتبی مورد قبول

زندانیان در حال انتقال از زنداسی به زندان دیگر به وسیله ی اتوبوس بود، اندک تصحیح به غرار می گیرند و گویا دوشن از سرانجام خود را نیز زخمی می کنند و می گیرند، ولی بقیه ی سرانجام آنها را حد ناکتوله قرار می دهند و مدتی را می کشند. تمام کسانی که با وضع زندانها و شکنجه گاههای رژیم ختمی آشنا می هستند، به خوبی می دانند که مزدوران رژیم اسرای سیاسی را اولاً با چشمان و دستان بسته و دوماً با مراقبان مسلسل به دست که تعداد آنان لااقل به اندازه ی تعداد اسرا است از زندانی به زندان دیگر می برند. به ویژه اینکه این رفقا از اسرای بوده اند که رژیم روی آنها حساسیت بسیار زیادی داشته و سخت از آنها دچار وحشت بوده. با توجه به این مسائل شکنجی باقی نمی ماند که انسانه ی فرار آنها درونی بهرمانه است و دشمن آنها را با در زیر شکنجه های وحشیانه

در محاسباته مثل رسانده ریا دسته دینی اعدام کرده است. هفت تن از قربانیان یسار شده، رفیق بیسوزن جزئی، رفیق حسن قیما، ظریفی، رفیق عزیز سمرمدی، رفیق سوری، عباس سورکسی، رفیق مشهور کلاسی، نظری، رفیق محمد جویانزاده، رفیق احمد جلیل افشار از اعضای وابسته ی سازمان چریکهای فدایی خلق بوده اند و دوشن دیگر، مجاهدان دلسر و مصطفی جوان خوشدل و کاظم نوالانوار از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران. هفت نفر رفقای وابسته بسیار با ما، در سال ۱۳۴۶ به خاطر فعالیت در گروهی که به "گروه جزئی" معروف شده، بازداشت و در بیدارگاههای شاه به حبس تاسنگین محکوم گردیدند: گروه جزئی به ضرورت مبارزه مسلحانه در شرایط ایران ریشه بود و در جریان تدارک این کار بود که به وسیله ی پلیس

کشف و اکثریت اعدای آن دستگیر گردیدند  
 رفقای باقیمانده گروه جزئی به نندارک برای  
 مبارزه‌ی مسلحانه ادامه دادند و بعداً با  
 گروه مارکسیستی رفیق احمد زاده سازمان  
 پهن‌کهای فدایی خلق را به وجود آوردند.  
 رفقای دستگیر شده‌ی گروه جزئی نیز بجز  
 زندان از طریق مبارزه‌ی مقاومت، کار  
 سیاسی و بزرگش‌علنی در سایر می‌سائل  
 انقلاب ایران به مبارزات یکپارچه خود ادامه  
 دادند. دوتن مجاهد دلیر، ضحاک  
 جوان خرسند و کاظم زوالانوار نیز در  
 جریان درگیری مسلحانه با مزدیان دشمن  
 دستگیر و در بیدادگاه نظامی شاه به حبس  
 ابد محکوم گردیدند.

پس از اعدام عباس شهریار (اسلامی)  
 جاسوس معروف سازمان امنیت پوسیلنه‌ی  
 سازمان چریکهای فدایی خلق، رفیق جزئی  
 مورکی، طریقی، سردی، کلانتری،  
 جویباراده و جلیل افشار را از زندانهای  
 نقاط مختلف ایران مانند حرم آباد،

سرازجان، رشت و غیره سه نفر  
 بازگردانده شدند و در زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی  
 قهرن وسطایی قرار دادند. آنها تصور  
 می‌کردند که سازمان چریکهای فدایی خلق  
 در پای عباس شهریار را از طریق این رفقا  
 به دست آورده است و بدینجهت میخواستند  
 با شکنجه از رفقا "اعتراف" بگیرند و چون  
 این کار را گویا "کشف" نمایند. رفقا تا  
 آخرین روز حیات خود در زیر شکنجه بودند  
 و دشمن امید داشت که بتواند به اصطلاح  
 به "اسرار" مورد علاقه اش دست یابد.  
 اما وقتی که از این نار مایوس شد، رفقا را  
 و حشیانه به قتل رساندند. از چگونگی  
 شکنجه و قتل دوتن رفقای مجاهد نیز  
 اطلاعی در دست نیست.

اعدام رفقا بوسیله‌ی جلادان شاه و  
 از صحن نشان داده شده‌ی چشم‌دیده‌ی  
 و انتقام جویانه رژیم مزدور در مقابل  
 اعدام انقلابی مبارز شهریار، سرگرد  
 نیک طبع شکنجه‌گر معروف و سروان بدالله

نوروزی فرمانده کار و دانشگده آریامهر .  
 بر سبیل و سارمان چربگرد ای مدانی خلیق  
 و اهدام سرنیپمپزند ی بر موسیله و  
 سازمان مجامدین خلیق و از سوی دیگر  
 اهدام حساب شده ای است برای متالک با  
 جنبش نونین انگلابی خلیق ما رژیم که با  
 ثمال در ماندگی ناظر رند روز انگیزان  
 قدرت چیرکهای انقلابی است ، از ایمن  
 وحشت دانت که چیریم ا برای آزاد کردن  
 رفقای خود دست به اقدامی بزنند که او  
 قادر به تقابله در برابر آن نباشد . بدین  
 جهت تصمیم گرفت پیش از وقت رفقا را نابود  
 سازد تا انجام این عمل تغییر ممکن گردد .

این نه اولین و نه آخرین جناسات  
 رژیم کشید شاه مخائن است . تا زمانی که  
 خلیق ما به پیروزی نهایی دست یابد ، رژیم  
 هزارها و هزارها تن گز فرودمان و نفسین  
 خلیق ما را خواهد کشت . کسانی که در راه  
 مبارزه قدم میگذارند خود به این واقفیت  
 آگاهی کامل دارند و با اشتیاق جان

در کف ، در راه ارمان شد رهند ست  
 خلیق به پیش می آمد . ننگه رکنسار  
 زندامان سیاسی ، بخش بسیار کویچکن از  
 حمایت سپهکس رژیم شاه را تشکیل میدهد  
 در لفظه ای از زندگی کارگران و دهقانان  
 رطس ما شکعه ای طاقت نرما است که رژیم  
 شاه بر پیکر نحیف آنرا وارد می سازد .

کسانی که اس واقفیت راهیقتا در لکردمان  
 با کمال میل از شکنجه و تکف فدیج . رای  
 جسم خویش استقبال می کنند تا آه صبی در  
 راه نجهیز انقلابی برده ها بردارند .

رفنا جزئی و طبیعی و سرمدی و سوریکی و  
 کلانتوری و چویانزاده و طلیل انشار و دو  
 عبادند و لیر و صدطلق حواص خوشدر . مکانظ  
 در اولانزار و از بهترین و آگاه و نویسن و  
 مدیقی ترین فرزندان اسلامی خلیق ما  
 بودند . آنان خود به دشواری خود  
 و خطرهای که در راهشان کس کرده بود  
 آگاه بودند و با آگاهی در ایمن راه قدم  
 میذاشتند . گروه جزئی از آگاه نسرین .

انتخاب خود را بسیار آگاهانه انجام داده است. او با این عمل خود عزیزترین فرزندان خلق ما را نابود ساخت است.

مارکس می‌گوید: "انقلاب عموماً پیشروی خود . . . دشمن را مجبور می‌کند بد وسائل تدابیری بیش از پیش شایسته متوسل شود" و همین ضمن طرح این سؤال می‌گوید که در این صورت باید "دشمنی‌ها را نیز ترک کرد" (م. ا. ن. ۱، ج ۴، ص: ۱۹۱). آنچه که رژیم در شرایط کنونی انجام می‌دهد تنها چاره‌ای است که در برابر آن قرار دارد. رشد شرایط انقلاب، حکومت کردن به شیوهی ملاحظه‌تر را برای آن غیر ممکن ساخته است. رژیم خود می‌داند که با کشتن این رقیب مشکلات زیادی برایش ایجاد خواهد نمود و نیروهای ترقی‌خواه جهان همه به‌جا و اعتراض خواهند کرد ولی سرانجام بنابر نتیجه رسیده که ناپدید کردن آنها بیشتر به سود

صادق‌ترین و برجسته‌ترین کمونیست‌های ایران تشکیل شده بود. آنها نخستین کسانی بودند که به مسرورت مبارزه‌ی مسلحانه در شرایط ایران رسیدند و صادقانه به تدارک آن پرداختند. آثار رفیق جزئی که در تحلیل مسائل انقلاب ایران و شرایط جامعه‌ی ایران نوشته شده است حاکی از عمق آگاهی و واتساع بینشی و صداقت انقلابی او و وفای توره او است. رفیق عباس‌سورکی از بزرگترین قهرمانان مبارزه‌ی مقاومت است. او در برابر شکنجه‌های وحشیانه‌ی جلادان شاه، سیاست سکوت مطلق را در پیش گرفت. رژیم مزدور شاه از اهمیت شخصیت انقلابی رفیق به‌خوبی آگاه بود و نیز می‌دانست که ما به محض اینکه امکان کافی بدست آوریم، با استفاده از قهر انقلابی، رفقا را از اسارت ردا خواهدیم ساخت، پس بدین جهت برای پیشگیری از این تار، این تنها راهی بود که برایش باقی مانده بود. رژیم

است. زیرا رفتارها در هر کجا و به هر صورت که زنده می ماندند، مطابقت آن شرایط شخصی به ماوراء حدود ادا می می دادند و اگر در زندان بانسی می ماندند در آن این اصالت و وجود داشت که چو یکند با قهر انقضایی، آنها را آزاد کند. رژیم اکنون به مرتبه ای رسیده است که شماره باید بین دو راه حل شوم و یکی را برگزیند و در بهترین صورت آنرا که کمتر او را عذرها در پیرواحات می سازد. این بارزترین نشانه می شود شرایط انقضایی در ایران است. طبقه حاکم دیگر نمی تواند به وضع سابق، بر مردم حکومت کند.

در مقابل و با وظیفه دارم درجه بیشتر جنایات و اعمال ننگین رژیم را افشا کنیم و بدینوسیله ما دیت آن را ناکزیر بودن ناپس را بیشتر برانیزد، ما توجیح می دهیم.

چنانکه یاد شده از رفیق همزن جزئی آثار گرانها و بی نظیر و دوباره ی شرایط انقلاب ایران باقی مانده است. رفیق جزئی

این آثار را مرتباً از زندان برای سازمان می برساند. زمان آن را در حدی محدود نکند و در اختیار احفاد و طووفه داران سازمان قرار می دادیم. سیاری از این آثار در "شویه ی شوک ۱۹ سپهر سرد" خارج از کشور تهیه چاپ رسیده است. این آثار از بهترین کتابهای آموزش شوکی رضای سازمان بود. در آثار با واقع بینی و آگاهی عمیق مارکسیست - لنینیستی و ارتجاع اقتصادی و احفاد امور و سیاسی ایران تشریح شده است و برای مبارزه و رهنمودهای ارزنده ای ارائه کرده است. این آثار تا حال حاضر، بهترین نمونه های تئوری انتطابق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط ایران است. رفیق جزئی در آثار خود و در بررسی سوارده مسدود، به علت شرایط زندان و محدود بودن ارتباطات با سازمان شایستگیها نمونه های همین حد و در آنکه در انتشار دانست و تحصیل می داد. این سوارده بیشتر در حد

سائل داد. البتہ خلسن، پیش از آمدن  
 در مجلس، مواردی سازمان نظرات خلسر را  
 برای رضوی، نویسنده و او نیز آنها را در  
 تصحیح بعدی آثار خود تأثیر داد.  
 لازمه یاد آوری آنست که اینگونه مسائل در  
 نوشتندهای ارزنده و گرانقدر رضین جزئی  
 به شمار نمیآید. نسبت در قلب سوار است  
 به وسیله وجود او تصحیح شده است،  
 مگر در مواردی که امکان ارتباط  
 و تبادل نظر با سازمان برای او مهیا  
 نشده.

پس از شهادت رضین، جزئی، سازمان  
 چندینکهای فدائی خلسن تصمیم به انتشار  
 مجموعهای آثار او گرفت و اکنون واحدهای  
 انتشاراتی سازمان در جهت تدوین این کار  
 هستند. در اینجا ما یکی از آثار کوچک  
 ولی پراهمیت رضین جزئی را که در سارای  
 وحدت نیروهای انقلابی است به دنبال  
 این مطلب درج میکنیم. بماند که  
 زودتر موفق شویم آثار ارزنده و گرانقدر دیگر

رضی را در اختیار انقلابیون ایران  
 قرار دهیم.

مقاله ای که خواستار آمدن در سارای  
 وحدت و نشر استرانشیک، چندینکهای فدائی  
 خلسن، نام دارد. رضین در این اشهر  
 تحلیل‌های این کرده و پیشنهادهایی داده  
 که می‌تواند مورد بحث و اظهار نظرهای  
 گوناگون قرار گیرد. قبل از اینکه عین مطالب  
 را بیاوریم ذکر نکته‌ای ضرورت دارد و آن این  
 که رضین جزئی در نوشته‌های خود، به  
 جای چندینکهای فدائی خلسن  
 ضمیر آنها را می‌گذارد. این صرفاً  
 یک ملاحظه‌ای احتیاطی است نه سزاوار باردا  
 نوشته‌ها عمیق به دست پلیر افتاده یا  
 پس از خروج از زندان و تکثیر و پلیر از  
 درویت نهفته‌های آن با خبر گشته.  
 بنا بر این رضین می‌خواسته با این کار  
 خود، واقعیت‌ارزنا را به خود را با سازمان  
 ما، از پلیر بیوشاند. اینک عین مقاله  
 در باره‌ی وحدت و نشر استرانشیک

چریک‌های فدائی خلق "مدیاد نویسنده‌ی  
رفیق بیسوزن بیسوزنی که حرمانند آنگاه  
شهادت آن چریک فدائی خلیفگی  
نبرد خلیفگی تقدیم می‌شود :

www.iran-archive.com



چریک فدایی خلق، رفیق بیرون جزئی :

درباره وحدت و نقش استراتژیک

## چریکهای فدایی خلق

موسسه "م - ل" های انقلابی، همین  
آرزو تنها در چهار بیوبیک امضا اتزری  
انقلابی، میتواند مفهوم واقعی خود  
را پیدا کرده و در یک پروسه مبارزاتی  
تکامل یابد.

گروهها و عناصر "م - ل" تک که در  
شرایط حاضر، صبارزه صلحنا را به  
مثابه مضمی خود، می پذیرند، یعنی  
نه تنها اعتقاد دارند، که سلطه  
امریالیسم و حاکمیت ارتجاع متحد آن

را باید با تکیه به قهر توده ای، سرنگون  
کرد. بلکه تدارک انقلابی توده ای، ایجاد

در شرایط حاضر، جنبش کارگری و جنبش  
رهائی بخش خلق های ایران، در چهار  
پراکنده گی است. وحدت جنبش کارگری  
و وحدت کلیه نیروهای ترقی خواه، همواره  
بخشی از برنامه سازمانها و گروههای  
مارکسیست - لنینیست را تشکیل میدهد.  
است. با توجه به سوابق تاریخی جنبش  
ضد امپریالیستی، و اثری که تفرقه  
احزاب و جریانهای سیاسی، در افکار  
توده ها گذاشته است، و "وحدت" توده ای  
به آرزوی طوسی شده و از حیثیت سیاسی  
برخوردار است. معذالك بعد...

پیش آهنگ انقلابی طبقه کارگر و بهرین  
نیروی این ملت و اساسا افراد تانکیهای  
صلحانه و با تأکید بر نقش محوری این  
تانکیها و همسر عدانده و حسد را در  
دو جنبه زیر متجسس میکنند :

اول در " وحدت تمام " یعنی اتحاد کلیه  
نیروهای نیروی خواه که در راه رنانشی  
ایران از سد به اسیرالست ما و مرتجعین  
دشمنی ضد آنها و غشی اصلاحی را  
پذیرفته و به آن عمل می کنند . و دوم در  
" وحدت خواهی " یعنی اتحاد و یکپارچگی  
کلیه گروه ها ، جریانها و عناصر " م - ل - ت " که  
مختلف به استراتژی و تاکتیک  
انقلابی واحدی شده اند .

۱ . وحدت کلیه نیروهای مترقی :  
وحدت این نیروها ، به نحو کامل در یک  
جبهه رنانشی پیش و جامعه عمل می شود  
مستحوی و فرم این جبهه و اسری نیست  
که اسروز بتواند و مورد توافق نیروهای  
تشکیل دهنده آن ، قرار گیرد . از دیدگاه

تئوری و زمین جبهه ای ، چهارم و محتوی  
بند انقلاب .....  
داشت باشند ، و با محتوی یک انقلاب  
د سؤکرانیک زمین را . در اینجا بد ضرر  
این در انقلاب نبی بردانیم ، و شش  
اندازه اشاره میکنیم که انقلاب سوسیالی  
د سؤکرانیک اساسا نیروی بهره داری ملی  
و با خرد بهره داری که ایدئولوژی آسرا  
پذیرفته انجام یافته ، بد ایجاد د سؤکرانسی  
بهره داری با درجات مختلفی از پیوستگی  
و گرایشهای کم و بیش سوسیالیستی ضعیف  
میگردد انقلاب د سؤکرانیک سوسیالیستی  
با توده های اساسا و زیر رهبری طبقه  
کارگر ( یعنی پیش آهنگ طبقه کارگر کسه  
در شرایط خاصی ، از نیروها و عناصر  
کارگر و غیر کارگری که ایدئولوژی طبقه  
کارگر را پذیرفته اند ) انجام یافته  
و به ایجاد د سؤکرانسی توده غشی با  
شخصیتهایی که در جامعه دارد ضعیف  
میگردد . شناخت ما از موقعیت اجتماعی

اقتصادی ایران و خصوصیات نظام  
 حاکم و بازگوکننده این واقعیت است که  
 ریشه های اجتماعی - اقتصادی  
 انقلاب بورژوا - دموکراتیک عموماً از  
 دست رفته است و در آینده بارشده نظام  
 سرچشمه این زمینه ها و بیش از پیش از بین  
 عمده رفت ( در عین حال باید توجه  
 داشت که سپری شدن یک دوره تاریخی  
 گریه سرچشمه تحول رفتن به دوران طلایی  
 شده است و ولی امید ثنوی آن در ارای  
 سابقه و نفوذ تاریخی است و در قشرهای  
 از خرد و بورژوازی به حیات خود ادامه  
 داده و بصورت آهسته ای از واید ثنوی  
 بورژوازی و طبقه کارگر از نو زنده میشود  
 ضرورت های ناشی از این تحولات اجتماعی  
 از یکسو و وظیفه خطیری را در مقابل  
 جریان های وابسته به جنبش کارگری و  
 تدارک انقلاب تودم ای قرار میدهند و از  
 سوی دیگر سازگاری و جریان های  
 "م - ل" تا بسوی پند بردن یک برنامه

دموکراتیک سوسی بود . در مرحله  
 فنی طبیعی است که نیروها و جریان های  
 غیر کارگری محتوای واقعی انقلاب  
 دموکراتیک یعنی رهبری طبقه کارگر  
 و برقراری دیکتاتوری خلق را که مقدمه  
 برقراری دیکتاتوری سوسیالیست است  
 نپذیرند . این نیروها با هر اید ثنوی  
 خواستار سببی جنبش اند و مبارزه آنها  
 چنین مدتی را برایشان فراهم میسازد .  
 در چنین شرایطی بحث و گفتگو بین  
 جریان های مبارز که اختلاف اید ثنوی  
 دارند نمیتواند منجر به وحدتی عمیق  
 و شناخته شده گردد . تنها گسترش  
 جنبش انقلابی و رشد و تکامل جریان های  
 انقلابی موجود و تثبیت نهایی آنها  
 در نزد توده ها است که میتواند فرم  
 و محتوای قطعی وحدت تمام را تعیین کند .  
 رهبری طبقه کارگر در جنبش های  
 از راه بحث در پشت میز های مذاکره  
 تسامین نمیشود . بلکه از طریق بسیج طبقه

کارگر و چمنستان زورنندگان متحد آن  
 و بوسیله ایجاد پیش آهنگ، انقلابی کسل  
 جنبش کارگری که قادر به سازاند هسی  
 و رهبری نیزه های خلق در جهت یسک  
 استراتژی انقلابی است و پس دست  
 سی آید . تکامل چنین پروا ایست که  
 نیزه های رهبر کارگر را به پذیرفتن منسی  
 و رهبری دایته کارگر نرا میخوانند . و هم  
 چنانکه ضرورت انقلاب در مرحله انقلاب  
 بهروز را در مسرکراتیک نیروها و پیش آندست  
 طبقه کارگر را به پذیرفتن رهبری بسزوزواری  
 ملی را دار دیدند . این واقعیت کسه  
 امروز نمی توانیم در یک جبهه رهشایی  
 بغض یا محتوی و سرم کامل آن مستعد  
 نسیم و نباید ما را از کوشش آگاهانه در راه  
 چمنسکی نیروهای ماور باز دارد . رابطه  
 و هم ت شکست و شکستهای جریانهایی  
 انقلابی "م - ل" است با جریانهایی  
 غیر "م - ل" است باید به نحوی ادامه  
 یابد که در زمینه های مساعد به لیل وحدت

کامل نیروهای انقلابی در آینده فراهم  
 سازد . کشور در اس راه بخشی از و غایب  
 جریانهایی "م - ل" است شمار ورود و نباید  
 به جریانهایی نا آگاهانه وجود به حدودی  
 را گذار شود .  
 وظایف "م - ل" است انقلابی ایجاد مدکت  
 که در شرایط حاضر مدور ناآند بر  
 معنوی قطعی وحدت کلیه نیروهای  
 که بر ضد امپریالیسم و ارتجاع مستعد  
 آن صاره میکنند ، در میدان عمل است  
 یکدیگر نزدیک شده ، همکاری فزاینده ای  
 را آغاز کنند . این کوشش در راه وحدت  
 نهایی هر طرف آگاسات تر بود و همچنین  
 بر شناخت عمیق عنا سر تشکیل دسترسند تا  
 وحدت باشد و بارورتر خواهد بود .  
 چمنسکی جریانهایی موجود نه تنها با  
 شناخت عمیق جناحهای مبارز معاصر نیسی  
 ندارد ، بلکه فقط چنین شناختی است که  
 به جریانهایی "م - ل" است اجازه  
 میدهد از انعطاف اصولی دور نزدیک شدن

به دیگران برخورد کرده و پس آنکه  
 به نگاه استراتژیک خود را از دست  
 بدهند، از وحدت تاکتیکی استفاده نکنند  
 والا این کوششها میتراند تا سطح فرصت-  
 طلبی نیز پخته ویا در معرض نوسانهای  
 ناشی از سون و گیری های لحظهای سقوط  
 کند. چنین پدیده‌های نه فقط بجهت  
 دشمنانهای امروز ما با دیگران آسیب  
 میرساند بلکه زمینه های اصولی وحدت  
 کامل را با خطر روبرو میسازد. این به  
 سود هیچ یک از دو جناح جنبش انقلابی  
 نیست. در شرایط حاضر ما کوششهایی  
 که در راه وحدت همه نیروهای مبارزه  
 است، مایه و سوکول به وصول به وحدت  
 کامل با این نیروها را در آینده مستلزم  
 وحدت قبلی جنبش طبقه کارگر نخواهیم  
 کرد. ضرورتهای ناشی از رشد جنبش  
 انقلابی و بهترین شرط وحدت همه  
 نیروهاست با همه آنها به این مسئله  
 آگاهی داریم که بدین گسترش نیروهای

۱. وحدت جنبش انقلابی طبقه کارگر:  
 در شرایط حاضر جریانهای مختلفی در  
 ایدئولوژی "م-ل" متشکل شده اند. این  
 جریانها بطور کلی در برداشتهای خود  
 از "م-ل" و در استراتژی و تاکتیک  
 مختلفهای ریشهای دارند. لیکن  
 اختلافها آنقدر اساسی است که جائی  
 برای خوش بینی نسبت به همستگی آنها  
 نسبیگه لرد. بنابراین در حال حاضر  
 نظیران از وحدت کلیه جریانهای  
 "م-ل" سخن گفت. در حالیکه

چاره بر سه دهنی حلسر و دشمن

دیهانی است که منوی و مردم وحدت همه

نیروهای ترقی خواه را معین میکند در آنها

مبارزه همسراه با مبارزه ایدئولوژیک است

جریانهای اپورتونیستی است که زمینه واقعی

وحدت نیروهای طبقه کارگر را فراهم

میسازد. مبارزه با شی های انحرافی

گوشی است در راه تأمین وحدت

جنبش انقلابی طبقه کارگر. جریانهای

"م. ل. ت" که شی مسلحانرا پدید میآورند

و بدان عمل میکنند. از وحدت نسبی در

استراتژی و تاکتیک و در برداشتهای که

از اصول "م. ل. ت" در انطباق با شرایط

ایران درآوردند برخوردارند. این وحدت

نسبی از راه تبادل نظر تشویش یک بدست

نیاید. بلکه حاصل مبارزه است که طی

خفته در همه اضمحلال از جانب گروههایی که

اساساً عملیات سیاسی نهایی داشته

بمحل آمده است. تا پیش از شناختن

موانع و تشکیل "ج. د. ح" جریانهای

نیوی اند که در یک خط مبارزی حرکت میکردند

حرکت کرده خود را جریان مسلحی شناختند که

اهدای نظریه پشاهنگ را با هجوم نسبی و

صحت در آن برعهده دارد پیشروان این

رویداد تاریخی که در دستر انفسا پس

نقطه عطفی بشمار میرود. دهنی جریانهای

"م. ل. ت" که شی مسلحان را پدید آورند

بودند. حاضر به پذیرفتن رسمیت

جریان از میان خودشان نبودند. در آن

شرایط این پدیده منفی طبیعی بنظر

میرسید. این پدیده حاصل تجمع پراکنده

جنبش کارگری بود. حاصل شکست

استراتژیک حزب بوده و تسلط پلیسی که

تخم قدم اعتماد را در میان جریانهای

مبارزه منفی پدید آنگذارد و باعث پذیرفتن

فعالیت گروهی به تنایه صحیح ترین فرم

مبارزه بود. نتیجه چنین مبارزه ای ایجاد

همه های سالم و مبارزه دور از سلطه

پلیس و سرکشی این همه ها غیرممکن

شرایط احتیاط و سرانجام پدید آمدن

سلسله‌ها و رسیدن آن به مرحله دیگری با دشمن بود. اگر در روز این فرم مبارزه در مجموع صحیح می‌شود، امروزه حازم در این مورد می‌تواند به جنبش طبه کارگر و جنبش رهنمایی بندر آسیب جدی برساند. جریانهای "م-ل"ی "تی" که مبارزه مسلحانه را به مثابه شی خود پذیرفته‌اند، وظیفه خود میدانند که مجدداً بر راه وحدت جنبش کارگری بکشند لکن رسیدن به این وحدت نیز مانند وحدت عام، تنها در یک پرورنده مبارزاتی پیگیر تحقق می‌یابد.

تبادل نظر و مبارزه ایندولوپیک مخطبات انگلی به چنین پروسه‌ای مانعیت اخلاقی داشته‌اند به تنبیه‌های بخت و جنبش کارگری نیز و می‌بخشد. از چنین دیدگاهی است که ما دستگیریم رشد جنبش انقلابی به مرحله‌ای رسیده است که گره‌ها و جریانهای "م-ل"ی تا آگاهانه و تمام به تمام به وحدت نزدیک شوند. اگر دیروز اسن گرونها حاضر نبودند هیچ بهرانی را به

عنوان محور و اساس وحدت خود بنویسند امروز یک جریان پیشرو وجود دارد که ملاحظاتی ایفای نقش رهبری را بطور نسبی پیدا کرده و می‌تواند محور جنبش وحدتی قرار بگیرد. این جریان "ج. ف. خ" است.

"ج. ف. خ" در عمل ثابت کرده‌اند که بین از در جریان "م-ل"ی دیگری به یک استراتژی انقلابی نزدیک شده‌اند. آنها ثابت کرده‌اند که در انجام وظایف خود در قبال جنبش کارگری و جنبش رهنمایی به نفس تا چه حد فداکار، صادق و پیگیرند. این خصوصیات که حاصل پروسه طولانی جنبش کارگری است به "چریکهای فدائی خلعت" این موقعیت را داده است که وارث کلیه سنن انقلابی جنبش کارگری بشمار رفتند و نقش استراتژیک را در جنبش به‌سپه بگیرند علاوه بر این "ج. ف. خ" نشان داده‌اند که از "م-ل"ی برداشتی خلاصی داشته‌اند و تا حد جانفشانی به آن موضع در مقام

طول تاریخ. منبذ کارگری در وطن ما  
 چنین حیرانی وجود نداشته است. ما  
 متشکک نیستیم که چریکهای فدائی غلظت  
 دارای کمبودها و نارسانیهائی نیستند،  
 بلکه واقعیت غیر قابل انکار این است که  
 این جریان در مبارزه‌ای جدی دائما رشد  
 کرده بر ضعف‌های خود غلبه کرده است.  
 رشد و تکامل آینده این جریان باید  
 در چهار چوب وسیع‌تری انجام پذیرد.  
 این چهار چوب وسیع‌تر جریان واحدی  
 است که از گروه‌ها و جریانهای "م - ل" است  
 که نمی‌توانند را پذیرفته‌اند بوجود میاید  
 در این چهار چوب و در جریان عمل است  
 که کمبودهای "ج. ف. خ" شناخته  
 شده و مرتفع میگردد.

و پیوندهای بسوی بزرگ  
 "م - ل" انقلابی است که امروز نیروی  
 خود را در اختیار پیشروترین شی و جریان  
 جنبش می‌گذارند. این جریانها باید بر  
 هرگونه تک نظری گروشی و پناهی

بی اعتمادی و استقلال طلبی بی جای خود  
 غلبه کرده و ضرورت تاریخ را که در جلوس  
 چشم آنها در حال نکوس است درک کنند.  
 پرچم "ج. ف. خ" باید هرچم  
 وحدت جنبش انقلابی طبقه کارگر، در حال  
 حاضر تلقی شده و در راه انقلابی جنبش  
 صلحانه بکار گرفته شود. اینکه در شرایط  
 حساس هر شبستکی این گروهها همه  
 چه صورت در بی آمد (چه صورتی در عمل  
 پیدا میکند) مسئله ایست که باید با  
 توجه به شرایط موجود بدانها سخن  
 گفت.

بدیهی است که این کوشش‌های  
 ضروری نباید موجب افزایش امکانات  
 دشمن برای سرکشی جنبش گردد. مقدمات  
 میتوان شی "ج. ف. خ" را به ظاهر  
 انقلابی ترین شی حاضر هدایت و احسان  
 طور که خود آنها در جریان عمل به تکامل  
 استراتژی و تاکتیک خود قائلند از همه  
 تجارب و توانائی های موجود بهره



رسیدن به يك استراتژی كاملاً صحيح گسه بازگو کننده ضرورتهاي تاريخي و موقعيت جايگاه باشد، بايد استفاده گردد. در حال حاضر هر گروه يا هسته سياسي - نظامي "م - ل" ته بايد در صورت امكان نیروی خود را در اختیار "ج . ف . خ" بگذارد و باي آنكه در صدر ايجاد شيوههاي در افكار عمومي باشد نام "ج . ف . خ" را با تترك عنوان اصلي براي تشخيص واحد بكار برد. در هر حال ضد افشن نام مستقيم با "ج . ف . خ" نهمايد ستمكي براي بي مبلي گردد. مسئول تجارب عملي و نظري "ج . ف . خ" زار آغاز بكار گزوت و بارشد بعدي و بنويت خود به اين تجارب افزود. حفظها و هسته هاي سياسي و صلي "م - ل" ت بايد رابطه اصلي مبارزات خود را به خنثي سملحانه درك كند و مبارزات صلي - سياسي (اقتصادي و سياسي) خود را در ارتباط با مبارزه جنبش سملحانه تنظيم

اين مبارزات گامي مو فسر فر در پيروي بوده ها و انقلابي جنبش انقلابي بشمار مي رود .

شناخت صلي جنبشهاي فدائي خلق به كاناليزه كردن آگاهانه نيروها بسوي اين صلي و پشيماني از جنبش سملحانه بهر طريقي كه ممكن گردد و از جمله وظايف مهم جنبشهاي سياسي - صلي بشمار ميرود .

تا اينجا روي سخن ما با جنبشهاي "م - ل" ت انقلابي بود كه مي بايست وظايف خود را در همبستگي با "ج . ف . خ" بدرستي بشناسند و به آن عمل كنند اما اينك وظايفي را كه در اين اسر به عهده "ج . ف . خ" نيهاده شده است ياد آور شوم . "ج . ف . خ" در اينك وظايف محدودتي به عهده داشت لکن بسر اثر صلاحيتي كه در پيشگامي مبارزه از خود ابراز داشته و به سبب حيثيتي كه در مبارزه با دشمن خلق بدست آورده و مسئوليت

این صولیت و احیاناً دچار شدن به  
 نشی بهما از جانب ج. ف. خ. مواجب  
 ساعدی برای جنبش خواهد داشت.  
 ف. خ. باید به نقش امترانزیک  
 در جنبش بهای لارم را بدهد این  
 در شرایط حاضر اهمیت کسری  
 نقش آنان به مثابه یک گروه سیاسی —  
 نامی ندارد. این نقش ایجاب میکند  
 ج. ف. خ. در مردان فعال هر چه  
 بیشتر تجارب خود به جریانهای م. ل. می  
 کشی آنها را میزند برآید ( این  
 بدان معنی نیست که تجارب خود را در اختیار  
 دیگر نیروها قرار ندهند ) و پشت جبهه  
 عالی برای استفاده از امکانات نظامی  
 سیاسی و تبلیغات در خارج کشور بپیوندد  
 روند. کم بها دادن به نقش کارهای با  
 نیروی و فروتنی بجای حده ای از رفاه با  
 زینت و فعلت از ایجاد یک پشت جبهه  
 سال در منطقه نشانه کم نوجویی  
 ج. ف. خ. به نقش امترانزیک

آنهاست و پیش از فرود آمدن سرسوات  
 تابستان ۱۳۵۰. ما نیروی لازم را بسرای  
 ایجاد چنین جبهه ای بی آنکه آسیبی به  
 تداوم مبارزه مسلحانه بزند داشته باشیم.  
 پیش گرفتن فرم تازه ای در سازماندهی  
 ( مثلا ایجاد یک سازمان و تقسیم آن به  
 واحد های مستقل در عملیات و تشکیلات )  
 حیوانیت نتایج بهتری در رشد جنبش  
 مسلحانه داده و وظیفه امترانزیک چیرکهای  
 فدائی خلق را به نحو موثرتری جامعه مسلح  
 پوشاند. این مفتنها بعد کافی به جنبش  
 آسیب رسانده است و دیگر نباید ادامه  
 یابد. در اینجا ج. ف. خ. حسی  
 ندارد به عنوان یک گروه خود را فدا  
 کنند و انتظار داشته باشند مبارزات آنان  
 نتایج خود را خواهد داد. سردیسی  
 نیست که فدائوکاری های ج. ف. خ. اثر  
 خود را در سطح جامعه و در سطح  
 جنبش ترقی خواهان باقی گذاشته و به  
 نشیت مبارزه مسلحانه خدمات پر ارزشی

گردد است و ولی ارائه این نحوه برخورد با مسئله خالی از مسئولیت های جریانی است که بخش مهمی از مسئولیت پیوسته آشنک طبقه کارگر و ضروری خلق را بدوش دارد . اگر دیروز مضرین و طغیان ما آغاز کردن مبارزه صلحانه بود ، آنگاه دیروز تحقق این رسالت ارزش پر داشت بهائی را حتی ناپودی "ج . ف . خ" را داشت ، امروز که جنبش صلحانه به یک پروسه عینی مبدل شده و "ج . ف . خ" علیرغم ضربات دردناکی که به جرف پیشگام بودن در این مبارزه تحمل کرد مانند با دلاوری به حیات خود ادامه میدهند دیگر نمی توان وظایف آنان را در محسوسه و برنامه قبلی تعیین کرد . امروز وظیفه "ج . ف . خ" است که به عنوان پیشروترین جریان جنبش صلحانه برای شناخت نا رسائی ها و کمبود های جنبش صلحانه برای تکامل بخشیدن به این جنبش و برای هدایت نیروهائی که به جنبش روی آورده اند

در جهت صحیح ترین شی از ایدئولوژی طبقه کارگر و تجارب جنبشهای انقلابی ایران و جهان کمک بگیرند . تصمیم و تکامل ناکمیکها به نحوی که بتوانند توده ها را بسیج کرده و زمینه را برای سرکود بندگی جنبش بعضی مسرحتی نبود نای شدن آن ، آماده سازد و وظایف است که فقط یک جریان انقلابی پیشگیری میتواند از همیده آن برآید و کوشش در تمام وحدت بخشیدن به جریانهای "م . ل . ن" انقلابی و حوار کردن راه اتحاد صلحانه نیروهای خلق و ایضا ایست که باید در برنامه مبارزاتی آنها بهای لازم به آنها داده شود ، هیچگاه صورت غفلت قرار نگیرند .

# در پیرامون

## دستگیری رفیق معصوم خانی

سنگین را برای رفیق معصوم خانی بهیچا  
سازم . سازمان ۲۴ ساعت پر از درج خبر  
دستگیری رفیق در نشریات دشمن اعلامه ای  
در ایشای این توطئه رژیم ضدساخت  
و سرچا در محیط های دانشجویی پخش  
کرد و طی آن از دانشجویان مسبار ز  
درخواست نمود که بر علیه این دجبهه که  
جان رفیق رزمه شان را تهدید میکند  
سرپا وارد اقدام شوند . در اعلامیه  
در ماه ی ارتباط رفیق معصوم خانی با  
سازمان و نحوه دستگیری او چنین آمده  
است :

" رفیق معصوم خانی در حدود یک ماه قبل  
از دستگیری با سازمان ما ارتباط برقرار

در روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه  
گشتی های کجبه با اطلاع سرمد  
مراغاری ، رفیق معصوم خانی ، یکی  
از اعضای غنی و تحت آموزش سازمان ما  
را در حالیکه مشغول حمل اعلامیه  
بود ، دستگیر ساختند .

پنج روز بعد ، دشمن در نشریات  
حیره خوارتر ، با بوق و کرنا رفیق دستگیر  
شده را یک جریک حرفه ای و یکی از عاملین  
اعدام " سروان یدانته نوروزی " فرمانده  
سردرگارد دانشگاه صنعتی اعلام کرده تا  
هم اثرات شکست خای خود را در مقابله  
جبهت سلعانه در ذهن خلسن خنثی  
کند و هم مقامات اعدام و یا لافل حبس

کرده و در حال آموزش جبرئیلی بوده است .  
 اولین برنامه ی عملی رفیق معصوم حاتی پخش  
 تعدادی اعلامیه در محیط های دانشجویی  
 با همکاری سه تن ( ۱ ) دیگر از رفقای  
 مبارز بوده است که این رفقا همگی جزو  
 عناصر علنی تازه به سازمان پیوسته بودند  
 و رفیق مزبور در حدود یک ماه پیش یعنی  
 چند هفته بعد از اعدام انقلابی " سروان  
 نوروزی " برای آنکه مکانی مستقل برای  
 مطالعه و خودسازی داشته باشند ، منزلی  
 را در محله نارنگ تهران اجاره میکنند و  
 تحت آموزش سیاسی - نظامی قرار میگیرند .  
 تا اینکه رفیق معصوم حاتی در ساعت ۰۹/۳۰  
 دقیقه روز یکشنبه ۱۷ / ۱ / ۱۹۵۴ در  
 حیاطان شیراز واقع در اسیرآباد هنگام  
 حمل تعدادی اعلامیه توسط گنشی های

کینه باصطلاح ضد خرابکاری دستگیر  
 می شود .

این دستگیری برای سیره های سرکوفت  
 خورده ی رشتی که در ماههای اخیر  
 صریحاً جانانه ای از طرف واحد های چریکی  
 سازمان سا خسورده اند و قدرت  
 پوشالیناس در از اهان مردم ایران فروخته  
 است فرصت حوی پدید آورد تا بدین  
 وسیله به تقویت روحیه خراب خسور  
 بپردازند و تا تبلیغات روی این صفت  
 مجدداً برای خود هبیت و قدرت رشتی  
 دست و پا کنند .

اغلاقه پس توضیح میدهد که :

" ما بدین وسیله صریحاً اعلام میداریم  
 که اعدام انقلابی " سروان نوروزی " مسزور  
 توسط يك واحد از روسدگان حرفه ای

( ۱ ) سازمان به محض اطلاع از دستگیری رفیق معصوم حاتی ، مداخلات محمی نمودن این صفت  
 رفیق را فراهم ساخت . آنها از ساعت ۱۲ روز ۱۷ / ۱ / ۵۴ زندگی محفی خود را آغاز  
 کردند و به مبارزان حرفه ای سازمان ما پیوستند .

سازمان ما اجرا شده و در هنگام فصل اعدام و رهایی معصوم خانی و سه رفیق دیگر او از برنامه‌ی عملیاتی اطلاعی نداشتند و حتی رسماً به صورت کارهای تحت‌آموزش سازمان نیز در نیامده بودند. بهر حال هدف ما از توضیح این مسأله افشای یک توطئه‌ی جدید رژیم شاه می‌باشد. دولت شاه که در ماههای اخیر بسیار شکست‌های پیاپی در مقابل جنبش چریکی روبرو بوده است، اینک برای کسب حیثیت از دست‌رفتن خود صحت به نگار افشاده و دست به تلاش‌های مذبحانه زده است.

اعلامیه سپس به شرح توطئه و هدفهای دشمن از طرح آن می‌پردازد:

"شاه و دارو دست‌اش مذبحانسه تلاش می‌کند تا وسیله‌ای برای ترمیم و تقویت روحیه نگران‌شان بماند. ولی هیچ انگاری نمی‌تواند تا اینکه بالاخره در روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه

گشتی‌های کینه‌پس از ماه‌ها ناکامی و شکست موفق می‌شوند یک از رفقای هلنی و تحت‌آموزش ما را همراه با ۳ عدد اعلامیه دستگیر کرده و به خانگی وی دستبرد بزنند. دستگیری فوق‌آنها را به این فکر می‌اندازد که با استفاده از فرصت و با برآوردن این یک برنامه تبلیغاتی توخالی، قست کوچکی از شکنجه‌اشان را جبران کند. بدنبال این ایده، داستان‌رایان سازمان امنیت به فعالیت می‌افتند و داستانی برای فریب و تخریب روحیه مردم می‌سازند. محور اصلی داستان آنها این است که به اصطلاح نروانسه‌اند یکی از جریکهای اعدام‌کننده‌ی سروان نوروزی مسزور را دستگیر کند. عناصر داستان آنها کک میکند. رفیق دستگیر شده دانشجوی دانشگاه صنعتی است. رژیم هم به دروغ اعلام کرده که اعدام‌کنندگان دانشجوی بوده‌اند. از طرفی رفقای واحد آموزشی تعادفا

در نارنگ نهران . چند هفته پیر از اعدام انقلابی سروان نوروزی مزدور ، حسانه ای گرفته اند که بشود این امر را نیز به جریان اعدام مزدور که حسانه اثر در نارنگ بود نسبت داد . بهر حال با ترکیب این عناصر ، داستان خیالپردازانه میازند و آن را در روزنامه های عصر روز ۲۳ فروردین به چاپ می رسانند تا وانمود کنند که قادرند هر عطی را با نابودی ساختن واحد عمل کننده پاسخ دهند . در پایان اعلامیه دانشجویان مبارز را مورد خطاب قرار داده و اعلام می دارند: دشمن با طرح این دسیسه و به دنبال آن محاکمه و حتمی اعدام این رفیق دانشجوی ما ، میخواهد به مقاصد پلیدی که در بالا به آنها اشاره کردیم ، دست یابد .

اینکه وظیفه ی همه دانشجویان مبارز و مردم مومن پرست ایران است که در مقابل این نوطه ی خناب بار رژیم

ساکت ننشسته و فعالانه وارد اقدامات دفاعی شوند . دانشجویان دانشگاه صنعتی وظیفه ای مهتر از سایرین برعهده دارند . اینک یکی از دفاعی مبارزان در زیر شکنجه های رژیم قرار دارد . رژیم شاه خاست با آخرین شکنجه های روانی و جسمی می کوشد روحیه ی این رفیق را درهم شکند و حتمی در برسد است او را وادار به اجرای برنامه های تبلیغاتی ضد انقلابی نماید . اینک این رفیق تاجه حد بتواند شکنجه را تحمل کند ، از قوه ی محاسبه ما خارج است ولی همه ی دانشجویان مبارز بایست توجه داشته باشند که رفیق و همکارشان تحت شکنجه های وحشیانه ی دشمن قرار دارد و به یاری آنها نیازمند است .

دانشجویان مبارز ایران در این هنگام وظیفه دارند گذشته از دست زدن به اعتصاب و اغراض بر علیه وحشیگری های رژیم شاه خائن ، هر چه بهتر صن این توضیحات

را تکثیر کرده و برای اطلاع سایر هموطنان  
در اختیارشان قرار دهند تا توطئه‌ی  
وزیر شاه مزدور در سطح وسیع  
و عمومی درهم شکسته شود.

پولادین باد مقاومت و لیرانه‌ی رزمندگان خلق در زیر شکنجه‌های درخیمان شاه  
نمایند بساد توطئه‌ی های رژیم محمد رضا شاه خائن

با ایمان به پیروزی راهمان  
سازمان چریکهای فدائی خلق

بقیه از صفحه ۱۲۲

معدانه پیگیری شوند. در پیخ داشتن  
نیرو. تجربه و هرگونه امکان از  
"ج. ف. خ." و جریانهائی که پیرامون  
آمان متحد گردنده بی‌اعتنائی فیسر  
قابل بخشش است نسبت به وظائف

خطیرم - ل - تهای انقلاب بسی  
این بسی توجیهی در قلموس طبقت  
کارگر جانشی ندارد و غرضه جبران  
ناپذیری به جنبش انقلاب بسی وطن ما  
خواهد زد.



# در پیرامون درگیری

## واحد آموزشی چریکی در قزوین

هنوز کاملاً مخفی نشده بودند و رزقت و آدها تن به محل زندگی و کار خود در اشدند که عامل بروز غریبه نیروی افسانه همین رفت و آمد. ها در همین فدا الهیت زیر زمین بوده است.

به خاطر آنکه هم میهنان عزیز و نیروهای مبارز با تانکها و نحوه عملکرد پلیس. سیاسی بهتر آشنا شوند ما تجربه افسانه نبره را در اینجا تشریح می کنیم.

رفقا لطفاً، بنار و فرستید و از تعداد این سیاسی و اشگاه تهران بودند که همگی سابقه دستگیر و بازداشت داشتند و همین جهت پلیس سیاسی روی آنها حساسیت داشت. در هنگام ارتباط با سازمان افسانه رفقا هم چنان موضوع علنی خود را حفظ

در تاریخ ۱۳۵۲/۱/۲۱ جرایم حیره خوار رژیم شهری را پیش برد درگیری یکی از واحد شای آموزش چریکی در شهرستان قزوین به چاپ رسانیدند. نظر به اینکه در این خبر دشمن در مورد واحد درگیر شده به درجبرد از برای بسیار پرداخته بود لازم دانستیم که بار دیگر رژیم را افشاء کنیم و نیروهای خلق را در جریان واقعت افسانه برار دهیم.

واحد آموزشی نوزین با سه سولت رفیق خسته خشایار منجری که از افسران حرفه ای و مسلح سازمان ما بود در هنگام درگیری در حدود یکماه از تشکیل شدتش می گذشت و در حقیقت این واحد در اواند فهدرین ده تشکیل گردیده و اعضای واحد

کرده بودند و مدتی زمان لازم بود که بتوانند با توجه به وضعیتشان شرایط لازم را برای شرکت در یک واحد آموزشی سیاسی - نظامی فراهم نمایند. در اوائل فروردین رفقاً حکمی آماده مقرر شدند و شروع به کار آموزش بوده اند ولیکن هنوز از بنا طاعت خود را با خانواده و محصل کارشان قطع نکرده بودند. در این شرایط دایره تعقیب و مراقبت سازمان امنیت گسترده و پایه انترچیت نظیر ارتش فضا لیسن سیاست با فوراً بنا محسوس حرکات این رفقاً را کنترل میکند و در جریان رد گیرهای طوری موقتی می شود که به محل استقرار واحد آموزشی در شهر تروین برسد. این عمل با تعقیب دقیق یکی از رفقاً از تهرمان تا تروین صورت می گیرد بطوریکه در عملیات تعقیب چندین انوسیل دشمن شرکت میکنند بهر حال پس از کشف محل استقرار واحد بلخانه رفقاً مورد محاصره نیروهای بدروس پس از آن میگردند. هنگام محاصره سلسله رفقاً نامبرده با اضافه رفقاً خشایار سنجیری

در خانه بوده اند و از این چهار نفر فقط رفقاً خشایار مسلح بوده است و سایر رفقاً چون هنوز آموزش لازم را ندیده بودند مسلح نبودند. بهر حال وقتی رفقاً ضوجه محاصره میشوند به خفت تسلیم تن در نمیدهند. رفقاً خشایار با موجودی اسلحه و مهمات شخصی اثر به نبرد با دشمن پسر میخیر و پس از پای در آوردن چندین سردور دشمن به شهادت میرسد و رفقاً فرییدی که با دست خالی به مقابله با دشمن پرداخته بود نیز در این درگیری شهادت میدهد. رفقاً لطفی و نمازی نیز که با هر دو جمله ممکن صد مبارزه با دشمن را داشتند بخستگی مجروح و دستگیر میشوند. دو عیبسه مبارزه جوئی که رفقاً در این درگیری از خود نشان دادند نشاندهنده گن است که رفقاً با آنکه اولین روزهای آموزش خود را می گذرانند اولین درسهارا بخوسی آموخته بودند. اولین درسی که ضمن آن اینست: "یک چسبک هرگز تسلیم نمی شود" بر اساس اجرای

این در حرفت حتی با دست خالی بی  
 دشمن به مبارزه برخاستند و روحیه روشند  
 خود را با نیت رسانیدند . سازمان بسیار  
 پایداری و روحیه روشنده رفقای واحد آمرزشی  
 قزوين را ارج می نهند و به تمام آنها که سه  
 و طبعه خود به حویق عمل کرده اند در روز  
 می فرستند . اما لارستان که ما هم می باشد  
 کامل اصول پنهانکاری را از جهات واحد  
 آمرزش قزوين در شرایط خفایان شده  
 پلیس و مورد اعتماد قرار دهم . رفتن  
 میاست خیلی زود تر از نیازها طاق خود را  
 قطع میکردند و در پاهای خود را پهاک  
 می کردند و اسکان گسترش را ارد امیره  
 تعقیب و مراقبت سازمان اضیت میگرفتند .  
 بهر حال این تجربه ایست که باید آنرا  
 مورد استفاده قرار داد و این امر بار دیگر  
 به ما نشان می دهد که از لحاظ تاکتیکی  
 باید روی دشمن حساب کنیم و هرگز  
 در تفریح خود را از دست ندهیم . البته  
 این واقعه ایست که ما نمی توانیم به طور  
 مطلق از اشتباهات خود جلوگیری نائیم .

طبعاً در جریان عمل زنده و خلاصی انقلابی  
 همیشه زمینه های تازه ای برای خطا بوجود  
 می آید چنانچه کمترین بدین ارتکاب  
 اشتباهات کوچک نمی توان از ارتکاب  
 اشتباهات بزرگ جلوگیری کرد . جمع کمین  
 رفیق هوش من نیز می گوید : آهائس  
 که عمل نمی کنند هرگز اشتباه نمی سازند  
 نمی گند . این جملات که بسز گسوسن  
 نشوینها و بر اینها انقلاب آهائس  
 به بیان رانده اند نشانه این واقعیت است  
 که در جریان مبارزه برای کسانیکه در  
 جهت کشف زمینه های نو برای پیشبرد  
 امر انقلاب قدم بر میدارند همیشه امکان  
 بروز اشتباه هست ولی مسئله بر سر  
 تکرار نکردن اشتباهات است نه بر سر  
 اصلا اشتباه نکردن . ما وقتی در راه خلق  
 یک اسکان شماره ۵ انقلابی و در راه  
 نو چهار اشتباه شویم و شکست بخوریم  
 این شکست بقول رفیق مائو بزرگ خوب است  
 زیرا ما را آید به در می سازد و راه در جست  
 راه ما نشان میدهد و پلیس و هکسی

اشتیاقاتشان تکرار خطاهای گذشته باشد این دیگر چیزی حوی نیست . ما باید به سستی از لحاظ اشغال و جذب و کاربرد تجارب دست باهم که تجربه هر شرکت و ناگامان بلافاصله به یک مفهوم اشتراک خود تبدیل شده و از تکرار آن جلوگیری شود . مهم اینست که ما در انجام این روش مطلق باشیم . در صورتی که در این زمینه خوب کار کنیم سازمان در مسیر رشید خود طیف فرم فرماتی که می خیزد روزی نسوزد شکرتان خواهد شد . شیوه های پیشگیری از حلقی شدن به همین را بسجج خواهد کرد و برای مبارزهای بی امان و طولانی بسیار امهرالمسج جهانی و جیره حواریان در انگلیش سازمان خواهد داد .

هَسَّ العَمَلِ دَشْنِ دَر قِبَالِ دَرگِیْرِ نَزوین ؟

عکس العمل سناد پلیس دشمن در مقابل دَرگِیْرِ نَزوین جالب توجه بود و نشان میداد که روسای پلیس و سازمان امنیت در شرایط سختی قرار گرفتند بطوریکه برای توجیه وضع خودشان به پورنده اند که با روغ

حلقی سراسر شماره ششم برداری سرسأخواریان رسد و روسای بالاتر را گرم نماید و باس ترنسار انساب محری که عملیات پیروزند حریکی در روسیه کدره ایهاش به اگه اشند اندکی بنا کند . آنها همانطور که پس از دستگیری رهبران دانشجو و معمم حانی اقدام سروان نیروی سربره را به ادرست دارند پس از دَرگِیْرِ نَزوین ماجرای اقدام نیک طبع شکمه گرا و وابسته به واحد آموزشی قریس قطب امر بودند تا بدین وسیله وانود سازند که توانستند به واحد عملیاتی که در طرح اقدام نیک تابع شرکت دانش فربه برفزند . این نیاز شد به ستاد عملیات دشمن به قدرت ناشی نشانه ضعف نوزی بیش از حد آن در فعال تاکتیکیهای چریکیست و حضا نشانه آنست که عملیات چریکی ضرات بسیار شد به روانی برکهرهای دانش وارد کرده است و لغت و اطمینان مطلق که نسبت به نیروی رژیم احساس میکردند در هم شکننده است و گوته دشمن هرگز حاضر نمیشد پس توسل به ادوغ حقایق را وارونه جلوه دهد

و برای حفظ روحیه کادر خلبانان و احسان  
ساری کند. مسئله دیگر اینست که دشمن  
میکوشد بطور مضطرب و نامود نماید که چه کجا  
مردودند و هر واحد چرکی بطور مضطرب  
برای عملیات بسیج شده و پس از موافقت در  
اجرای عملیات توسط نیروهای رژیم ناسود  
میشود. رویای ترسناک رشد و گسترش سازمان  
و یکی را انکار نباید و در ذهن مردم خشم  
ناامیدی و تأسیر و بکار. و این نوع جنگ  
روانست که دشمن بر علیه ما انجام میدهد  
ولی دشمن معمولاً در اجرای این تاکتیک  
موفق نیست زیرا صدمه و راجت برای اشیا

این امر منوط به دروغ گوئی و قسطن  
حقا یق شود و دروغ تا مدت زیادی از  
دیده گاه مردم پنهان نمیشود و هر بار  
که دروغ تازه او از طرف رژیم مسطرح  
میشود و از طرف سازمان انشائیگرود  
از اعتبار و حیثیت رژیم کاسته شد  
و رژیم رسوا و رسواستند و  
و بی آبرو تر میشود و بدین ترتیب دشمن  
طیروم نشه گریهای شکست میخورد و هر  
روز در ارتقا و توسعه اعتبار و تسلط  
مخالفتان بیشتر شکنجه میشود و مردم بیزد و ما با  
اعتبارهای خود این جریان را تسریع مینمایم.

د رود نسه ز بلند گسبان واحد آموزش لژیون

مسئله برگه بود خلبانان خلسی

# اخبار

سپارد اخلی

مجلس شورای دانشجو

پهران

پهران و غیر حقی ند افتند در مراسم  
بازیمای یکدیگر اختراع کند . ورود و خروج  
به هنگام التیام شدیدا کنترل میشد و تنها  
افرادى که کارنهاشان نمره ۳ شده . عفاکنگ  
داشت میتوانستند وارد شوند .

امسال پارکبان رشته های مختلف  
پارس و دانشکده ها تصمیم گرفته بودند  
بنام اختراعی به اعلام غیر قانونی بسوزان  
راهنمردی در مسابقات اخلی دانشگانها  
برگشت نکنند . گفته میشود نسبت به نسی

در راهپای با اعتراضات دانشکده صنعتی که  
از آذربایجان آمده دانشه است دانشجویان  
ساکن خوابگاه این دانشگاه در جلسه ای که  
روز یکشنبه ۱۵ بهاء برگزار میکند . تصمیم  
میگیرند که در روز بعد در دستجات کوچک  
به حاضرین در کار حطه کرده و گوشمالی  
جانانیه به آنها میدهند .  
اینست دانشجو

الذکاکها افرادی را بدین برگزاردی  
مسابقات اخلی انتخاب کرده و به بازیمای  
اصفهان است . علاوه بر این همه ساله این  
بازیمای در سالنهای مختلف تهران برگزار  
شده از دانشجویان و هر فرد علاقمندی  
آن توانست از آن بدین گیرد . اما امسال این  
بازیمای را بهر دو تنگه التیام آسمانی انجام  
دادند و فضا را کنترل به حدی بود که  
این فضاهاى تماشاگر ندانت حتی بازیمای

مبارز صفت ۵/۸ روز بعد این تصمیم را به مرحله اجرا در آورده و در چند دسته کوچک به عناصر گارد حمله کردند. در این حمله سه عنصر مرد و یک عنصر مزدور شازک به شدت کتک خوردند. عناصر مرد و دیگری که در آن حوالی بودند با دیدن این صحنه با فرار گشتند. چند لحظه بعد دهها مزدور گارد تمام ساختمانهای دانشگاه را اشغال کرده و به تعقیب دانشجویان که در حالت جنگ و گریز به تظاهرات ادامه میدادند پیوسته. این مزدوران وارد کلاسها شده و هر دانشجویی را که مطلقاً به دستگیریهایی می شدند به بعد از اینکه او را زیر شکنجه و لگد می گرفتند همراه خودشان می بردند. مزدوران به تاحقی حرمت استادان را هم نگه نداشتند. آنها بدون از استادان را به یاد کتک و دستام گرفتند. جلوی در ورودی دانشگاه هم تعدادی از ایمن مردان اینان و هر دانشجویی را که میخواست از دانشگاه جان خود را نجات دهد

و شتم قرار داده و به تعقیب آنها میپرداختند این عمل آنها باعث گردید که کسی از دانشجویان در حین فرار زیر شکنجه و به شدت مجروح گردد. در این جریان ده زیادهای از دانشجویان دستگیر شدند. این عملیات مردوران را سروان نوروزی رهبر ضفر گارد این دانشگاه رهبری میکرد. به دنبال کتک خوردن یکی از استادان دانشگاه بنام دکتر سمسازاده و توهین به استادان دیگری بنام دکتر محمدی توسط گارد مردور کلیه استادان دانشگاه ضمنی روز چهارشنبه ۲۸ به پناه از رفتن بکلاس خود را می کرده و چند نفری از آنها هم استعمال کردند. جریان امر به این شکل بود که در انضاب اندر این دانشگاه حقد نین از دانشجویان برای فرار از دست افراد گارد به استادان دکتر سمسازاده میروند. وی همسراه دانشجویان مذکور به داخل انانتر رفته و در اتاقی را قفل میکند. گارد بهای پسرای دستگیری این دانشجویان ابتدا در مسجد شکنجه در اتاقی بر میآید. ولی چون پولس





لوحات در سراسر خیابان امیرآباد که مقابل  
 دانشگاه اقتصاد است جلو از پل صحرای  
 و چند متر درجه در بارها می سوم جلسی  
 در دانشگاه همراه یک کامیون (گسار)  
 ترمیاسی (کنکرت) سید از ماند و گویا از روز  
 سه نوبه ۲۱ ر بهاء لدا کسانسی را بنسبه  
 دانشگاه راه میدارند که اشخان داشته اند  
 و از کسانی که حاضر میشوند برون و امتحان  
 بدهند چرا از هم دو سه نفر در  
 زمانهای مختلف امتحان میگرددند ، یعنی هر  
 که وارد میشد امتحان میگرددند ( هر موقع  
 که میخواهد باشد ) ، البته پل صحرای  
 ساختمان دانشگاه هم شده و مشغولین بجای  
 کارمندان دانشگاه از آنرا گذرد بوده اند .  
 دانشگاه میگفت در صبح روز سه نوبه لدا  
 در نظر برای امتحان به دانشگاه رفته بودند  
 در عرض روز و نوبه دانشگاه بد نظر رئیس  
 دانشگاه ( مذکور ) رفته و پس از برخواستن باو  
 میگردد که تا عاری نشدن تراسل و آزاد  
 نشدن رفاقتان امتحان نمیدهند .

در هنر سرا علامه الکن بخش شده که  
 دانشگاه را در ارتباط با نهادت دانشگاه  
 که در خیابان شاهی سور شهر خود ( حقیقت  
 علمی ) به نظرش و تفاوت در برابر پایش  
 دانشگاه دعوت کرده است .

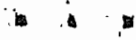


آخرین خبر از وضع دانشگاه ترم سراسر  
 در رابطه با دانشگاه و دانشگاه الکن  
 ( دانشگاه تهران ) حاکمیت که در مورد  
 دانشگاه طنی قرار است دانشگاه تهران سال اول  
 و دوم در مجموعهای خارج از دانشگاه تهران  
 مشغول در نظر خواهند شونده ( کلاسهایشان  
 در محل دیگری تشکیل شود ) و دانشگاه تهران  
 در همین راه نیز با دانشگاه تهران سال اول و دوم  
 در دوره عمومی که در محل دیگری تشکیل  
 نمیشود نام نویسی کنند ، البته در سه سال  
 پیش نیز این تاکید از طرف مقامات دانشگاه  
 مطرح شد ولی با محسوس و سر سختی  
 دانشگاه تهران مواجه گردید اما اکنون مقامات  
 دانشگاه در عهد آنند که حتما چنین

نام نویسی مدد و تعدادی را نام نویسی نکرد و وعده ای را هم مشروط اعلام داشته اند و بدین ترتیب از نظار روسی دانشه مسکان فرار و اجتناب فرار کرده اند . . .  
علاوه بر آن در مدت تعاملی دانشگاه وام به پرس و دانشجویان را دلیج کردند .



دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک بعد از تصاحب چند روزه خود که بخاطر احیم نویسی دانشجویان نظامی بوده است که در نرم دوام دارند دانشگاه شده اند و رئیس انظار باغات و سر مستخدم به انگلک دارا که آدم ساواکسی و شلیس، شلیس، پوسیله جانور شده اند احضروب نمود باند و بطوریکه وی را به بیمارستان منتقل میسازند .



بنا بر اطلاعات رسیده ترتیب بدستگیری دانشگاهها پس از چند ماه که بود جداتانهای کوهنوردی را فضاغ کردند با منج اعتراض سایر ورزشکاران دانشگاه موانع شدند و بطوریکه اصالی صبور مسابقه ای انجام نشد . لذا بعد از مواجه شدن با این وضع آنها تصمیم

گرفتند که مدد را بودجه اتاها را نامیس کنند و منی در مورد دانشگاه معمنسنی پیشنهاد دانشجویان در مورد مرسی وام پذیرفته اند و تقریبا مجبور به دادن امتیاز شده اند .



شبهه

لطافرات دانشجویان دانشگاه شبهه بناسبت بزرگ است روز ۱۶ آن روز در دانشگاه علوم با اعتراض دانشجویان به تصمیم دانشگاه منلی بر تعلق گرفتن وام به کسانی که نمرات بالا داشته باشند آگاز شد کسی بهیچ وجه این تصمیم مورد تأکید و پذیرش دانشجویان نبود است . زمزمه های مخالفت آمیز کم کم در افه این وسیع میشود و مخالفت بالا گرفته به تعطیل دانشگاه منبر میشود . در این گیرودار ۳ ماه بطور متنگر میشوند و به ساواک پرد می شوند . موضوع سرعت به دانشگاه های دیگر منتقل میشود و زمینه های صلح بعضی میآید . دانشگاه اقدام به عملیات پیشگیری و بازدارنده میکند در دانشگاه ادبیات خانمی که جریرتگ و

آموزشی است بهر کلاسی که میبرد همراهِی دانشجویمان معتقد میخواند که نماهجه های خوبی هستند و فلان و بهمان هستند و بسیار نسنی که با سر پرستان و انشگه داشته ایم تصمیم گرفتیم که به همه شما وام بدیم تا بتایرین از شما خواهش داریم که کارهای بدگانه نکنید و کلاسها را تعطیل نکنید و نظم را بهم نزنید و از این قبیل مزملیات گفته میشود او ساراکی است بعد از این صحبتها دانشجویمان با اطلاعیه ای بر روی دیوار دانشگه مواجه میشوند که شرط معدل را در دانشگه جهت گرفتن وام ثان لم یکن غده اند کرده و نوبت مساعد برای همه را میدهند

مداری با روز ۱۶ آذر تقاضای شروع میشود و جمیع عای چند نفری و بدنیال آن چند جلد لغری و تعطیل بعضی کلاسها و بدنیال آن تمامی دانشگه ها در دانشگه ایامت دانشجویمان مبارز کلاسها را تعطیل کرده و استادان و کارها را بجهت میکنند و درهای دانشگه را بسته و در صحن حیاط جمع شده شروع به ناپیش میکنند <sup>بسی</sup> نماش اعتراضا

از وضع موجود با شمارهای زیاد گنسه بهتر از همه "انصار" مبارزه پیروز "دانشجو پیروز است" - "کارگروه هفتان دانشجو پیروز است" داده میشود

بهر حال با اوج گیری شعارها و اعتراضات کار و دانشگاه و پلیس ضد شورش حمله میکند و دانشجویمان فرار میکنند و غده ای دستگیر میشوند و برخورد هائی بهمین میاید

غده ای از طرفین تک میخورند و بعضی باهر میشوند که دانشجویمان بد اخل کرده و غنایان رفته و شعارها و اهداف خود را با مردم گنجه و غنایان مطرب نشانند و پس فرصت زیادی نبود و دشمن بزودی بسا واحد نفای بیشتری وارد عمل میشود و پس -

گذارد تفاهرات به غنایان اراد و نزد یکی های نبره حضرت برسد و آنرا سرکوب مینماید

تعداد دستگیر شدگان بین ۶۰ و ۸۰ نفر بود و با توجه به دستگیرهای روزهای بعد (در رابطه با ۱۶ آذر) طبقاً تعداد بیشتری دستگیر شده اند

اعمال رسیده در آخر آذر ماه حالکی از

گو اینکه شعارها باید مابلی و بصفت روزنامه  
و بالعاب لابل فهم، ولی این خود نشان می-  
دهد که حواسها و آرزوهای دانشگاهها  
در چه سطح است .



### ارک

دانشجویان در سه مای ۱۹۰۰ بارها به  
خاطر بصفت ناسامان بهبه وند انشس  
حلف سرویس و کس بدو سه تمام دانشجویان  
سایر دانشگاهها ماهیانه ۵۰۰ تومان میده  
در حالیکه به آنها ماهیانه ۳۰۰ تومان  
میدانند ( بعضی مسئولین دانشگاه رفقه  
و دوستهایشان را خارج کرده بودند  
ولی ترتیب اثر نمیدانند تا بالاخره  
دانشجویان تصمیم بگیرند در روز ۱۲-  
احمد ارفتن به سر کلاس خود را می کنند  
بر آورده شدن خواستهایشان اصلاح اصحاب  
کند آنها به شهر اراک میروند و جوانهای  
صنی خود را در شعارهایشان بارگو میکنند  
تعدادی روز ۱۲ احمد صادر بود با اعلام  
حزب و سنا غیر از طرف شاه . پلیس دانشجویان

این است که . د لار را یکی اخراج کرد ماند  
پرونده های آنها را هم بهشان داد و اند از نکات  
مده جنبش و اندوقی شهید حمایت مردم  
المرات دانشگاه می باشد که بهنگام بعوش بهلمس  
در و خمسه های راپناه داد و اند و از خلسرات  
احتمالی ضرب و شتم و باد سنگبری و رنسدان  
د انشجویان را نجات میده . این موضوع  
است که خود دانشجویان بدان اذهان دارند  
و خیلی از این امر خوشحال هستند که مردم با  
آنها درواض می کنند . نکته دیگر اینکه اخیرا  
د روزهای لغاهرات اراک و دانشگاهها و  
اضنی در بین تلوزیونی و کاسی در حال می-  
آورند تا برای شناسایی دانشجویان و نظاهرات  
از آنها فیلم تهیه کنند .

از اینکارات جالب توجه دانشجویان اینکد در  
یک از روزها نزدیک ظهر ماشینی کرایه کرد ماند  
و یک پارچه بزرگ بدوران بسته و در مای هم  
داخل ماشین نشسته بودند . روی این پارچه  
بزرگ شعاری باین خصون نوشته شده بود " به  
امید روزی که جامعه بی طبله باشد این ماشین  
و شمار هجیش را در فلکه سراب هم دیده اند

را محاصره می کند ولی وارد عمل نمی شود و رئیس شهرتانی جرئت نمی کند دستگیر حمله بدهد و فقط تهدید میکند. دانشجویان تا عصر در خیابان می مانند. روز دوم مجدداً از ساعت ۸/۱۵ در خیابان جمع میشوند و شروع بدادن شعار صلی و سیاسی میکند و "اتحاد - مبارزه - پیروزی" و "مرگ پسران استعمار" از جمله شعارها بوده است. تمام شهر اراک تحت تأثیر دانشجویان قرار میگیرد و حتی پیچهای خرید سال معاینه های دانشجویان را در خیابانها و کوچه ها پارکو میگردند. تیر پل به ظهر دانشجویان که خواسته هایشان برآورده نمیشود به پلیس احاطه کرده و شبیه های ماشین رئیس شهرتانی و ماشین پلیس را غارت میکنند. پلیس نیز شتاباً حمله می برد آرزو هر چه چنانچه دانشجویان را گریخته و کتک میزند. دانشجویان پراکنده میشوند و مجدداً در خیابانها جمع میگرددند و شروع میکنند به شعار دادن و تیر پل را محاصره میکنند و در خیابان تان و در خیابان میخربند و اتحاد را تاراج میدهند و سر در دانشجویان در وسط خیابان اصلی شهر

جمع میشوند. تیر پلها بهم میچسبند. پلیس که حالا بوسیله شهرهای اطراف تفریت شده دانشجویان را محاصره میکند و رئیس شهرتانی هم مرتباً با تهران تماس میگیرد. رئیس شهرتانی که خود جرئت حمله بد دانشجویان را نداشت به رانندگان تاکسی دستساز میدهد که با ماشین به میان ۸۰۰ و ۱۰۰۰ نفر اختصاص یافته بپرند و آنها را پراکنده سازند با وجود اینکه رئیس شهرتانی آنها را تهدید میکند ولی رانندگان ناامید جمعیت نمیکند. یک نفر کتک را کتک میدهد و رفتن و ماندن در میان دانشجویان را میکند که با سنگ از او استقبال میشود و او را با به طبگرد میبرد. دانش آموزان شهرتانی ها در تمام مدت از اختصاص دانشجوستان شایسته میگردد. در آن شبها در پاره و پنجه کلاهها شعارهایی به نفع دانشجویان بیان میدادند. در حدود ۱۰ نفر از آنها حتی تشکیل دادند و بعضی بویختن بد دانشجویان بان از بد بویختن مانع میشوند که پلیس آنها حمله میکند و دانش آموزان را خوشنوی

۴. پلیس به دانشجویان نیز حمله کرد. تعدادی را دستگیر می‌کند و بقیه را به دانشجویان حتی در کچه پلیس با سپرد ارد. پلیس که در این حال از شهرهای اطراف نظارت شده بود برود و بازار و در تاکس همکس و آگه دانشجویان دستگیر می‌کند و از ایرانیان کارت شناسایی مطالبه می‌کند. از آن درهای خانه خود را به رو و در میان لخت تعلق باز کرده و جنسی پس از دانشجویان با او می‌برد. ۴. پلیس سرکوه هائی که تشنه می‌باشد دانشجویی در یکی از خانه‌ها پناه داده آتش می‌باراند تا دانشجویان را بکشد و او را دستگیر نماید. ۵. کمر شدگان نیز در ۳۲ نفر بودند. ۶. بنامه پلیس ارد دانشجویان حمله کرده و آنها را بازرس کردند. ۷. یزد صومر جوان در خیابان دشت دشته جمع و در ضمن در آن یزد پلیس که بسیار ترسید به خط مراکش از صحنه جمع دانشجویان

پانزدهم گردیده و فلا به آجاز تشریح و صبر با رسیدن دانشجویان (حدود ۲۵ دانشجویان) هفت نوبت حمله آنها حمله کرده دستگیر می‌دهند که حرکت نکنند و دستیاران را برده و بویه و بوار با پند و نسام ۷۵ هزار کتک زنسان وارد ماشین کرده و به شهرهای می‌برد و آنها را نامربوب بگردد آتش هروب آزاد شان می‌دهد و ۲۷ نفر فانی و اسیر آرد کرده و هزار می‌شود که خواستنیان بر آورده شود و سیزان در آن در ۵۰۰ تومان تخمیس می‌کند.

تقریباً در هفته اول آگست ۳ دانشجویان در سه مائی اران (اسپانین آن در شمالی) مرغان حدود ۱۰۰۰ داشت و ارد (در دست به انتصاب رفته. جبران از این قرار بود که تا شروع نبرد دوم دانشجویان سه صد و ابراهیم را اگر در وضع طلب می‌دهد و رئیس در سه سر لقمه کرده و جوانهای خود را که همان درست کردن طلب می‌دهد پس در عنوان کرده. بهر از چند بار رفت و آمد و رئیس در سه در وضع هزار نفره دانشجویان با لحن خفوا آرد به دانشجویان می‌گوید که

تقریباً ۱۱۰ نفر از آنها را به تهران میفرستند که در جریان تظاهرات مردم اراک همچو سایر اراکها حمایت عالی از دانشجویان میکند. مثلاً آمدن پلیس آنها را بنیام و امه بسا مطلع میکردند.

### اعمال

امسال در انگام جندی شاهپور اهواز با وجود سختگیری های گارد سرد و پسا انتصابات شدیدی در رابطه با همه زدوی و اجرائی بر طبقه اقدام گسروه جزئی شروع شد. بخصوص دانشجویان سالهای اولی با تمام وجود در این انتصابات شرکت میکردند و انتصابات را به اعتراض و مخالفت بر طبقه حزب سحره رسانیدند. بعد از اینکه گروههای دانشمندی در دانشگاه شکل میدادند و همه با علاقه و همگان حله با ضحای گره کرده شروع به شماره های داخ سیاسی میکردند گارد حله میکرد پس از حله گارد وحشی که بدست رئیس مزرده خانشان شاه درم از همج

هریوید گواشی گسید بین چه مربوط که میخواستند در ای اراک مهت و شایب جوید و اشته و بان که از این نحو برخورد به خشم آمده بودند پس از زهر کردن رنجر در و شسته ها را شکسته و از صوطه داشته که خارج شده و وارد شهر گردیده و شروع به تها و در این نمودند. ( البته شمارهای آنهاخته صفتی داشته ) پلیس اراک به علت ندانشن تجربه مشابه و همجس گیت اندک اداسی نس کند دانشجویان که حدود ۱۰۰ نفر بودند نظهر را در میدان شهر جمع شده و به عنوان اعتراض و تهاارنان و ماست خوردند و بعد به جلوی فرمانداری جمع شدند فرماندار بآنها وحده و وعیدعاشی داد ولی او را نیزه کرد و فردای آنروز از شهر قم تعدادی پاسبان ( حدود ۱۰ تا ۲۰ نفر ) به اراک گسیل میشوند که در عمان برخورد اولی همه آنها بر وسیله دانشجویان تارومار میشوند.

در روز بعد از تهران مأمورین ساواک به اراک اعزام میشوند و شروع به گرفتن دانشجویان میکنند و حدود ۱۰۰ نفر را گرفته که

ادب و آزاری در حق دانشجویان حق طلب  
 باید کوتاهی نمیکند و دانشجویان از اشکاء  
 خارج شده و به محله های مختلف مراز  
 میشوند مخصوصاً به محله لشکر آباد لاهور  
 که ضلعه ایست مخصوص مهربان فقیر و این  
 محله و دانشجویان با تشریح نظراتشان و ملت  
 انصافهایشان بزبان ساده رابطه و مناس  
 صفت را بین خویش و اهالی ضلعه برقرار  
 کردند پنجمی که بعد از اینکه پلیس ارتاکمک  
 و دانشجویان با خبر شد فوراً به محل تجمع  
 و دانشجویان حمله کرده و دانشجویان شوع  
 به فرار کردند ولی اعالی نام درهای  
 خانه هایشان را به روی آنها باز گذاشته  
 و با مهربانی از آنها میخواستند که در منزل  
 های آنها بمانند و شروع به مسخره  
 کردن پلیس و خندیدن به آنها میکردند  
 حتی در یک مورد که یکی از پسرها در معرزه  
 حمله چند پلیس فرار گزین زنی که جلوی خانه  
 فقیرانه این ایستاد بود فوری به پسر  
 پهنسپاه کرد که به خانه او برود ولی این پهنسپاه  
 که مردان خود را فدای خلق شکرش خود میکند

حاضر نیستند که لطمه ای حتی خیلی کبک  
 هم بخلق وارد شود. از اینرو از رفتن به  
 خانه او خودداری کرده و میگردد آخر در  
 نعمت من هستند و مکن است بخت ناراحت  
 شما بشوم که در اینجا زن خلیس سریع دست  
 پسر را گرفته و در خانه اش صفت میکند و  
 عصب موقع صدای در بلند میشود زن فوراً  
 آشپزخانه رفته و با کار آشپزی بطوری  
 در رفتن و ضدش این بود که از هر دو پلیس  
 باین صورت جلوگیری کند. این نمونه  
 کوچکی است از درهای بهترین حمایت خلق  
 در انصافات امثال دختران دانشجوی  
 اهل ار فعاتت جشمگیری داشتند. برای  
 نمونه اینکه دیوار کلبه شیشه های هواگساره  
 و دانشجویی را خود کرده و گارد برود را به  
 محل کشاندند. دختران با شمارهای  
 "رفقایمان را آزاد کنید" برادران دانشجوی  
 خود را همراهی میکردند. با فرارسیدن  
 دوره تعطیل دانشجویان و پراکندگی آنان  
 در سگانه دست به دستگیری حاضر شانند  
 شده جرمات بهایقت اصالت برده است.



اندایا - ایراسند - خرداد ناد بالول  
ا- اید .

\*\*\*

رشته

در روز ۱۱ اسفند ۵۳ دانشجویمان  
مدرسه عالی بازرگانی و حسابداری رشته  
اساس نبودند . این اعتراضها اعتراض  
ساده دانشجویمان در ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه  
شروع شد . خواستهایشان معمولی استادیهای  
حسابداری ( نرائی و بالازاده ) ، تفریح  
رئیس مدرسه ( حوض ) ، رسیدگی به وضع  
عدا و دریافت دستبندهای بیمه بود که  
بلاتالعه درود یک گروهان پلیس بهمراهی  
بند ساوانی سرگرد و سرانند و تیسار محل  
آمده و شروع بد نصیحت دانشجویمان کردند .  
تیسار دانشجویمان را در سالن تریسا  
جمع کرد تا برایشان نطق کند ، ولی بعضی  
تجمع ، دانشجویمان دسته جمعی تریسا  
بیزند ، تیسار باید برقرمه . مسی پلیس  
در ساعت کرد نشان سودی نداشت و دانشجو  
یمان تمام شیشه های مدرسه را شکستند .

بنا به گفته یکی از دانشجویمان - درود .

تفر دستگیر شدند . این اعتراضات ساعت

۳ بعد از ظهر ادامه داشت و دانشجویمان

کلاسهای بعد از ظهر از رفتن به کلاس خود

داری کردند .

\*\*\*

تبریز

در تاریخ ۶ اسفند در دانشگاه تبریز

اعتصاب دانشجوئی جریان داشت که

دانشجویمان این اعتصاب را با دادن شعار

"تبریزها بد اندید گرانی بهماره کرده - ما

را گرسنه کرده ، بد اندید - به خیاربانهای

تبریز کشاندند .

دو روز بعد ساختمان سازبان جوانان

حزب ایران نوین ، روبروی دانشگاه را آتش

میزند .

در روز هشتم اسفند دانشجویمان وارد

بازار تبریز شده و با دادن شعارهای سیا

شیشه های بانک بازرگانی ( شعبه بازار )

را می شکنند .

\*\*\*

### خبرهای دیگر

#### نهران

در یکی از روزهای اوایل اسفند هنگامی که چند نفر از رفتای آروسی را که در ناهستان ۳۳ درمندان دستگیر شدند (ولفانترگ و سلاجی) جهت محاکمه به دادرس اوتش آورده بودند یکی از آنها تعادرت به فرار میکند . باینس نزدیک که در طبقه دوم خود را به شیشه پنجره کوبیده و با شکستن شیشه از لوله پنجره خود را بداخل حیاط دادرسی پرت میکند و موفق میشود از نرده های دادرسی گذشته و در حالیکه همه زیادی از کارندان و مأمورین و سرایان صلح دادرس بدنبال او در طول خیابان میدویند و خود را به چهارراه خضر برساند و در آنجا هنگام عبور از عرض خیابان با یک گاسین برخورد میکند و بدنبال این تصادف یکی از کارندان شخصی دادرس او را میگیرد .

بقرار اطلاع بعد از دستگیری مجدد این رفیق را در حالیکه زخمی شده بود در محصل

بشدت کتک میزنند .

« « «

انتخاب زندانیان سیاسی زن بحاطر وضع بد آنها با هجوم مأموران زندان مزاحمه شد و پس از رد و خورد آنها را به انها پاشسان برمیگردانند . در این برخورد دندان یکی از رفتای دختر می شکند .

« « «

بدنی است که مأموران زن در بهمن دانش آموزان دوره راهنمایی در برخی از نواحی شهر هرامهرستانهائی توجع کرده در آن سزواتی اراين قبل مطرح میکنند ؟

چند خواهرو برادر دارند ؟

هر يك چند سال دارند ؟

شغل هر كدام چیست ؟

آنها با شما در يك خانه زندگی میکنند ؟

برادر یا خواهرو یا پدر شما در خانه شناخ میشوند ؟

برجسته است؟ رژیم خونخوار به سر و سینه است از برای نجات خود فزونی میشود و کنترل پنجوی خود را بر مردم عادی با حیثه عمای مختلف لغت میدارد و حتی با این طریق میخواهد بر ایدئولوژی و سیاست را بازه مبارزین بیفزاید.

■ ■ ■

حدود روزهای شنبه و یکشنبه (۲۰ و ۲۱) در دید مدرسه راغنائی تحصیلی بنام رفعا واقع در بسیم جاد آباد زد و خوردی بین محصلین و پلیس پهن عماید بدین شرح: یکی از محصلین این مدرسه که با محصلین جدید رابطه عمیق و نزدیکی داشته و بطور مرتب کتابهایی از صد بهرنگی و . . . در اختیار آنها قرار میداده و حتی بخشهای سیاسی در سر کلاس میگرفته توسط کمیته دستگیر بشود محصلین از این موضوع با خبر میشوند و روز دوم نفر از محصلین ضمن مدرسه خاصر ساواکی یزده اند. آنها فکر میکنند که از طرف ضمن محصلین ساواکی - معلم آگاه آنها لورفته امت و تصمیم میگیرند که ایمن معدهین ساواکی را کک بزنند. در روز شنبه

با یکشنبه حدود ۲۵۰ - ۳۰۰ محصل جلوی در مدرسه تعمیر کرده و وقتی که محصلین ساواکی بیرون میآیند شروع به کک زدن آنها میکنند بطوریکه مدیر و ناظم مدرسه مجبور میشوند به پلیس اطلاع بدهند. محصلین ساواکی را با عالی بسیار وخیم به بیمارستان میبرند.

با تلفن مدیر دو عاشقین پلیس به جلوی مدرسه آمده و شروع به کک زدن محصلین میکنند و این جریان محصلین یک دبیرستان دخترانه که در آن نزدیکی و کوی دیوار به دیوار مدرسه رفعا بوده بکک محصلین من آیند در نتیجه زد و خورد بین محصلین سنگ و آجر بدست و یاسبانهای باطوم بدست تا مدتی ادامه مییابد تا اینکه کمیته دخالت می کند و این امر منجر به دستگیری عده ای از محصلین میشود. در این واقعه تصدیر زیادی از محصلین زخمی و به بیمارستان منتقل میشوند.

■ ■ ■

پروچرورد

تا بحال ۸۳ نفر را در رابطه با رلیقی محمود حرم آبادی و رلیقی لعلی دستگیر کرده اند.

بنه ها و باغ و صحرا و تنه هائی که شهر را در میان گرفته و گردشگاه مردم و بخصوص جوانان بوده است که هر ریز برای هواخوری یکی دو ساعت از شهر خارج میشوند و بخاطر وضع خاصشان قدغن شده است و از اسفند ماه سال ۵۲ دیگر کسی حق ندارد به ایمن شکل از شهر بیرون برود و تا بحال عده ای به خاطر رعایت نکردن این امر مورد بازجوئی قرار گرفته اند.

■ ■ ■

در پروچرورد ریز برفی فشار بر مردم بیشتر و بیشتر میشود و کودکان هفت یا هشت ماهه هم از این امر مستثنی نیستند. بطوریکه اگر دو کودک دانش آموز در صحن مدرسه با هم مشغول صحبت باشند و ضمن صحبت دو بهار اطراف خود را نگاه کنند مشکوک تشخیص داده شده و از طرفی مدیر و ناظم مدرسه بازجوئی

کشیده میشود. هر اعتراضی ولو در سطح معمولی صورت گیرد جرم محسوب میشود. کودکی که بخاطر کندیدگیس پرنفالی که بعنوان تغذیه رایگان باور داده بودند اعتراض کرد فوراً در دفتر مدرسه از او بازجوئی بعمل آمد تا بگوید چه کسی او را برای اعتراض تحریک کرده است. در ایمن موارد معلمین مدارس نیز به شدت در فشارند بطوریکه دو معلم حق ندارند دور از دیگران با یکدیگر و یا با یکی از شاگردان صحبت کنند.

■ ■ ■

خرم آباد - پروچرورد

طبق تحقیقی که شد تعداد ۱۴ هزار نفر از کردها را در سراب پروچرورد جایگزین کرده اند. همچنین ۱۳ هزار نفر را رهل - هرو خرم آباد جایگزین کرده اند. حیرت‌آور نفر روزی ۱۴/۵ تومان است و بطوریکه میگویند افراد تحصیل کرده مانند مهندس و دکتر در میان آنها وجود دارد آنها را نمی گذارند از منطقه خارج شوند و هر روز عده

و عراق شود ، ایران لباس ارتشی تن اینها  
میکنند و بمنوان سرباز به عراق میفرستند .

\* \* \*

### تبریز

روز یکشنبه ۱۸ اسفند ناآسیرانان تبریز  
جهت افزایش نرخ تاکسی ( نرخ تاکسی  
در تبریز ، ( ریال ، میاشد ) به محل باغ  
گلستان تبریز رفته و در آنجا اجتماع میسازند  
ناینده اتانی اسنای موافقت مینماید که بعد  
از عید نرخ تاکسی افزایش پیدا کند .

راهنمندان که از این به تأخیر انداختن  
و زنده و عید دادن بجا ناراضی بودند بعد  
از مدتی با تهدید به اعتصاب مدخل را ترک  
میکنند . جالب اینجاست که روز بعد رادیو  
و روزنامه های مدخلی این اجتماع را با آب و  
تاب تمام نقل کرده و میگویند که اجتماع  
عضی از تاکسیرانان تبریز جهت پیوستن به  
حزب رستاخیز ملی در محل باغ گلستان  
تشکیل گردید !

\* \* \*

بعد وی از آنها عرایبه ، شهر خرید میکند .  
مدتی بعد از بد ایگیر شدن آنها ، استانداری  
خرم آباد کارندان شرکت تداپنی را جمع  
میکنند و به آنها میگوید بروید در ساعات و سر  
: و آذوقه است بخیرید . حتی گفته از قیمت  
مدخلی بم گرانتر بخیرید . در مدتی که این  
انفراد ، ایگزین شده اند وضع گوشت و نان  
ذیلی خراب شده است .  
عذر الخط: مردم :

مردم در ورود این افراد بسیار ناراضی  
میشوند بجز افراد ای که با او صحبت میکردیم  
میگفت ما خوب ... بی روی ندارم خوریم اینها  
را هم آورد هاند اینها ... بقی دیگر میگفت از  
با بزرور پول بیاید و مال است ... در صدد هستند  
به اینها بخورند ، از بلند نظر از آنها پرسیدیم  
که فکر می کنید اینها برای چه به اینجا  
آمده اند ؟ آنها میگفتند ایران اینها را میخواهد  
نگهدارد که هر وقت خواست از آنها همیشه  
عراق استاده کند . حتی یکنفر میگفت : چون  
این افراد تمام سوراخهای عراقی را میدانند  
برای این منظور اگر روزی جنگی بین ایران

بند رشاچیور

ژاندارنها محدود را محاصره کردند و برای ترساندن کپرنشینها چند تیر توائی شلیک کردند و بعد برله در آن شروع به تخریب کپرما کردند .

\* \* \*

لنگرود

دولتکروز . سما حکومت نظامی برقرار شده است . در ساعت ۸ بعد از ظهر تیرجوانی بیرون از منزل باشند دستگیر میشوند . مغازه ها نیز حدود ساعت ۷/۵ تعطیل میشوند . در شهر شعارنویسی بطور مرتب ادامه دارد و با آنکه هر روز شعارها را از روی دیوارها پاک می‌کنند ولی روز بعد مردم شعارهای جدیدی بجایشان مینویسند . در رابطه با شعارنویسی تا کنون قریب به ۱۲ نفر دستگیر شده اند که احتمالاً آنها را تهران انزام داشته اند . از دستگیرشدگان تشر مشهدی ، و یکفر خوزستانی اند کسه به خوان دبیر دبیرستان ( افسر وظیفه ) دست می‌کردند و بقیه محلی هستند . برای برقراری حکومت نظامی در ایمن

طابق خبر رسیده ، کپرهای بند رشاچیور را خراب میکنند و در حدود  $\frac{1}{3}$  آنها را تا کنون خراب کرده اند . علت خراب کردن آنها اینست که :

۱- میخواستند اسلحه را توسعه دهند ، چون رفت و آمد کشتها زیاد شده است .  
 ۲- بخاطر رفت و آمد خارجی ها چون وجود کپرما در روغ بدون تبلیغات رژیم در مورد پیشرفت و ترقی ایران را برای آنها آشکار سازد .  
 منزلهای خمیری را در مرضی ۸۰ تومان و آجرها را را در مرضی ۱۲۰ تومان خریدند . این آجرها بسیار کوچکند . برای کپرنشینها در سر بند منزلهای ساخته اند و قرار است که بعد از ۶ ماه در این منازل باشند و یسول آب و برق را بدیند و بعد از ۶ ماه آنها را بخرند و اگر پول نداشته اند که منازل را بخرند بد بیرون بروند . این کپرنشینها اغلب کسر کنند . موقع خراب کردن کپرها با بولدوزر ، در راههای صلح را هم بحال آورده بودند .

نظامی بخود گرفته است .

\*\*\*

### تهران

در زندان سر و سر ملاقات نگنده باید  
 عکس یا مدارک دیگر ارائه دهد تا برای  
 او کارت ملاقات صادر کنند . بعد از صدور  
 کارت هر زمان که برای ملاقات بخواند  
 مراجعه نماید ، مقامات زندان پس از مطابقت  
 نمودن با کارت ملاقات ، او را می پذیرند  
 ملاقات کنندگان نمی توانند هیچ پولی  
 به خود زندانیان بدهند ، بلکه پول را  
 باید به صندوق داده و فیش دریافت نمایند  
 و زندانی باید وسائل محدود مورد  
 لزوم خود را که نباید از حدود ۲۰ تومان  
 بیشتر باشد از فروشگاه زندان خریداری  
 نماید .

\*\*\*

نهر از جاهای دیگر سرراز به لنگرود آورد ماند  
 سررازان همین در چند نقطه از سه راه  
 هیچان - لنگرود چادر زد ماند و رفت و آمد  
 ما را کنترل میکنند و در ظاهر میگویند استقرار  
 این سربازان در این محل برای جلوگیری از  
 ورود دامها به حاد ، ما سانه !

\*\*\*

### آستانه

در بخش آستانه که نزدیک هیچان از  
 مسیر رشت قرار دارد و راه لاهیجان - ساری  
 از کنار آن میگذرد ، مدت دو سال است که  
 حداقل کنترل بیشتر منطقه ، شهرانی بسد  
 ژاند ارمری تبدیل شده است . مردم آن این  
 تبدیل را غار بیشتر بخود دانستند و ارکنترول  
 کتبه امور توسط ژاند ارمری سخت ناراحت و  
 خشمگین بودند ، همزمان با انفجار پاسگاه  
 گروغان ژاند ارمری لاهیجان که توسط  
 چریکهای فدائی خلق انجام گرفت ، بسیار خوب  
 و شگله به ژاند ارمری آستانه حمله می کردند .  
 بدنبال این جریان آستانه نیز حالت حکومت

تصادف اتوبیل در حادثه قتل - شرح

در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ یکی از بهترین رزندگان سازمان با در حین اجرای یک مأموریت سازمانی بر اثر یک حادثه رانندگی در حادثه قتل - شهید شهادت رسید.

رفیق جعفری در راه ایستادند ساعت پیر از نیمه شب در حال حرکت بسمت بحال مأموریت بود و زخمی رانندگی اتوبیل را بر عهده داشت بر اثر خستگی شدید ناشی از فعالیتها بسیار شد ریشسته فرمان اتوبیل بحواله رفت و در این اسیر باختم شد که اتوبیل ژبانی که وی رانندگیش را بر عهده داشت با یک اتوبیل وانست ساد یافتند. بر اثر این تصادف رفیق جعفری در دم نشسته میشود و رقیب دیگری که در عقب اتوبیل مشمول استراحت بوده است جراحات اندکی برداشته ولی دچار خرید مغز و در حالت نسبی و برعکس بوقت میشود ولی جالب توبیه اینکه رفیق تا حتی در حالت نسبی ناشی از ضربه مغزی وظیفه

چون که خود را برادر شایسته و بطور غیر معمولی تمام موجودات و وسایع امرادی رسی حمله را از آفرین بار کرده و محتویات جیبها، رنج را جز آنکه از شروع صد و صد تنی حالت چند و چه از محدوده اندکی دور شده وجود را حتی از آنجا بیجا میرساند در راه که از آنجا دیدار و کوچه ریانا غذا بارگرفته در ایستگاه را بخوابد سیار در دست. تخلیه مدار و بیجا رقیب جعفری در شش را در تعیین صوت رفیق در آنجا بسیار در حال پیر از چند روز در شش وقت به شک خوب رسیده میشود و بدنهای آن اعلام میدارند رقیب جعفری در میان درگیری مسلحانه شهادت رسیده و موجودی مسلح و بسیار تاز بدست دشمن افتاده است. قابل توبیه اینکه دشمن از حادثه ای، حتی حادثه تصادف رانندگی در یکجا برای بالا بردن روحیه کادرهای خود استفاده میکند و دشمن را بر این مطلق



تکمیلیها

در تاریخ ۱۵ تیر به برگشتن پایتخت گلبیا  
و تمام شهرهای بزرگ دیگر تمتع شد بدترین  
کنترل های پلیسی قرار گرفت تا از برگزیده  
اقدامی از طرف مردم بهضامیت نهیمن  
سالگرد شهادت کمیتس انقلابی "گامیلوتورز"  
جلوگیری شود. دولت با وجود اینکه  
بگفته خود قریب ۷۰۰ نفر را بعنوان احتیاط  
دستگیر کرده بود. اختلام بد امت کسسه  
تظاخرات بشرطی که رعایت قوانین قانونسی  
شود و با کسب اجازه توأم باشد مجاز است!  
انقلابیون بهاد بود این سالگرد چند عطیات  
کردند که بهترین آن اتمثال شمال شهر  
خودالس بدت چند ساعت بود. در ایمن  
جرمان یورش نیروهای پلیس محلی باکشته  
شدن و زخمی شدن چند پلیس در همسم  
شکسته شد و هیچگونه تلفاتی به نیروهای  
انقلابی وارد نیامد.

\*\*\*

نیکاراگوا

جبهه آزاد بهخش "ساندی نیسا"

نه غالب مرد آگاه جامعه از جریان تصادف  
ریو - متری مطلع بود. اند ماخرا را بدورت  
بان در تیزی مسلحانه منعکس نمود و اعلام  
کرد که اسلحه و مهمات رفیق را صفا کرده  
است در حالیکه اسلحه رفیق هم آسون در  
سارمان ما مورد استفاده سایر رزمندگان  
سارمان قرار دارد. بهر حال بار دیگر  
ضمت و ریونی دشمن هلیفرم سرنکشساو  
دستاوردهای مسخره اش بر ملا گردید و  
"دشمن رسوا را رسوا تر کرد".

\*\*\*

اخبسار خارچیر

مالسزی

در ۱۲ فبریه بهین از ۵۰ جریک مالسزی  
یک تن حامل مواد برای قوای دولتی رادر  
شمال کشور منهدم کردند. در دهات اطراف  
قدار زیادی نوشته های مارکسیستی پخش  
کردند. بنا به احترام مقامات دولتی ایمن  
شدت عمل جریکها در ۲ سال گذشته بی-  
نظیر بوده است.

شدند و از آنجا که این سازمان است  
سه واحد برای برپایی روزنامه‌های  
نشور دارند و توانسته است فشار حس  
بزرگی از دهانتان را جود حل کند .  
کارگران و اشاری از جود بورژوازی پستیان  
این سازمان در شهرها هستند .

\*\*\*

### بگریک

لوسیو کاباناس از برگزین رهبران بگریکی  
مکتب در ماه دسامبر گذشته شد . چهار  
کاباناس در بر حمله وسیع نیروهای نظامی  
در ایالت گزرو صورت گرفت که طی آن  
کاباناس و ۲۷ تن دیگر مورد حمله واقع  
شدند .

کاباناس رهبر سازمان بگریکی روستاها  
بنام " حزب مستعدان " بود . وی در آثار  
معلم روستاهای گرو بود و ۷ سال پیش  
برای مبارزه با فقر و جهل سرمایه داری  
و امپریالیسم به جنگ بگریکی مبادرت کرد  
اصلاحات ارض از طرف وی در تعدادی  
که حتی بطور موقت آزاد میشد . حمله بست

تعالیهای جود را شدت بدستیه است . این  
جبهه در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد و نام جمهور  
را بناسبت تجلیل از اگوستو ساندریونهرسان  
طی نیکاراکوا که از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۳۳ اغند  
آمریکا جنایید انتخاب کرده است .  
عطیات چمنگیر این گروه در اوایل دسامبر  
۱۹۷۴ ضربه آردی ۱۴ نفر از زندانیان  
سیاسی و ابرام آنها بد کوبا شد . ایس  
عطیات کروگان گرفتن چندین وزیر و سفیر درین  
مجلس صحنی بود . خواست انقلابیون  
آزاد کردن ۱۴ نفر از رفقای آنها بالا بردن  
سختن مرد بسیاری از کارگران ، اخذ دیلیسون  
دلا و فرامیت و قرائت اعلامیه ضد دولتی  
در رادیو و انتشار آن در روزنامه‌ها بود که  
موفق شدند . رئیس جمهور نیکاراکوا ژنرال  
سونوزا که پدرش هم رئیس جمهور پیشین  
بود و توسط یکی از طرفداران ساندریونهر  
۱۹۵۶ کشته شد ، از ترس دچار شدن به  
سرنوشت پدر بوحشت فوق العاده افتساده  
و در سراسر کشور حکومت نظامی برقرار کرده  
است . منهدا فعالیت و عطیات این سازمان

سرمایه داران و مصادره سرمایه آنها باعث  
محبوبیت فوق العاده او شده بود. ارتکاب  
پنجر دولت کارزار وسیع برای دستگیری  
او پراه انداخت. به گفته مجله "جهان آراگران"  
ارگان "سازمان جوانان ضد جنگ و فاشیسم  
آمریکا" صد ها هزار نیروی دولتی برای دستگیری  
کاباناس، و تلاش کردن سازمان او به هیچ  
شدند.

دولت از ترس "کاباناس" روحیه  
انقلابی و مبارزاتی طبع از او مهربان  
چهاره اش را در عیال و در عیال با همینی  
بدان بسیار ناخلاق طریق نتواند از او بداند،  
تقد و عامل از اینکه گریه آباناس نشسته شده  
است و ولی در بند سایش که از مرکز تاباناس  
میگردد و سازمانهای دیگری شهری و روستایی  
طریق تصمیم به شد به مبارزه خود و نزدیک  
شدن بهم گرفته اند. موجی از مصادره بانکها  
اندام های انقلابی و نزدیک را فرا گرفته است  
۲ نفر از هر یکهای "اتحادیه کمونیستی ۲۳  
پنجامیر" بنامه سه دقیقه دو بانک را مصادره  
کردند (۲۰۰ دلار دلار) ده پلیس را کشته

و سلاهای آنها را مصادره کردند و انقلابی  
های توفیقی پیش نمودند. گردگان گرفتار

سه نفر از تشواگری براسه و ساداره  
انتوبیل حامل پول و نقد در شهر داری نزدیک  
سینی نیز از غلظت دیکر بود، که آنسترا  
نوسه "اتحادیه کمونیستی ۲۳ پنجامیر"  
بانفقا شهادت کاباناس انجام شد. این  
سازمان نام خود را به ساسیت برگرداند. روز  
حمله انقلابیون به اردوگاه باناس، مدعی شمال  
نزیان در سال ۱۹۶۵ اتحادیه نزدیک است  
و در سراسر مکزیک فعالیت دارد.

مخاطبان از اسرار رژیم پسان  
گسترده بود که حتی امیرات کومینیستی مسمی  
را هم در برگرفت. دولت مکزیک، برادر  
لوگید. از سالها انقلابیون به فعالیت  
"امیرات کومینیستی مسمی" را در مسمی  
آزاد گذاشت بلکه مریب هم میگردد. بعد از  
دولت در موانع حماسه سالها فعالیت  
چورا از مبارزین انقلابی باز نمیشناسد.  
چندی پس از شهادت کاباناس و یکس از  
اعضای قدیمی حزب کمونیست بنام مورنوسو

است و حتی پاره ای از موسسات مربوطه به  
لیبرالها و روزنامه های آنها را منجمد کرد  
است. ماه گذشته اعضای این گروه دوتسن  
از کارگران را گرفته دستبازان را از پشت  
بستند و سپس به سامل بستند.

\*\*\*

### ونزوئلا

بعد از يك دوره سکون نسبی در ونزوئلا  
فعالیتهای انقلابی مجدداً شدت گرفته  
است. در ماه ژانویه ۲۳ نفر از زندانیان  
سیاسی موفق شدند که از زندان فرار کنند  
این افراد همگی از چریکهای انقلابی بودند.  
کارلوس پتانکورت رهبر چریکهای انقلابی  
نیز جز کسانی است که موفق به فرار شدند  
است. همینطور گفته میشود که در کلاس  
بر او انقلابی مشهور نیز موفق شده است  
دوباره به ونزوئلا باز گردد. با چندین  
عملیات انجباری پهای آماز جدید مبارزات  
علام شده است.

\*\*\*

بازو در زندان گشته شد که این خود  
دیگری از اعتراضات و تظاهرات را به  
بال داشت.

اب تویجکایی است کمی از اعضای سابق  
سما" بنام فیلیپ اگی بتازگی نوشتافت و در  
فاش میکند که اچه وریا رئیس جمهور فعلی  
لیک و رهبر با اصطلاح "حزب انقلاب تپادی"  
ال مستقیم "سما" میباشد. تنها در فصاح  
رئیس اران رئیس جمهور است که بگویند  
با پس از رسیدن مقام ریاست جمهوری دیگر  
انباطی با "سما" نداشته است.

\*\*\*

### آرژانتین

به مجازات شدید فعالیت انقلابیون  
آرژانتین "اتحاد به حد کمونیستی" که سازمان  
است که عناصر فاشیست با همکاری و شرکت  
فعال پامس آرژانتین بوجود آورده اند حملات  
خود را علیه انقلابیون تشدید کرده اند. این  
سازمان تا کنون فریب ۱۰۰ نفر از انقلابیون  
با کسانی را که مورد شک واقع میشوند گشته

ملیپس

حزب سائوتوم و پرنسپ

این دو حزب در ۱۵۰ میل با هم پیوسته  
 نامی دارند و از فرین ۱۷ میلادی منتهی  
 پرتغال بوده اند . سازمان مبارز این دو حزب  
 " جنبش آزاد پیغز سائوتوم و پرنسپ " نام  
 دارد که در سال ۱۹۶۰ تشکیل شده است  
 و فعالیت مینماید . قرار است در تاریخ ۱۲  
 جولای ۱۹۷۵ انتخابات عمومی برای تشکیل  
 مجلس و استقلال کامل انجام شود .

دکوت فاشستی ملیپس در حدود سه در  
 هم شکست بخارت . ریکهای ملیپس نشده  
 است پس از اعتراض به این امر که به  
 آزاد بخش ملی مورد کنترل چند شهر را  
 بدست دارد در ماه ژانویه پاره ای از مواضع  
 نیروهای انقلابی را بهاران کرد و با ناپالم  
 به آن پیوسته .

\*\*\*

اروگوئه

سرحدگ رامون تراپال وابسته نظامی  
 اروگوئه در فرانسه در ماه ژانویه توسط  
 انقلابیون کشته شد . روز بعد از کشته  
 شدن او از زندانیان سیاسی سابق که آزاد شده  
 بودند در خارج از مونتیدئو مورد هجوم  
 پلیس قرار گرفته و کشته شدند . فرزند سه  
 ساله یکی از کشته شدگان در همین واقعه  
 زنده شد . پلیس اروگوئه بجای دنبال  
 کردن قاتلین زندانیان مبارز و صدها نفر از  
 افراد سیاسی را دستگیر کرده است و ملاقات  
 با زندانیان را ممنوع کرده است .

\*\*\*

زیبایی ( رود زیبای سیاه )

رهبران سازمانهای مبارز در جبهه ای  
 بنام " شورای ملی افریقا " متحد شده اند و  
 سازمانهای قبلی خود را منحل اعلام  
 نمودند این جبهه اعلام داشته است که از  
 مبارزه مسلحانه لحظه ای متنصرف نخواهد شد  
 ولی در عین حال حاضر است با حکومت  
 اسمیت و انگلستان برای نحوه انتقال قدرت  
 بدست اکثریت سیاه پوست مذاکره کند . در  
 گذشته اسمیت و نیز دولت انگلستان لفظاً  
 پذیرفته اند که حکومت بالاخره باید بدست

\*\*\*

اکثریت اراده نمود .

سامورا ماتل رهبر گروه ملی مو ( مورامییا ) اظهار داشته است که با تمام توان سیاسی و نظامی - از انفلاسیون زیبایی حساب خواهد کرد .

\* \* \*

### ارتز مزدوران آمریکائی

غریز، سرسام آور اسلحه از دایره آمریکا به ایران و دیگر کشورهای نفت خیز نه تنها سبب مستشاران ندانی آمریکا را باین کشور داسرازیم کرده است بلکه گروه تشیری از آنده که مخالف آمریکائی و ایرانی " غیر نظامیان " میدانند را باین مناطق کشانده است .

خلاصه ای از نوشته روزنامه واشنگتن پست بتاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۷۵ که در زیر میآید نمودار مانعیت این " غیر نظامیان " است :

ژنرال دلت . ام . " اودن " فرمانده سابق مرکز نیروی هوایی آمریکا در پایگاه نظامی فورت راکر و از فرماندهان جنگ آمریکا در ویتنام

ایرانیان سال ۱۹۷۳ . ایران در سال ۱۹۷۳ به دلالتی وزیر دفاع آمریکا ۱۸۱ میلیون دلار شرکت یل . هلیکوپتر ( نرو و شرکت ) معلسف به شرکت نکسترون : سس ) خرید و بلافاصله ژنرال اودن در گفت و با غیر نظامی های ایران آمد تا زمینه را برای ایجاد یک نیروی هوایی مرکب از این هلیکوپترهای تهاجمی فراهم کند . وی ۱۵۰ نفر از غیر نظامیان مانند خود را به ایران آورد . هلیکوپتر که روزنامه واشنگتن پست اظهار میدارد کلمه بارشمنه گان ۱۵ سال اخیر پایگاه فورت راکر - سز ' این گروه هستند و اکنون در راکر ایس نیم آخرین تانکهای نظامی مربوط به هلیکوپتر را که در حال دستبردند است بد دیگران میآورند . نخست رهبری این ژنرال یک پایگاه هلیکوپتر در سم ران ریسا در سه جلمانی هلیکوپتر در اصفهان در حال ایجاد است .

در مورد عربستان سعودی " کمیسیون ملی به دلالی وزارت دفاع آمریکا یک قرار در ۱۹۷۲

میلیون دلار برای اعزام ۱۰۰۰ نظامی (سرد)  
 های حفصه جنگ ویتنام و نظامیان سابق  
 جنگ کر ۱۵ به درستان و انضا کرده است  
 تا ۶۶ دینار نخر گارد طی مرستان را که به  
 منظور حفظ منابع نفت تشکیل شده سازماندهی  
 کند. فرماده این نیروها در مرستان  
 سرحدت و پیام والسی است که تا سه روز مسل  
 از تهری مقام جد به فرماده چهارمین  
 گردان آموزش عالی و فرماده تعلیماتس در  
 و ایگاه نظامی خود اور کاتینتا بود. ایمن  
 فرار داد های ایران و مرستان به صورت  
 امتداد ام مرد در حرد ای در این تیکل خاص  
 طابرا نارگی دارد و بلند عکس العمل های  
 نیم بندی در بارلمان آمریکا شده است ولس  
 این عکس انسل ما نل عیاشی است که  
 برای حالی نبود مرده از طرف جناح های  
 ولت رده میشود وگرنه مرال اودن ها و  
 نظایر آنها تا رمایکه خلق تا آنها را ارکتور  
 شان سرین نراندت بکار حرد اندامه حواضند  
 و در یکی از اسران امریکائی در حساب  
 انصاب صفت مرد در بودن اظهار داشته است

که تا مرد در نینیم زیرا خود مان مانده رأ  
 و انسی حکامیم بلکه بد پگران تعلیم میدعم  
 تا آنها مانده را بچکاند در مرد در عالمقام  
 صحت کرد و خان کردن رویهای دست  
 نشاند و ایران و مرستان است که آمریکا را  
 تهدید میکردند که با ارتش خود البته با  
 رهبری ژنرال اودن و سرحدت والسی ضایع  
 نفت را در صورت تجاوز بهایانگان ضجسر  
 خواهند کرد!



تظاهرات و اشکوبان آمریکایی

خرد های اولعه نه تنها سلی مستشاران  
 نظامی امریکا را با ایران رواته کرده است و  
 بلکه با ارتباطی که بین نظامیان آمریکایی و  
 بعضی از دانشگاهها وجود دارد و پاره ای  
 از امکانات آموزشی این دانشگاهها را هم  
 در اختیار نیروهای نظامی دست نشاند  
 ایران گذاشته است. تعداد کمی از  
 افسران و درجه داران ایرانی در آمریکا  
 مشغول دیدن دوره های پیشرفته نظامی  
 هستند. صدها و پاره ای از دانشگاهها





هرایه‌سماهای جنگنده ضد رین و بوج بد و ترو  
کنسی و واگست پسه آمریکار اده  
است .

صیجانکه شاه ارتش خود را بید پهل پسه  
قد و ضد ترسن ارتشها در خلیج فارس  
صیجانیه . مغار نسانی نپس برای جوره

وال اجنرت زور نسانی  
۲۵ مارس ۶۵



در اثر همین شرایط چنین جنبش‌هایی  
امکان وسعت پیدا نمیکنند و سترکسوب  
میشوند . در شرایطی که امکان هرگونه  
اراده کاری سیاسی صرفاً با مسالمت آمیز  
وجود ندارد و در شرایطی که همه‌گونه  
پیوندی میان پیشرو و توده وجود ندارد  
تاثير عده چنین جنبش‌ها سترکسوب  
بیشتر مردم خواهد بود . آن رشته‌های  
اراده کاری که میتواند از چنین جنبش‌هایی  
برای سارده خلق نیرو گیرد و کمینوار در سترک  
زمنه وسیعتر این جنبش‌ها را بید بگریزاند  
و هد و تنها یک اراده کاری سیاسی خطای است

... امکان ناپودی قدرت سترکسوب  
کنند و را در عمل باید نشان داد و پیشرو  
صلح باید از خود قدرت نشان دهد تا سترک  
توده‌ها را به قدرت خود شفا دهد کند . آهسا  
عه آهسا باین معنی است که توده به  
خودی خود دیگر هیچ حرکتی نمیگیری از  
خود نشان نمیدهد ؟ نه چنین نیست . در  
احفاتی که کاسه صبر لبریز میشود و توده‌ها  
نیز به حرکت در می آیند و برخورد عانی  
پیش می آید و نبرد را در شرایط اجتنابی  
و نمود این برخورد ها پیش از پیش سترک  
برخورد های صلحانه همراه میشود . اصلا

# پیام سازمان چریکهای فدایی خلق به

## کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

درد گرم ما را بپذیرید . خلق ما بخاطر  
لبنهای صحنی و جهانی شما در ثبوت  
حقیقت که توده های خلق ما در هر تله ای  
باشند با استفاده از شرایط مشخص حاصل  
آن خود به مبارزه آنتی ناپلئونیست  
بالبسم و ارتجاع دست می یازند غرضمند  
فعالیتهای همکارانه کنفدراسیون  
شما باعث شده که اتصال جنبش کاروانه  
و صدای حق طلبانه خلق ایران در سطح  
بانی ضعیفتر گردد . بخصوص در شرایط  
از آغاز مبارزه مسلحانه که دشمن هرگونه

فعالیت سیاسی و آزادخواهانه را در زمینه  
مافه میگرد ، در شرایط خفقان شدید پلیسی  
حاکم بر فضای کشور ما و در فقدان سازمان  
های انقلابی در داخل ، کنفدراسیون شما  
فعالیتهای انقلابی و ارزنده را توانست  
نقش مثبتی در حمایت از مبارزات فلسفی  
ایران و امتشای عرصه پیشتر چهره تنگبین  
روزم پهلوی داشته باشد .

در شرایط کنونی نیز ضروری است که  
کنفدراسیون بخاطر پیوستن همه نهایی  
دکترانیک خورشید کار با توده های دانشجویی

مطرحه و دانشجویمان با حفظ اختلافات  
خود اصل همکاری با یکدیگر را بصورت عملی  
و صمیمانه حفظ نماید .

تطبیق میدانیم که گفتارهایی که همیشه  
از ۱۲ سال سابقه مبارزه پیشگام را در راه  
نظم بر مشکلات و راه وحدت را بصورت آموخته  
است .

شرایطی که ما و شما در آن زندگی می‌کنیم و مختلفند و اشکال متفاوت مبارزه را ایجاد میکند ولی همه این اشکال غمگین و کمال هم هستند و به یکدیگر کمک می‌رسانند .  
گفتارهایی بعنوان ارگان شنیدند  
دانشجویان، مکتب ایران نه تنها و همسری  
سایرات دانشجویمان را دارد که در آن پیشگام  
همند بلکه بخاطر اینکه مبارزانش در سطح  
دیگرند است و امکانات مبارزه عملی را دارد  
می‌توانند مخاض سیاسی مختلف را به حمایت  
از عزیزان هاشمی که برای دفاع و مکتبیت از جنبش  
ارشد می‌دهد تزیین کند . از این روی به رقبا  
و دشمنان بگوئیم که لذاتهای خود را در ضمنه  
های دنیای گفتار میوه پیش از پیش جسدی

و خطایر خلق کرده و از گنجه امکانات برای  
پیشبرد برنامه های این کمیته ها استفاده  
نمایند

رقبا و  
شرایطی نبود و اختلافات در همین با هم  
و مختلف است و برای گروهی که حرکت  
ند از ذات طولانی و دشوار لازم است . از این  
ایران همسر کردگی شاه که می‌کند جنبش  
سلاحه خلق ما را در نقطه خله سازد اکنون  
با رست بود امروز جنبش موم خود را از  
برگوب آن ناتوان می بیند و سعی می‌کند  
با اعمال عشوت کمال و طمعهای فانیست  
اش روحیه زندانیان مبارزه را درهم شکسته  
و آنها را از برنامه مبارزه باز دارد . ولی  
رقبا که دلانه مطاقت و مبارزه می‌کنند  
نما باید همدا با آنها لغزش و  
خواستهای انقلابی آنان را بگویی همسری  
آرد بخدا همان و مردم جهان برسانند  
لکای را که امیرالمؤمنین بر چهره خود  
شاه را داند پاره کند بر روبرو رفا که  
مختلف باشند و از هر وسیله طاقت

و سکن برای تهنیت - ماس و آگاه کردن  
 آزاد به خواهان به تقاضایم که در ایران ساکن  
 انظاره کند . هم اکنون رقیب ساد و ساد  
 مهربان رقیب شهید " ساد و شاهکان " که بر  
 اثر شجاعت منهایش نیده لاج شده و در آن  
 زندان ۱۲ ساله بود را میگرداند و با روحیه  
 مقاوم زندانیان را به طاقت و عزم میگرد . رقیب  
 شصتین معاند با بدنی سوخته از نقل برقیس  
 و جان خورده از اسباب شلاق کابل همچنان  
 به طاقت ادامه می دهد . رقیب مجاهد - همی  
 صالح در دالی که با یک چشم خود را از دست  
 داده و خیزند نار در خود را بدنی آورده  
 در زندان ها ، رقیب تحت فشار است . اینها  
 که بر سر دیم نمونه های کوچک از مجاهبات  
 رقیب در حق زندانیان سیاسی است و صد ها  
 هم همین ما روزانه در زیر شکنجه های مزدور  
 امین الجسم در چهار نفس محض می شوند و با جان  
 خود را از دست می دهند . در چنین  
 شرایطی چه کسانی جز دانشجویان و معتمدین  
 مومن پرست و مبارز متشکل در کف دست  
 جهانی لکنان دارند که این فوج را بگوش

جبهات پرسیان و پیده از چهره گریه رژیم  
 شاه برکتد و هشامی را اشتهای ناپسند . مانع  
 را به ادا راهی که تا کنون در پیش داشته  
 اند ترتیب می کنیم و از توطئه های رژیم  
 و عوامل خفیه آن طبعی نمی کند اسیران  
 از چهار من نمانیم . ما به همراه این بهام  
 جلد از سلسله تهنیتاتی که در تهران امیر  
 جامعه ساز انجام داده ایم بنماتند هم  
 می کنیم . ما در مدت کرب به پنج سال مبارزه  
 مسلحانه مؤمنانهای بزرگی برای سازمان و  
 خلق بود کسب کرده ایم . مبارزه مسلحانه  
 علاوه بر نتایج مستقیم خود نتوانسته است  
 در شدت و شگفتی مبارزات و مقاومتی خلعت  
 بر نائیر فراوان نگردد .  
 سازمان ما نه تنها در مقابل همسایگان  
 اولیه مقاومت کرد بلکه توانست رشد و گسترش  
 یابد به وضع نواقص و مشکلات  
 حمایت نوره های باقی را جلب کند .  
 امروزه بهترین درس ما همی که واقعا گنبری  
 که از گل جنبش و از سازمان ما به سادات  
 رسیده اند و تعداد بیشتری که در زندانها  
 ۱۸۷

# معرفی کتاب

بزودی دو کتاب جدید به نامهای

"جنبش دانشجویی ایران و وظایف اصلی آن"

و "اندام انقلابی سازماندهی و برنامه ریزی"

چهارم و پنجمین جلد از مجموعه آثار علمی سازمان

انقلاب ایران از طرف سازمان ما منتشر خواهد

شد که قرار است در سطح وسیع پخش گردند.

اینکه ما به معرفی این دو کتاب می پردازیم:

۱. کتاب "جنبش دانشجویی ..."

این کتاب که مجموعاً دارای ۱۶۱ صفحه

قطع جیبی است و در رابطه با اندام انقلابی

سروان به اله نوروزی مزبور در سخن و فرمانده

گارد دانشگاه صنعتی که بنام "عملیات رستخیز"

معبد احمدزاده "نامگذاری گردید و منتشر

میشود. این کتاب دارای قسمت های زیر است:

۱. خیر اندام انقلابی سروان نوروزی

۲. دانشجویان مبارز

۳. با مبارزات دانشجویان میهنان آشنا

ششمین

۴. نقش جنبش مطالبه در دانشدانشجویی

در مطالعات انقلابی

۵. با جنبش دانشجویی دانشدانشجویان

ایرانی بخارج از کشور آشنا شویم.

۶. احیای کبری مبارزات دانشجویی

پس از آغاز زمستانخیز سپاهک.

۷. گارد دانشگاه برای اسپرزاد

محرک دولت شاه در دانشگاه چگونگی

ایجاد شد

۸. تأثیرات وجودی گارد پرستار

دانشجویی ایران.

۹. سیاست نهادی و ارتباط دولت

شاه در رابطه با مبارزات دانشجویی.

۱۰. سیاست تنظیم و تهیهی دولت

شاه در رابطه با مبارزات دانشجویی.

۱۱. عملکرد سازمان چریکهای

لدائی خلق به دانشجویان بسازد ایران  
۱۱۲. پیام چهره‌های لدائیس خلق به  
شانزد همین کنگره کنند راهسین جهانسی  
دانشجویان و محققین ایرانی.

۱۱۳. درباره ملیات و تجدید اهد زاره  
و جریانات بعدی.

۱۱۴. زندگی انقلابی رفیق مجید اهد زاره  
( در پنج صفحه )

رو به رفته، کتاب به مدتی نارسیده  
چنین دانشجویی داخل و خارج کشور  
می برد از د و نشانی ها و نوظله های ریوسم را  
برای مطالعه با دانشجویان شرقی آشنا  
می نماید و سرانجام برای ادامه فعالیت  
دانشجویان انقلابی رهنمود اصلی ارائه  
می دهد که پیش از این حجم کتاب ( ۶۲

صفحه ) را اشغال میکند. در این رسود  
به لزوم مبارزه و سازماندهی مکتبی اشاره  
میلود و از دانشجویان پیشرو خواسته میشود  
که به ایجاد دسته های مدعی سازمانی اقدام  
نمایند و سپس هدف و برنامه کارگی ایمن  
صنعت ها با توجه به تجربیات نظری و عملی ای

که وجود دارد روشن میگردد. کتاب برنامه  
کار صحنه ها را به سه قسمت خود سازی  
نظری و خود سازی عملی و مهارت صحنه ها  
تقسیم می نماید و سپس هر قسمت را به تفصیل  
شرح میدهد.

در قسمت خود سازی نظری به دانشجویان  
توجه میشود که چگونه با استفاده از کتابهای  
علمی موجود و سایر امکانات علمی تحقیق  
و مطالعه و بنیان تفکر مارکسیستی - لنینیستی  
را در خویش استوار سازند. در این قسمت  
همچنین راههای تدریس صحنی در جامعه  
شیوه های مبارزه ایدئولوژیک با موم فرهنگ  
بدلکاری در داخل و خارج دانشگاه و ضرره  
نشان داده شده است در این مورد در  
کتاب گفته میشود:

" دانشجویی که در رشته  
های علوم اجتماعی و علوم  
انسانی بطور کلی تحصیل  
میکند و لظب خود هجوم  
تالیفات آثار حد مارکسیستی  
صالحان بدولاری قرار دارند

که بعنوان کتابهای درسی به آنها عرضه میشود و بوسیله مثنی استادان مزدور که با نوکری گوش بفرمان هستند و با انسانهای منخ شده به آنان تدریس میگردند. برخی از این آثار ادعای طرفداری از مارکسیسم را دارند ولی در واقع عمیقاً ضد مارکسیستی هستند. نوی از مارکسیسم در دانشگاههای کشورهای پیشرفته سرمایه داری وجود دارد که در ظاهر به تبلیغ بی حساب از مارکس و انگلس و ارائه تصویرهای پیاپی گونه از آنان میپردازد ولی معنوی آن منخ و تحریف مارکسیسم و ایجاد پیشنهادی سیاسی نادرست در باره آن در ذهن دانشجویان است. این مارکسیسم دروغین بوسیله کسانی مانند دکتر هانپت

احمد اشرف، دکتر پاکدامن، دکتر حاجی و غیره وارد دانشگاههای ایران نیز شده است. دانشجویان آگاه باید اولاً برای ایجاد بصورت درخود در برابر این بد آموزیها وسیعاً مطالعه کنند. ثانیاً باید با ایجاد بحثهای منطقی و اقتضای کننده، و نه سعی در سرکسلاص ذهن مابعد دانشجویان را در مقابل اینگونه بدآموزیهای استادان مقاوم سازند. اگر دانشجویان آگاه بطور منطقی با این مسئله برخورد کنند، بخوبی قادرند که بسواد و بی مایگی این استادان را برای رفقای خود روشن سازند. البته در صورتیکه مسأله خیلی حاد باشد و ایجاد بحث در سر کلاس صعب شناخته شدن رفقا برای ماموران صحنه و اک

شود

بهم رشد دهد. کتاب خود در این باره میگوید:

"رفقای دانشجو باید به مطالعه عینی جامعه نیز دست بزنند. برای این کار باید از کوتاهترین فرصت استفاده کند کارگری کردن در تعطیلات تابستانی دانشگاه در شهر و روستا بهترین وسیله تحقیق در شرایط عینی جامعه است. طبعا کارگری کردن در درجات مختلف از کارگرساده گرفته تا کارگر شخص و سرکارگر مفید است ولی اگر کارگری ساده برای کسانی که شرایط زندگی مرفه برخوردارند داشته اند اول بار دشوار است و آنها نمیتوانند خود را در این کاراکتر توجیه کنند بهتر است ابتدا انحصامهای بامیرند و سپس

بهتر است اینکار را از طریق نوشتن جزوه هائی راجع به بد آموخته های استادان و پیش آن به صورت های غیر مستقیم در بین دانشجویان انجام دهند و بدین وسیله هم ذهن رفقای خود را روشن سازند و هم ترمین برای پرورش ایدئولوژیک خود بکنند".

اما کتاب مطالعه کابی و بحث و نوشتن جزوه را بهیچوجه کافی نمیداند و دانشجویان را به مطالعه عینی در شرایط جامعه نیز دعوت می نماید و راه های عملی اینکار را هم نشان می دهد.

نکته قابل توجه اینست که راهبسیاری پیشنهادی کتاب برای مطالعه عینی در جامعه کاملا واقع بینانه و مبتنی بر تواناییها و امکانات اکثریت دانشجویان شرقی دانشگاه های ایران است و حتی کتاب با توجه به درجه رشد دانشجویان مختلف راه های مختلفی را ارائه می دهد و بدین طریق می تواند با حوصله و بردباری عناصر مختلف دانشجویی را اقدام



کارگری بروند . انصراف به این  
 واقعیت بیس هم سودمند است  
 که برای جنس کسانی و تحمل  
 شرایط یک زندگی دشوار بطور  
 یکپارچه و ساکپانی سخن است حتی  
 اثر ساقط کننده در روحیه آنها  
 داشته باشد . اس دسته از  
 دانشجویان باید به تدریج خود  
 را به سختی عادت دهند .  
 چنانکه کتیم کارگری کردن بسیاری  
 تحقیق عینی در شرائط جامعه و  
 کمال مطلوب است . ولی میتوان از  
 راههای دیگر ، هم این تار را کرد  
 به قول رفیق مانو ، اگر نمیتوانیم  
 گل را از نزد یک بپوشیم ، بپوشیدنی  
 از درون اسب و از نهوشیدنش چشم  
 است . مثلا میتوان بعنوان کارمند  
 در شرکت وارد شدند و تکسین و سه  
 کارخانه و کارگاه رفت و حتی میتوان  
 از فرستهای کوتاه برای رسیدن  
 شرایط زندگی و کار کارگران استعا

کرد .

برای روشن به روشنا نیز از ایگانات  
 مختلفی میتوان استفاد نمود و  
 راجع به زندگی دهقانان در ایران  
 مختلف مطالعه کرد .

پس از این مطالب ، کتاب به راهمای هلسر  
 دیگر تحقیق عینی برای دانشجویان اشاره  
 میکند و سعی بودن ارزش این راهها را در  
 قیاس با هم تدکر میدهد . آنگاه پسرای  
 اینکه دانشجویان مراحل مختلف کار را با هم  
 اشتباه نکنند کتاب چنین اضافه میکند :

"مطلبی که ذکر آن در اینجا  
 ضرورت دارد این است که رفقای  
 دانشجویان برای گسترش شناخت خود  
 از جامعه و علوم سازی به میان  
 مردم میروند نه برای ارتباط گیری  
 سیاسی با نوده ها .

ارتباط گیری سیاسی با کارگران  
 و با توده ها بطور کلی نهماز  
 به برنامهدارک دیگری دارد که  
 باید در مرحله رشد بیشتر

همیشه ها انجام پذیرد و ما بعداً

از آن سخن خواهیم گفت.

و سرانجام برای اینکه در دانشجویان

تصوراتی ذهنی در مورد نوده ها بر جسد

نماید و در این باره دچار انحرافات

چپ و راست نشوند، کتابی افزاید:

"ریکسای دانشجویان باید نکوتند

که حتی کوچکترین عناصر انتلاسی

را در ذهن و عمل قهرده ها بنشانند

و تمیز آنرا با فرهنگ، تعلیمی

ارتجاع و امپریالیسم که اکثرین پسر

زندگی آنها مسلط است سرد

توجه قرار دهند، عناصر رشد

باینده انتلاسی در ذهن و عمل

نوده ها و فرهنگ نحیلی نظام

حاکم و در جنبه متفاد در زندگی

اجتماعی شود و آنها استوتوجه

بکطرفه به مراتب از این دو جنبه

متضاد و یکجانبه نگری استویا به

ذخایلیورد از ریاستیک منبر خواهد

ند باید یار و واخوردگی

سیاسی، مارکسیست میگردد:

انتلاسیان از آن روزها میست

که تنها وسیله سرنگ ساختن

طبقه مسلط است بلکه از این

لحاظ هم ضرورت دارد که طبقه

انتلاسی تنها از راه انقلاب میتواند

خود را از شر تمام کثافات گذشته

رها سازد، برای شناختن نوده ها

در جریان تکامل انتلاسی آنها

طبیعی جنبه های تازه ای گفته

مارکسیست میگرداند تا راهحالی

کند، بنام گفته مارکسیست

توس و نادانی و عقوبتساندگی

سیاسی و خرافات، بنام انتلاقی

و بتول خود او تمام کتابت

گذشته در میان توده ها

شرایطی که بنام آنها

میان خود را برای سرنگون

ساختن طبقه مسلط توده

نکرده اند یا دستنزد آغش

همزمان با خود سازی نظیر  
 باید به خود سازی عملی نیز  
 پرداخت . لکن آمرگزار  
 بزرگ ماه کسانی را که فقط  
 آگاهی تئوریک را برای یک  
 انقلاب کافی میدانند و لزوم  
 آموختن فنون عملی مبارزه را  
 درک نمیکنند مورد سرزنش  
 و تمسخر قرار میدهد و آنان  
 را که "قیام را یک فن" تلقی  
 نمی نمایند و اصلاً مارکسیست  
 نمی دانند ، البته فنون مبارزه  
 در شرایط گوناگون فرقی میکند  
 فن در صورت توده ها به تمام  
 تمهین موقع قیام و رهبری  
 قیام که مورد نظر لنین است  
 با فن تبلیغ مسلحانه در بین  
 توده ها که مخصوص شرایط  
 ما است تفاوت دارد .  
 اکنون در جامعه ما مارکسیست  
 کسی است که طوطی را برای

این صارو، همنند کاملاً امسروی  
 مسیحی است . در جریان مبارزه  
 است که توده ها قدم به قدم  
 خود را تعالی می بخشند و سر  
 انجام چون خلوت و بنام مبر  
 قهرمانی و شکست ناپذیری خود  
 را بر صفحه تاریخ میکنند :

در شرایط کنونی فقط درسدن  
 نطفه هائی از عناصر انقلابی در  
 ذهن و عمل توده ها برای ما  
 کافی است . این نطفه ها در  
 جریان مبارزه ای خونین و طولانی  
 رشد میکند و پوسته مخیم نسرس  
 و جهل و خرافات و عقب ماندگی  
 سیاسی و به قول مارکس "تسام  
 کتافات گذشته" را پاره میکند و  
 بدود می ریزد .

در قسمت خود سازی عملی نیز به آمادگی های  
 عملی ای اشاره میشود که برای هر مبارزه در  
 شرایط کنونی ایران لازم است و در لزوم خود  
 سازی عملی گفته میشود :

مبارزه در شرایط مشخص وطن ما آماده کند. بنابراین آگاهی در هر سطحی به فلسفه و جامعه شناسی و اقتصاد مارکسیستی برای مارکسیست بودن بهیچ وجه کافی نیست و باید خود را از نظر علمی هم برای اجرائی و عملی که مارکسیسم میپسندد آماده سازد و آماده کرد.

۵. تدبیر مأموران دشمن در محیط فعالیت مبارزاتی خود  
۶. گسترش هسته های دانشجویی  
۷. تشکیل هسته های کارگری و دانشجویی

در کتاب «یک باز این زمینه های مبارزه شرح داده میشود و چگونه برخورد دانشجویان با آن روشن میگردد. مثلا در مورد تبلیغ در میان دانشجویان میگوید:

یکی از وظایف هسته های دانشجویی اجرای برنامه های تبلیغی و ترویجی در میان دانشجویان است. تبلیغ و رابطه با مسائل زنده و در که بیشتر در ارتباط با زندگی دانشجویان است انجام میگیرد. تبلیغ معمولاً در محفل و حوض چغینی های صلیبی است. بهترین طریق تبلیغ نوشتن مطالبی در رابطه با مسائل

پس از این و کتاب به شرح و دسته بندی مبارزاتی که هسته های دانشجویی باید انجام دهند میپردازد و این مبارزات را به هفت دسته زیر تقسیم میکند:

- ۱. شرکت در مبارزات فلسفی و دانشجویان.
- ۲. کارهای تبلیغی و ترویجی در میان دانشجویان.
- ۳. تظاهرات دانشجویی در میان فلسفی.
- ۴. کار تبلیغی و ترویجی در میان

وسيله شناختشان از شرایط

بهتر شود.

در مورد ترویج در میان دانشجویان گفته میشود :

"اما در مورد ترویج : ما له

فری میکند . ترویج يك مبارزه

زیرینائی وایدتولویك است و

باید برای آن خیلی آرام و بسا

حوصله عمل کرد . رفقها باید

از سوتی آثار متوسط بسنه

جشن نوبین انقلابی وطن ما

یعنی مبارزه سلمانیه را با هر

امكاناتی که در دسترس دارند

حتی با كك دستنویس کاربندی

و با پلی کی دستن در محیط

های دانشجویی تکثیر و پخش

نمایند و اگر خود میتوانند

مطالبی در این باره بنویسند

و باز به همان صورت تکثیر

و پخش نمایند و از سوی دیگر

آثار آموزشی و زیر بناسی

مورد نظر و تکثیر آن با دستنویس

کاربری و با پلی کی دستی است

که تهیه آن امكانات آن آسان

است . رفقها باید سعی کنند که در

نوشتن مطالب تبلیغی افراط نشود

تا سبب بی اثر شدن آن نگردد

بلکه چنین مطالبی را با توجه

به شرایط روز و زمینه پذیرش آن

از طرف دانشجویان بنویسند

که منجر به عکس العمل مثبت

شود . گذشته از این ، اقداماتی

را از دانشجویان بخواهند که

انجام آن برایشان امكان

پذیر باشد . شكست يك

برنامه تبلیغی از طرف يك جریك

هنه دانشجویی باید خیلی

ناسف آور تلقی گردد و پس

از آن رفقها باید بنشینند و

اشکال کار را بررسی کنند

و مشخص نمایند که چرا

اشتباه کرده اند تا به پس

مارکسیستی را در زمینه های فلسفه . جامعه شناسی ( ماتریا- لیسم تاریخی ) و اقتصاد سیاسی تکثیر و در بین رفقای دانشجویی خود پخش کنند . اینها کارهای عمومی است که در همه جا و همه شرایط باید انجام گیرد . اما در برخی محیط های دانشجویی و در بعضی شرایط علاوه بر این نیاز به مبارزات ایدئولوژیک خاصی هم هست . مثلا در شرایطی که يك يا چند استاد فريبكار وجود دارند و با انقلابی نظامی نمیکنند مخالف مد علمی و عدالتی را در ذهن ساده توده های دانشجوی فرو کنند و عده ای هوادار بسراي خود بوجود میآورند و یا میگویند بهترین راه آلتمنی را در محیط دانشجویی رواج دهد

و از گسترش جهان بینی علمی در بین دانشجویان جلوگیری کنند و وظیفه مبارزه با آنها به عهده دانشجویان پیشرو است . البته لازم به یادآوری است که منظور ما مبارزه با پایه تفکر ایدئالمنی بطور کلی است که در تمام افکار و عقاید و نظریات شخص اثر میکند . مثلا زما در بها دادن به نفتی عصر آگاه در مبارزه شناسی از دانشمن پایه تفکر ایدئالمنی است . در مقابل کم بها دادن به نفتی عصر آگاه شناسی از پایه تفکر ماتریالمنی متافیزیکسی یعنی میرد پالکبکی است یا قائم به ذات دانستن نقش شخصیت در تاریخ ناشناز پایه تفکر ایدئالمنی است و میره .

مارکسیست ها باید بگویند که

ترویج ایدئولوژی خود و نیروهای بینا بینسی  
 به ویژه خرد و بهره‌واری را به سوی خواستهای  
 اساسی پرولتاریا و به سوی جهان بینسی  
 پرولتاریای پیشرو یعنی مارکسیزم - لنینیزم  
 جلب کنند. شرایط عینی جامعه ما یعنی  
 رشد و ریز افزین پرولتاریا و این عمیق  
 مارکسیست دبا را تسهیل می‌کند. همینست  
 که در روزهای پیشتری از روشنفکران خرد  
 بهره‌واری به سوی مارکسیزم می‌آیند و نفی  
 باید خیمان بدقت کنند و با ایدئولوژی‌های  
 گوناگون انکتیستی (در دم آمیزی) که  
 اغلب در بین روشنفکران جوان به صورت  
 بدعت‌گرایی و نوآوری‌های من در آوردی  
 بروز می‌کند و مبارزه نمایند. رفقا باید  
 بکشند که با فضای بی مسئولیت و این  
 روشنفکرانه شدیداً مبارزه کنند و در محیطی  
 فعالیت سیاسی خود انضباط ایدئولوژیک  
 وجود بهارند و علاوه بر این، رفقا باید  
 با ایدئولوژیم چه و راست از نظر سیاسی و به  
 گیر مبارزه نمایند. پس عملی

ایدئولوژیست‌های راست و دروغ‌گوئی و لوفت‌زوی  
 ایدئولوژیست‌های چپ را به همه نشان دهند  
 سپس کتاب به امکانات عملی ترویج دانش  
 جوانی اشاره می‌کند و این نکته را یادآور  
 می‌سازد که دانشجویان باید در وقتا مرزهای  
 امکانات عملی را بشناسند و با آن برخورد  
 درست و اصولی بکنند. کتاب خود در این  
 زمینه می‌گوید: «وظیفه‌ی دانشجویان ترقی این است  
 که... بکشند با ایجاد نشریه‌ها  
 انجمن‌ها و سخنرانی‌های علمی و قضی  
 از اوقات فراغت دانشجویان را صرف ارتقای  
 سطح شناخت علمی آنها سازند. در این  
 نشریه‌ها و انجمن‌ها و سخنرانی‌ها که  
 باید با استفاده از امکانات فعالیت علمی و  
 قانونی در دانشگاه‌ها بر شوند می‌توان  
 حتی اصلاً به مابیل سیاسی نپرداخت و  
 فقط با یک آخرین دست آورد های علوم  
 طبیعی و علوم دقیقه و در صورتی که امکان  
 داشته باشد علوم اجتماعی و طبیعی‌های

بیشتر علمی را در دانشجوین منجم نموده  
 زیرا که تجربه و تحلیل صایل حاد سیاسی  
 از دیدگاه علمی و از طریق این صایل  
 امکان پذیر نیست، بنابراین اصرار زیاد  
 در چنین استفاده از آنها با سبب  
 ساختن در اصولی شود و با سبب محدود  
 شدن و از بین رفتن این امکانات است  
 وسیله ی پلین".

کتاب پس از شرح وظایف دیگر هسته های  
 دانشجوئی بهترین ارتز را برای کار تبلیغی  
 و ترویجی در میان مردم قابل است و در این  
 زمینه می گوید:

"مهمترین مبارزه ی هسته های دانشجوئی  
 کار تبلیغی و ترویجی در میان مردم است  
 که در مرحله ی رشد و با تجربه شدن  
 هسته ها انجام می گیرد. هسته های  
 دانشجوئی باید دقتاً برای این کار برنامه  
 ریزی کنند و با نظم مشخص و با رعایت  
 کامل اصول امنیتی این برنامه را اجرا نمایند  
 آنها می توانند به طرق مختلف در میان

مردم برنامه های تبلیغی و ترویجی اجراء  
 کنند و نوشتن شمار بر دیوارها و پلستر  
 خلاصه و تراکت و تظاهرات و ضیاع های نو  
 حدت در محل های تجمع مردم و تماس با  
 کارگران آگاه و پیشرو، شیوه های مختلف  
 کار است. رفقای دانشجو باید به  
 داشته باشند که موضوع برنامه های تبلیغی  
 و ترویجی آنها باید صایل باشد که  
 برای نوده ها قابل فهم است یا زنده  
 مبارزات معنی آنها پیوند نزدیک دارد  
 و این شمارهای کلی و مجرد نمی تواند  
 نوده ها را جلب کند. با نوده ها  
 قدم به قدم پیش رفت، نخست از راه  
 نزدیک آنها شروع کرد، آن را تشریح  
 و به مافع کلی نر رسید و بهترین تریه  
 پیش رفت تا به شمارهای کلی سیاسی  
 رفقای دانشجو باید پیش از هر چیز  
 ارگانیک بین سرمایه داران و حکومت  
 نوده ها نشان دهند و برای آنها  
 سازند که چگونه دستگاه دولت از



ما هر تا خود شاه و خدنگزار و اجسرا  
 کننده ی اراده ی سرمایه داران هستند و  
 چرا باید این حکومت را ضرر نگین ساخت .  
 علاوه بر شیوه های یاد شده ی تبلیغ  
 و ترویج و رفتای دانشجو باید جزوه های  
 آموزشی مختلفی در ساج بهم نسود و  
 بنهند و یا جزوه های که در این باره  
 وجود دارد تکثیر کنند و میان تودمدا پخش  
 نمایند . برخی دانشجوین بیشتر خودت  
 کتب باره دست به چنین شیوه های  
 زده اند و مثلا تکثیر اعلامیه ی کارگری  
 سازمان چریکهای فدائی خلق بساجست  
 اعدام قانع خاوش به وسیله ی گروهی از  
 دانشجویان آگاه و ثمره ی بسیار جالبی  
 از آن است .

صرا انجام کتابها این خطاب به دانشجویان  
 پایان می پذیرد :  
 " رفتای مبارز دانشجویان !  
 دست هایمان را به هم  
 بدهید و خود را برای پیوستن بسپه  
 نوده های خلق توانا و آماده سازید .  
 روشنگران انقلابی و در شرایط جامعه ی  
 ما تنها در جریان مبارزه ای یکسره  
 همه جانبه و دارای اشکال متنوع کوی  
 حول محور تبلیغ بسجدهانه انجمن  
 می گردند . قادرند به توده های  
 خلقی یعنی آن نیروی عظیمی که  
 می توانند امیرها بسزم و ارتجاع  
 و لکالی را شکست  
 بدهند و پیروزند .

بیا ایمان به پیروزی راه دشوار و  
 طولانی و خونین مبارزه ی خلق ما

سازمان همیك های فدائی خلق

۴. کتاب " اعدام انقلابی عباس شهریاری ... "

این کتاب که مجموعاً ۱۶۲ صفحه قطع  
می است در رابطه با اعدام انقلابی عباس  
شهریاری و برگزیده حاشیو و مشاور عالی  
نارمان اضیت ایران بوسیله بسک واحد  
از زندگان سازمان سا که به " عملیات رفیق  
خسرو روزبه " نامگذاری گردیده منتشر  
میشود .

کتاب دارای قسمتهای زیر است :

الف . خبر اعدام

۱ - شن غیر

۲ - چگونه او را در جلسه مخفی کاهش

اعدام کردیم .

۳ - نامگذاری عملیات

ب . شرح زندگی و جنایات عباس شهریاری

۱ - مرد هزار چهره برگزیده خدمتگزار و

شاه

۲ - گذشته به اصطلاح انقلابی او

۳ - ایجاد تشکیلات تهران

۴ - شکار انقلابیون

۵ . صفحه آرائی توطئه ی منتشر ک

بختیار با بهایای رهبران حزب توده

۶ . پایان کار تشکیلات سه گانه به

نمایش را بد - تلویزیونی

۷ . آخرین چهرهای مرد هزار چهره

پ . چرا عباس شهریاری اعدام شد ؟

ت . پایان یک دوره در مبارزات انقلابی

خلق ما

ث . ما و " حزب توده "

ج . پیوست ( بهام بهایای رهبران حزب توده

به سازمان جریکهای فدائی خلق ) .

در قسمت اول کتاب ، نخست چگونگی همدا

کردن مخفیگاه و اعدام شهریاری جاسوس

پلید دشمن شرح داده شده . سپس

حلت نامگذاری عملیات در این مورد در کتاب

گفته میشود :

" ما از این رونام خسرو روزبه را بروی

این عملیات گذاشتیم که از عناصر صادی حزب

توده تجلیل کنیم واعلام داریم که برای خونخواهی

آنها شب حاسومان بلند را از هم  
 می شکانیم و اپوزیسیون های جاسوس پرور  
 را افسان می کنیم. اقدام عباس شهسپاری  
 فقط پایان ساده ای زندگی پند حاسوس  
 بلند و زبردست بود، بلکه از صحن باطل  
 گذشته ای افسانه ای عبور هدرش ساز صحن  
 اضیت بود که در زبان پرزدان نخر صر و  
 بی عجلان شاه نشین است و از صحن دیگر  
فرمان اضیت بود به اپوزیسیون های  
عجایب بینه آن که حزب طبقه ای کارگزاران

و سازمان رهبری کننده ای خلق را به زنجیری  
 برای به بند کشیدن نیروهای انقلابی و  
لانمای برای پرورش حاسومان و دشمن

تهدید کرده بودند

در قسمت سوم کتاب که شرح زندگی و  
 حناهای عباس شهسپاری نام دارد و در  
 واقع تاریخچه ای مبارزات گروهها و سازمان ها  
 سیاسی خلق ما در دهه ای قبل از آسماناز  
 مبارزه ای صلحانه صبر می خورد و در این  
 قسمت پس از اشاره ای به گذشته شهسپاری  
 واحصیت او برای رژیم به تشکیل

تهران حزب بوده و چگونگی ایجاد آن که  
 ظاهرا به ابتکار بقایای رهبران حزب بوده  
 ولی در واقع با تصمیم و نقشه ای از بیست  
 تهیه می شده سازمان اضیت به وجود  
 آمده بود لحنه و در این باره می گوید:

تشکیلات تهران نه تنها افراد را  
 به دوام خود می انداخت، بلکه به وسیله ای  
 افراد وابسته به خود را کوشه و کنار اطلاعاتی  
 واجیع به گروهها و انقلاب بیند دیگر نیز مصیغ  
 آوری می کرد و طبقا تمام این اطلاعاتی نیز

به وسیله ای همان شهسپاری در لحنه کار  
 سازمان اضیت قرار می گرفت. البته تهیه  
 شهسپاری عده ای زیادی از کارشناسان  
 سازمان اضیت را نیز در تشکیلات شهسپاری  
 وارد کرده و در رأس کارهای مسئولیت  
 قرار داده بودند و در واقع این سازمان اضیت  
 بود که به وسیله ای عده ای از کارکنان  
 حزب بوده و تشکیلات تهران را به وجود  
 آورد و بود. هدف سازمان اضیت  
 ایجاد تشکیلات تهران از صحن جمع کردن  
 عده ای از لحنه انقلابی در این اثر کسر

آنها و از صریح دیگر ایجاد کانسوسی بودن  
شکستهای سایر گروهها و سازمان های  
انقلابی و اثرات و ازای اندیشه سیاسی  
میباشد

مجلس جلایا و نمایان جمهوری به مسئله  
تشکیلات تهران و ایجاد تشکیلات جنوب  
و تشکیلات آذربایجان و سرانجام با مسان  
کار تشکیلات تهران به تفصیل شرح داده  
شده و آنکاه در باره ی "آخرین چهره های  
مرد هزار چهره" پس از تشکیلات مد کانه  
طالسی گفته شده است

در قسمت سوم کتاب، ملت اعدامها خن  
جمهوریاری تفریح شده، در کتاب در این  
مورد گفته می شود:

"با از اعدام انقلابی این جاسوس کشک و  
این مبرص حساس سازمان ام، شاه خائن  
و هدف حده اد اشتم:

۱- آنها لا بودن آگاهی و روحیه ی انقلابی  
بیرومای حللی

۲- بهره وین به پلیس سیاسی و تحریک

روحیه ی آن

سهیم کتاب به شرح هر مبرص و یاد شده  
صیی بردارند و در انتهای ام این مبرص و  
پایدارا در خروجی حللی و خنده خلق است

این دو عنوان تفریح و ناسیبه  
قسمت چهارم کتاب که "پایان یک دوره

بزرگواران انقلابی خلق ما ناسیبه  
می شود و در واقع تحلیل تشریح و برای از

تاریخ مبارزات انقلابی حللی با است که مسا  
جنبش سهاگل پایان می باشد و در لندن

التمت و شیوه ی عملی گنی گروهها و سازمانهای  
انقلابی بعد از سال ۳۲ تا رساله ی سهاگل

مورد بررسی انتقادی فرکر گرفته و نتیجه ی  
تمکیت آنها با توجه به آفرش های گراتسهای

لندن و آفرکار کعبه با نتیجه شده، در این  
قسمت آمده است

"تشکیلات مد کانه ی "حزب نوید" با اتصال

آلت دست و پلیس سیاسی شدن و بر جنبش

نمونه های حمایت به خلق را در تان

مبارزات سیاسی، چون با ارائه دار، اگر این

تشکیلات از همان آغاز به شکلی از مبارزه می  
 توده ای دست میزد با شکست از مبارزه می  
 توده ای را ندارد میدید ، از دو حال  
 خارج نبود . یا این شکل از مبارزه منطبق  
 با شرایط جامعه بود و به هر صورت و بسا  
 هر بیانی بالاخره دست جاسوسان پلیس  
 روی شد و نظمی قابل دوام مبارزه در  
 جامعه بوجود می آمد و یا این شکل مبارزه  
 منطبق بر شرایط جامعه نبود که در این  
 صورت تشکیلات زودی لاسو میرفت و  
 نابود میشد و تجربه شکست آن بر ای  
 گروهها و سازمانهای دیگر میتوانست همی  
 در کشف شکل لازم و مخوری مبارزه باشد  
 ولی با رهم دست جاسوس پلیس سیاسی به  
 زودی رو میشد و در هر صورت آفای اصلاحی  
 قادر نبود ده سال تمام نیروهای پیشرو خلق  
 ما را به بند بکشد و به کنترل سازمان امنیت  
 در آورد و عناصر ستاز آنرا بجوی لعدام  
 و شکست روانه سازد . اگر ده سال تمام  
 ما میران سازمان امنیت و اعضای حزب توده  
 تراستد در کار هم و دوزخه دوش هم

کار کنند این به دلیل ماهیت آن کسار  
 بود . زیرا چنانکه گفتیم ، سازمان بوروکراتیک  
 مخفی بدون هیچ مبارزه ی روساری بسا  
 دشمن و صرفا با انتشار مجله و اعلامیه در  
 مقیاسی محدود . کاری است که پلیس هم  
 به سادگی میتواند انجام دهد .

در پایان این قسمت ، کتاب به انقلابیون  
 چنین توصیه می کند :

... به رفقای خود و سازمان ها و  
 گروههای واقعا انقلابی گوشزد میکنیم که از  
 ارتباط با گروهها و سازمان ها و محفل های  
 که صرفا به کار بوروکراتیک مخفی مشغولند حذر  
 کنند و بدعهای انقلابی بودن را فقط در  
 مبارزه روساری بسا دشمن بهیازمایند .  
 تنها به جلسوسان انقلابی کسی می تسران  
 ایمان داشت که از این صافسی بگذرد .  
 قسمت پنجم کتاب " ما و حزب توده " تمام  
 دارد . این قسمت از کتاب قبل از هر چیز  
 واقعیت سازمانی را که خود را " حزب توده "  
 می نامد روشن ساخته و گفته است که این  
 سازمان ، مجمعی از بقایای رهبران حزب

نوده‌ی سابق است که در نهایت به سازمان  
محدود روشنفکری ضد رژیم است و بدین جهت  
اساساً نمیتوان آنرا حزب نامید. کتاب  
خود همواره برای نامیدن این سازمان، نام  
"مجمع بقایای رهبران حزب توده" و "بقایای  
رهبران حزب توده" را به کار  
می برد.

کتاب سبب به جبران تلاشی حزب توده  
اشاره میکند و سیاست سازمان چریکهای  
فدائشی خلق را در مقابل مجمع بقایای  
رهبران حزب توده، یعنی همان "سازمان  
روشنفکری ضد رژیمی که اکنون خود را حزب  
توده می نامد، روئین میسازد و به پیامسی  
که بقایای رهبران حزب توده برای سازمان  
مافرستاده اند جواب می گوید و هدفی  
آنها را از فرستادن اینگونه پیامهاروشن

می سازد. مطالب این قسمت بسیار پیوسته  
پیشنهاد عملی به بقایای رهبران حزب توده  
بر مبنای پیامهای خود آنها و برزی افشاری  
هرچه بیشترشان پایان می پذیرد. پس  
از این قسمت همین بنام ستاد رهبران حزب  
توده به سازمان چریکهای فدائشی خلق آوزده  
شده است.

پشت جلد کتاب عکس دلاور قهرمان و  
کمیته برجسته‌ی ایران رفیق خسرو روزه  
چاپ شده است. در بالای عکس کلمات  
زیر با حروف قرمز به چشم می خورد:  
"درد به رزندگان راستین حزب توده‌ی  
ایران. ننگ به رهبران خائن و سراری  
حزب توده"

در زیر عکس نیز متن کوتاهی در تالیف از  
رفیق خسرو روزه آمده است.

"با ایسمان به پیروزی راهمان"

# فرزندان راستین

## خلق

مختصری از زندگی رفیق کبیر \*علی اکبر جمعی\*  
www.farhang.com

( ۱۳۰۹ - ۱۳۲۷ )

نداشت و در خانه شان از آب لوله کسی  
خبری نبود. او خودش مجبور بود روزانه  
دهها بار برای آوردن آب از شهرهای  
همسایه از خانه بیرون برود. تداوم این کار  
در همان ایام نوبوانی او را به رمانتیک  
مبتلا کرد. بجزیکه بدنها مجبور به معالجه  
بمبارشند. در این شرایط او در مستی  
را هم می خواند. پس از گرفتن دیپلم  
علیرقم دشواریهای زیاد زندگی خصوصی  
در رشته اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته

رفیق علی اکبر جمعی در سال ۱۳۲۷  
در خانواده ای از طبقه متوسط دنیا آمد.  
در آن کودکی در محلات قدیمی جنوب  
تهران سپری شد. کودک خردسالی بود که  
پدرش را از دست داد و مسئولیت اداره  
خانواده بر عهده او قرار گرفت. علی اکبر با  
برخوردی جدی و مسئولانه توانست از عهده  
حل مسائل مربوط به اداره خانواده اش برآید  
کاری که از فردی در سن و سال او بعید  
می نمود. خانواده آنها امکانات مالی در اختیار

شد. در دانشگاه تهران بخاطر قابلیت و کارآیی خیلی زود عهده دار امور فلسفی در دانشگاه شد ولی پس از مدتی دریافت که باید با رژیم مبارزه سیاسی کرد. همین لحاظ به همراه رفقای نزدیک و هم عقیده اش یک هفته دانشجویی ایجاد کردند و شروع به مخالفت در ضمن مارکسیستی کردند. در آن موقع سائمه موسی چه باید کرد؟ برای هفت دانشجویی آنها نیز وجود داشت آنها در پاسخ به این سؤال با توجه به رهنمودها کلاسیک انقلابی نتیجه گرفتند که به منظور کار سیاسی در میان کارگران باید به کارخانه ها رفت. آنها عملاً وارد اضم شدند ولی پس از مدتی زمینه پیشرفت در این کشور نیافتند. آنها با تأسیس کمیته سیاسی توسط کارگر مواجه بودند و نپذیرفتند چگونگی مبارزه با این روحیه خود بوده ها مبارزه کنند و شروع انقلابی در ایشان بد شد و مبارزه مبارزه امیدوارشان سازند.

در بهمن ۱۹ با شروع رستاخیز سهاگل رفتاری هفته دانشجویی رفیق جعفری بسا

سائمه ای تازه و خط مشی نوینی در حرکت انقلابی مواجه شدند آنها در آغاز موسی مقاوم در فعال خط مشی تبلیغ سلحمانه گرفتند بظاهر فکر میکردند این کار با شیوه همای مارکسیستی کار در میان بوده ها مایه نیست دارد ولی واقعات همین و تاثیراتی که عملیات تبلیغ سلحمانه و توضیحات بعدی آن بر نیروهای انقلابی جامعه میگذاشت به آنها آموخت که تبلیغ سلحمانه پروسه ای است که به بسیج سیاسی بوده ها خواهد انجامید و در یک حرکت کام به کام بتدریج لایه های جامعه تر خلق را بسیج کرده و سازمان خواهد داد. بدینا این نتیجه گیری مبنی بسا واقعات همین و رفیق جعفری به همراه یکی دیگر از اعضای هفته دانشجویی (رفیق عبدالممنین براتی) در عهد ارتباط گیری با سازمان چریکهای فدائیس خلق برآمدند و در تابستان توانستند با سازمان ارتباط بگیرند و در مسیله انقلابیون حرفه ای و صلح سازمان تا در آید سال ۵۰ سال دشواری برای سازمان

تد. در دانشگاه تهران بخاطر قابلیت و کارآیی خیلی زود عهده دار امور فلسفی در دانشگاه شد ولی پس از مدتی دریافت که باید با رژیم مبارزه سیاسی کرد. همین لحاظ به همراه رفقای نزدیک و هم عقیده اش یک هفته دانشجویی ایجاد کردند و شروع به مخالفت در ضمن مارکسیستی کردند. در آن موقع سائمه موسی چه باید کرد؟ برای هفت دانشجویی آنها نیز وجود داشت آنها در پاسخ به این سؤال با توجه به رهنمودها کلاسیک انقلابی نتیجه گرفتند که به منظور کار سیاسی در میان کارگران باید به کارخانه ها رفت. آنها عملاً وارد اضم شدند ولی پس از مدتی زمینه پیشرفت در این کشور نیافتند. آنها با تأسیس کمیته سیاسی توسط کارگر مواجه بودند و نپذیرفتند چگونگی مبارزه با این روحیه خود بوده ها مبارزه کنند و شروع انقلابی در ایشان بد شد و مبارزه مبارزه امیدوارشان سازند.

در بهمن ۱۹ با شروع رستاخیز سهاگل رفتاری هفته دانشجویی رفیق جعفری بسا



مایود. بی تجربگی يك مسأله عمومی بود، ولی کارهای عطی بی نهایت زیادی با دست صورت میگردند. مأمورینهای زیاد بودند که باید با موفقیت انجام میشدند، تا اعمارسازان به پیتر رود در چنان شرایطی رفیق عطی اکبر جعفری به سازمان پیوست. او در ابتدای ورودش اجباراً به مأمورین خطرناک و مشکل اعزام شد. رفقای مشول کفایت مأموریت را به او واگذار کردند هرگز فکر نمیکردند که مشکل کار برین تجربه بتواند بخوبی از عهد و اینکار برآید. و اجرای مأموریت را نوعی رسک اجباری تلقی میکردند. ولی رفیق جعفری مأموریتش را بطور خلاص انتخاب کرد و در بین بی کجکاست اجرا کرد و با موفقیت بارگشت. رفیق جعفری پس از بازگشت از مأموریت در یکی از شاخه های عملیاتی سازمان با مسئولیت رفیق حسن نویزی مشغول گارند. رفیق جعفری در عملیات جشن عای ۲۰۰۰ ساله عملیات بعدی سازمان فعالانه شرکت جست و نقش های محول را بهترین وجهی ایفا نمود. رفیق جعفری از زعم و در رفتاری بود که در

جلسات انتقاد از خود پس از عملیات معمولاً انتقادی عاو وارد نبود. وقت و وسواس تعهدش نظیر او را من مستحکم — در موفقیت های پیاپی او در اجرای درست مأمورینها و مسئولینهایش بودند.

رفیق جعفری بعد از سه سال ۵۱ در موقعیتی قرار گرفت و به سطحی از رشد تشکیلاتی دست یافت که توانست متقلاً شاخه های تشکیل دهد. او در موضع جدیدش فعالانسه وارد اقدام شد و در از زیادی از سازمان تازه به سازمان پیوسته را با تعالی و تجارب سازمان آشنانمود و همکاران و ضا همسم تشکیلاتی را به ایشان آموخت. او واحدهای با ارزشی را بوجود آورد که سنار و عایشان در افزایش قدرت و امکانات سازمان نقش تعیین کننده داشتند. در این دوره او با خاطرنقش از زندگی و پیشرفت در امور سازمان به عضویت مرکزیت سازمان برگزیده شد و از آن پس در نقش یکی از مسئولین اصلی سازمان به فعالیت های انقلابی خود ادامه می داد. در این

و زبان او به صافیه یک پرتومین برجسته  
انقلابی دروغشید و با ادهامات پیگیر بد رختان  
خود در ریشه و نسبت سازمان نقش بسزای  
ایجاد کرد .

رفیق جعفری در تمام طول خدمتات  
سازمانش نمونه برجسته ای از خلافت انقلاب  
بود . هر وقت ابتکار و تلاطمهای او در جهت  
خلق امکانات تازه برای مبارزه کم نظیر بودند .  
رفیق جعفری عشق عمیق نسبت بسنه  
نوده های تحت ستم میهن مان داشت . رفقا  
بیمار دارند که هنگامیکه در دعا و رنجبتی  
بیمکران نوده ها را می دید چگونه ظلمت میزد  
و نفرت صمیمی از ریشه های نا پسانانها  
و عوامل ایجاد کننده آن سرپای وجسود  
را فرا میگرفت .

رفیق جعفری از عشق صمیمی نسبت بسنه  
وظیفه انقلابی و نسبت به رفقای معززینش  
برخوردار بود . تمام رفقای که با او کس و  
کرد مانند پضاغاری آوردند که حتی یک برخورد  
عاری با او چه انرژی و نیروی پانها میداد .  
او نه تنها ضحک بگرامی از انرژی و خلافت

انتقامی بود بلکه فخر بود این اختیارات  
شود را به رفقای دیگر نیز انتقال دهد و  
شعور شوی بی پایان رفقا را به لغاتنها  
و تلاشهای پیگیر رهنمون شود .

رفیق جعفری در روزهای دشوکر سازمان  
در شرایطی که ما زیر ضربات پهای و سنگین  
آدمین قرار میگرفتیم با مغزی سرد و فلسی  
آدم و روحیه ای سرشار از سازندگی و بسا  
خونسردی حوادث را استقبال میکرد و در  
جهت ترمیم ضایعات و بازسازی نیروها  
و امکانات سازمان تلاش می نمود . او در بدتر  
لحظات زندگی انقلابی نیز مانند کوه  
پایدار بود و همچنان شعور و سرسرازد  
زنده بزرگی که سازمانش آغاز کرده بود نمود  
میکرد .

تلاطم حاد که ای ناشی از کار بد آدم و  
پیگیری شهادتیش را بد نبال آورده است .  
رفیق جعفری در حالیکه برای انجام  
ماموریت سازمان مشغول بود و بر اثر مستکسسی  
ناشی از کار بد او این لحظه ای در پیش  
فرمان اتوبیل بغراب رفقا و همین بسنه

بروز تصادفی شد بد شد که پنهانیت و ریسک  
صنجر گردید .

همه نان براد بزرگ او را شکر میزدی چنانکه امر اصغر  
د هند .

امروز جای او در میان همزمانش خالیست  
ولی در پنهانیت و ریزگی و چهارپایی کسوف  
بهرورد ماست با الهام از حد اکت اینان بودا لیت  
و روحیه نیرومند او جای خالی او را پر کنند و

پرونده انقلاب نوین ایران طبعی فطرتی است  
صد ده همچنان در حال بالندگی و گسترش است  
و حتی ضرباتی سنگین و در ناله همچون شمشاد  
و لیلی کبیری وین طس اگر چه طبعی فطرتی جدی  
پرسرشد آن ایچاد نخواهد کرد .

• با الهام به پیروزی داعستان •  
• به پیش پیروی بصیرت بوده است •

بسیار در حالت که محل پنهانکاری باطن  
شرط لازم اما غیر کالی را با چه چیز باید  
بخواند در آنجا در مجموع شرایط یکسانی  
و شد با بنده ما را فراهم آورند . پنهانکاری  
یک شیوه و لسانی اصغر و ریسک بسته  
تنهایی یک شیوه و لسانی ظلم است و لسانی  
هنگامیکه از قدرت آتش بر خورد از نماند هم  
پنهان ظلم باقی خواهد ماند . پس  
طبعی است اگر تا کنده گیم که پنهانکاری  
می آنگه با احوال قدرت انقلابی همراه باشد .

دفاعی غیر فعال و ناصحان است  
اگر میباید پنهان کاری و تسد در  
انقلابی توانا شرط بقای ما با نماند  
ناگزیر باید اصل پنهانکاری  
فلسفی " بقا " یعنی اصل  
" عدم تصرف " و اتلس گیم  
با این ترتیب نظریه " تصرف بنگیم " :  
بساتی بساتیم " لزوما جای خود را  
منس " بر سر ای اینکه با نسی بماند  
صاحب هم تصرف بنگیم " میدهد .

ولیس پیروزی پنهان  
ضرورت جایزه صلحانه و رد خشونت بقا

بنده پیام به کنگه راسخون .....

شاه اسیرند جان و آزادی خود را ببیورد  
از ستند آمدند ه جنش اکین رفتاسی  
را در برآورته است و حمایتی را از خلجین  
مشتعل است که آنرا نادر بینند که مبارزات  
فاطع خود را در عهده اشکال مختلف ضروری  
کم به قدم تا پیروزی نسجاش بر آید و عد

در این راه نادر سر از خنجر آسیر عهدت ساد و  
کنار هم عشقم و با هم حرکت می کنیم و از  
این روی است که دست دوستی شما را تمام  
و کفای مبارز کنگه راسخون را می نشانیم و  
خواهش می کنم که تان را هم در عیون من

و فعالیت های ارزنده تان هستیم

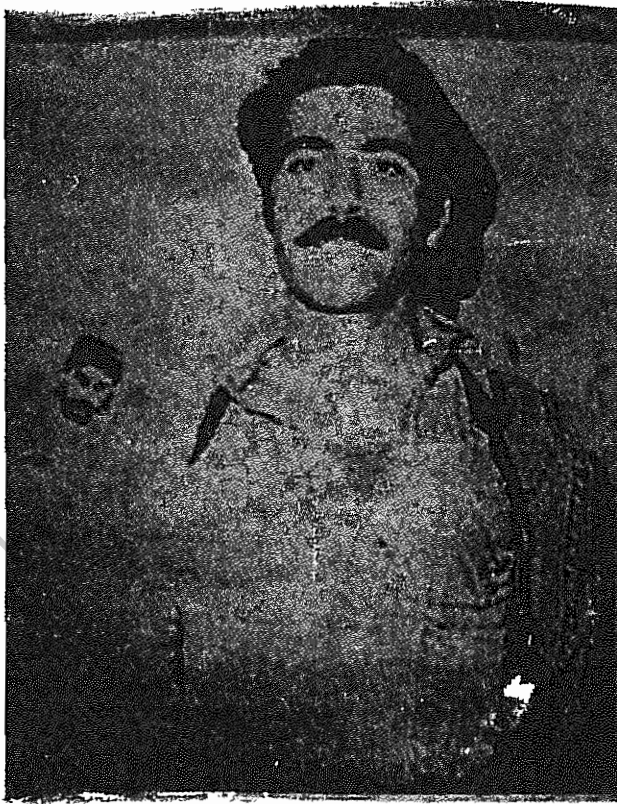
• بالجهان بسه پیروزی و احسان •

• سازمان چهره گهای فدایی خلجی •

در پناه ۱۳۵۲



کارگران سراسر جهان متحد شوید



رفیق کبیر فدائی شهید،

علی اکبر جعفری